۱۳۸۷

آیا قرآن کلام آفریدگار است

این کتاب را به تمام کسانی که در راه آگاهی گام بر می دارند به طور رایگان تقدیم می کنم

به امید روزی که هر کس با آگاهی کامل آیین خود را انتخاب کند و آزادی و برابری همه دنیا را فراگرفته باشد

خاموش



کلیه نوشته ها ی این کتاب بر پایه قرآن می باشد و از پایه گذاری (استناد) به هر منبع دیگری تا حد امکان خود داری شده است

سر آغاز

به نام پاک آفریدگار

با درود به تمام پژوهشگران و کسانی که بدون تعصب و با تحقیق به چیزی ایمان می آورند یا از چیزی دوری می کنند

کلیه نوشته ها ی این کتاب بر پایه قرآن می باشد و از پایه گذاری (استناد) به هر منبع دیگری تا حد امکان خود داری شده است

خواهشمند هستم در صورت شک در هر مورد به قرآن مراجعه فرمایید

معرفی نویسنده

من یک انسان ایرانی هستم که در یک خانواده مذهبی و شیعه بزرگ شده ام کلیه رساله های مراجع تقلید را صفحه به صفحه خوانده ام و کیفیت بیشتر عبادت اسلامی را کامل بلد هستم و هر کدام از عبادات به جزء حج را انجام داده ام نام خود را در این کتاب به خاطر جو حاکم بر ایران ذکر نمی کنم و این کتاب حاصل پنج سال تحقیق مداوم من می باشد.

ما زنده به آنیم که آرام نمانیم　　　　موجیم که آسودگی ما عدم ماست

توضیح مهم در مورد مطالعه این نوشته

نوشته های مشخص شده با زیر رنگ زرد کمرنگ متن خود قرآن می باشد و نوشته های بار زیر رنگ نارنجی کمرنگ موارد علمی می باشند و نوشته های بدون زیر رنگ نوشته های نویسنده می باشد

آیا قرآن باید تفسیر شود؟

اولین حرفی که به هر کدام به مسلمانان در مورد قرآن زده می شود می گویند تو نمی توانی قرآن را بفهمی قرآن احتیاج به تفسیر دارد حال ببینیم خود قرآن در این مورد چه گفته است

سوره ۵۴: القمر

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (۱۷)(۲۲)(۳۲)(۴۰)

و قطعا قرآن را برای پندآموزی آسان کرده‌ایم پس آیا پندگیرنده‌ای هست (۱۷)(۲۲)(۳۲)(۴۰)

سوره ۱۸: الكهف

قَيِّمًا لِّيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِن لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا (۲)

[کتابی] راست و درست تا [گناهکاران را] از جانب خود به عذابی سخت بیم دهد و مؤمنانی را که کارهای شایسته می‌کنند نوید بخشد که برای آنان پاداشی نیکوست (۲)

سوره ۴۳: الزخرف

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۳)

ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم باشد که بیندیشید (۳)

سوره ۳۹: الزمر

قُرآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۲۸)

قرآنى عربى بى‌هيچ كژى باشد كه آنان راه تقوا پويند (۲۸)

حا لا بازم با همه این تاکیدات بازهم بعضی می گویند قرآن احتیاج به تفسیر دارد اگر احتیاج به تفسیر دارد چرا این همه (یا ایها الناس) (یا ایها المومنون) (یا ایها الذین آمنوا) دارد و به جای اینها نیامده (یا ایها المفسرون) (یا ایها العالمون) یا (یا ایها المراجع التقلید) چون خطاب قرآن به انسانها بوده است نه به مفسرها چرا باید در سوره قمر چهار بار تاکید شود.

سوره ۸: الأنفال

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِندَ اللّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لاَ يَعْقِلُونَ (۲۲)

قطعا بدترين جنبندگان نزد الله كران و لالانى‌اند كه نمى‌انديشند (۲۲)

اسلام برای یک قوم یا برای همه مردم دنیا

تا اینجا فهمیدیم ما هم می توانیم قرآن را بخوانیم و بفهمیم پس فقط خودتان بخوانید و نتیجه بگیرید

سوره ۱۴: إبراهیم

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلاَّ بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللّهُ مَن يَشَاء وَيَهْدِي مَن يَشَاء وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۴)

و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا [حقایق را] برای آنان بیان کند پس الله هر که را بخواهد بی‌راه می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند و اوست ارجمند حکیم (۴)

پس می توان نتیجه گرفت پیامبر قوم ما ایرانیان باید فارس زبان باشد

سوره ۱۰: یونس

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاء رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لاَ يُظْلَمُونَ (۴۷)

وهر امتی را پیامبری است پس چون پیامبرشان بیاید میانشان به عدالت داوری شود و بر آنان ستم نرود (۴۷)

در این آیه هم آمده که برای هر امتی پیامبری است نه برای همه دنیا یک پیامبر پس می توان فهمید که محمد پیامبر امت ما نبوده است

سوره ۱۶: النحل

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولاً أَنِ اعْبُدُواْ اللّهَ وَاجْتَنِبُواْ الطَّاغُوتَ فَمِنْهُم مَّنْ هَدَى اللّهُ وَمِنْهُم مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلالَةُ فَسِيرُواْ فِي الأَرْضِ فَانظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ (۳۶)

و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید] الله را بپرستید و از طاغوت [=فریبگر] بپرهیزید پس از ایشان کسی است که الله [او را] هدایت کرده و از ایشان کسی است که گمراهی بر او سزاوار است بنابراین در زمین بگردید و ببینید فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است (۳۶)

این آیه هم که همان مفهوم آیه بالا را می رساند و می توان از تکرار یک معنی در یک کتاب به این نتیجه رسید که آن معنی خیلی مهم بوده است که تکرار شده است

سوره ۱۳: الرعد

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُواْ لَوْلاَ أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ إِنَّمَا أَنتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (۷)

و آنان که کافر شده‌اند می‌گویند چرا نشانه‌ای آشکار از طرف الله بر او نازل نشده است [ای پیامبر] تو فقط هشداردهنده‌ای و برای هر قومی هدایت کننده ای است (۷)

بازهم تکرار معنی آیات قبلی بله برای هر قومی هدایت کننده ای است

سوره ۹: التوبة

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُم مِّنَ الأَعْرَابِ أَن يَتَخَلَّفُواْ عَن رَّسُولِ اللّهِ وَلاَ يَرْغَبُواْ بِأَنفُسِهِمْ عَن نَّفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لاَ يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلاَ نَصَبٌ وَلاَ مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَلاَ يَطَؤُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلاَ يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَّيْلاً إِلاَّ كُتِبَ لَهُم بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللّهَ لاَ يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۱۲۰)

مردم مدینه و بادیه‌نشینان پیرامونشان را نرسد که از [فرمان] پیامبر الله سر باز زنند و جان خود را عزیزتر از جان او بدانند چرا که هیچ تشنگی و رنج و گرسنگیی در راه الله به آنان نمی‌رسد و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می‌آورد قدم نمی‌گذارند و از دشمنی غنیمتی به دست نمی‌آورند مگر اینکه به سبب آن عمل صالحی برای آنان [در کارنامه‌شان] نوشته می‌شود زیرا الله پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند (۱۲۰)

ببنید دوستان خطاب قرآن با چه کسانی بوده است با ایرانیان یا سایر مردم دنیا نبوده است با مردم مدینه و بادیه نشینان پیرامونش بوده است

سوره ۴۳: الزخرف

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۳)

ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم باشد که بیندیشید (۳)

در این آیه هم آمده قرآن را عربی قرار دادیم تا در آن بیندیشید وقتی تاکید بر عربی بودن قرآن است یعنی برای قومی است که زبانش عربی است و می تواند در آن به راحتی بیاندیشد در قرآن هیچ جا نیامده است که قرآن را عربی قرار دادیم تا آن را ترجمه کنید می دانید که یک کتاب هرچه هم خوب ترجمه شود باز هم تمام مفاهیم متن اصلی را نمی تواند برساند

سوره ۱۲: یوسف

إِنَّا أَنزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۲)

ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم باشد که بیندیشید (۲)

و در اینجا هم باز هم تاکید شده است که این تاکید نشانه بر مهم بودن موضوع و جهت بر انگیختن حس وطن دوستی و تعصب اعراب در مقابل انجیل و تورات بوده است که به زبان عربی نبوده اند پس باز هم می توان به راحتی نتیجه گرفت که این قرآن برای قوم عرب آمده است نه سایر اقوام جهان.

سوره ۲۰: طه

وَكَذَلِكَ أَنزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا (۱۱۳)

و این گونه آن را [به صورت] قرآنی عربی نازل کردیم و در آن از انواع هشدارها سخن آوردیم شاید آنان راه تقوا در پیش گیرند یا [این کتاب] پندی تازه برای آنان بیاورد (۱۱۳)

باز هم تاکید بر عربی بودن قرآن در این آیه آمده است

سوره ۲۲: الحج

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاء الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۵)

بی‌گمان کسانی که کافر شدند و از راه الله و مسجدالحرام که آن را برای مردم اعم از مقیم در آنجا و بادیه‌نشین یکسان قرار داده‌ایم جلو گیری می‌کنند و [نیز] هر که بخواهد در آنجا به ستم [از حق] منحرف شود او را از عذابی دردناک می‌چشانیم (۲۵)

مسجد الحرام احکامش جهت مردم مقیم مکه و بادیه نشینان یکی قرار داده شده است نه برای دیگر مردم دنیا این سوره می دانید در مدینه و در زمان قدرت محمد بوده است ولی اشاره ای بر اینکه احکام اسلام برای همه جهان آمده است در آن نیست

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقَهُم مِّن بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ (۳۴)

و برای هر امتی مناسکی قرار دادیم تا نام الله را بر دامهای زبان‌بسته‌ای که روزی آنها گردانیده یاد کنند پس [بدانید که] الله شما الله یگانه است پس به [فرمان] او گردن نهید و فروتنان را بشارت ده (۳۴)

باز هم در سوره حج گفته شده است برای هر امتی مناسکی قرار دادیم پس این مناسک برای یک امت خاص است نه برای همه جهانیان نه برای ایرانیان اشاره ای هم در مورد اینکه این مناسک برای همه جهان واجب یا حتی مستحب است نیز نیامده است خودتان هم می دانید که حج رفتن به نفع الله است یا به نفع اعراب ساکن در عربستان بله تمام پول ما ایرانیان و بقیه کشورهای مسلمان صرف عیش و نوش اعراب عربستان می شود که ما با حج رفتن پول زحمات خود و گرسنگی مردمان میهنمان را تقدیم مردم عربستان می کنید و حج صنعت توریسم عربستان را قدرتمند می کند لازم به ذکر می دانم مسلمانان سنی در ایامی غیر از ایام حج به مکه جهت زیارت نمی روند و ما شیعه ها حج تمتع هم می رویم و من کسانی را می شناسم که با وام و از گلوی خانواده بریدن به حج تمتع یا واجب می روند

اي قوم به حج رفته كجايـــــــيد كجايـــيد	معشوق همين جاست بيا بيد بيايـــــيد
معشوق تو همسايه ي ديوار به ديـــــــوار	در وادي سرگشته شما در چه هواييد
آن ها كه به سر در طلب كعبـــــــه دويدند	چون عاقبت الامر به مقصود رسيدند
رفتند در آن خانه كه بيــــــنند خـــــدا را	بسيار بجستنـــد خـــدا را و نديـــدند
چون معتكف خانه شدند از سر تكليـــــف	ناگاه خطابي هم از آن خانه شنيـــدند
كه اي خانه پرستان چه پرستيد گل و سنگ	آن خانه پرستيد كه پاكان طلبيـــــدند

مولوی

لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُنَّكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَى هُدًى مُّسْتَقِيمٍ (۶۷)

برای هر امتی مناسکی قرار دادیم که آنها بدان عمل می‌کنند پس نباید در این امر با تو به ستیزه برخیزند به راه الله دعوت کن زیرا تو بر راهی راست قرار داری (۶۷)

بازهم تاکید بر همان معنای آیه بالا در سوره حج و جهت رساندن اهمیت این موضوع که برای هر امتی یک مناسکی وجود دارد پس مناسک حج جهت همان امتی که محمد آنها را به اسلام دعوت کرد قرار داده شده است

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمينَ مِن قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاء عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ (۷۸)

و در راه الله چنانکه حق جهاد [در راه] اوست جهاد کنید اوست که شما را [برای خود] برگزیده و در دین بر شما سختی قرار نداده است آیین پدرتان ابراهیم [نیز چنین بوده است] او بود که قبلا شما را مسلمان نامید و در این [قرآن نیز همین مطلب آمده است] تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید پس نماز را برپا دارید و زکات بدهید و به پناه الله روید او مولای شماست چه نیکو مولایی و چه نیکو یاوری (۷۸)

حتما خودتان خوب می دانید بنا بر روایات مختلف پدر ملت عربستان اسماعیل فرزند ابراهیم بوده است که ابراهیم بنا بر خواست همسرش ساره , همسر دیگرش هاجرکه کنیزش بوده است و از او بچه دار می شود را به همراه فرزندش اسماعیل در بیابان عربستان رها می کند و اعراب عربستان را از نسل اسماعیل می دانند و بنابر روایات ابراهیم را می توان پدر قوم عرب دانست و در آیه بالا هم گفته شده آیین پدرتان ابراهیم را برای شما قرار داد با توجه به اینکه ابراهیم پدر قوم عرب بوده است بدون تعصب بی مورد می توان نتیجه گرفت اسلام برای همه جهان نبوده است زیرا ما فرزندان ابراهیم نیستیم.

سوره ۲۶: الشعراء

بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ (۱۹۵)

به زبان عربی روشن (۱۹۵)

باز هم تاکید بر عربی بودن قرآن که حاکی از این است که اسلام و قرآن برای عرب آمده است و باید توجه داشت که مصر , فلسطین و بسیاری از دیگر ملتهایی که اکنون عرب هستند در آن زمان عرب نبوده اند و به زور شمشیر عرب می شوند

وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (۲۱۴) وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۱۵) فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ (۲۱۶)

و خویشان نزدیکت را هشدار ده (۲۱۴) و برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده‌اند بال خود را فرو گستر (۲۱۵) و اگر تو را نافرمانی کردند بگو من از آنچه می‌کنید بیزارم (۲۱۶)

در مورد آیه بالا هم که دیگر احتیاجی به گفتن ندارد که ما خویشان نزدیک محمد نیستیم

سوره ۲۸ :القصص

وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِن رَّحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۴۶)

و آنگه که [موسی را] ندا درداديم تو در جانب طور نبودی ولی [این اطلاع تو] رحمتی است از الله تو تا قومی را که هیچ هشداردهنده‌ای پیش از تو برایشان نیامده است بیم دهی باشد که آنان پندپذیرند (۴۶)

در آیه بالا هم گفته شده است برای قومی که پیش از تو برایشان هشدار دهنده ای نیامده است ما ایرانیان که هشدار دهنده ای به بزرگواری زرتشت داشته ایم که آموزشهای او هنوز در جهان زبانزد است و بیشتر دین شناسان آموزشهای او را برتر از سایر افرادی که کیشی را به مردمان معرفی کرده اند دانسته اند

نیبرگ: زردشت بیگمان بالاتر از یک پیمبر بوده که چنین سخنان شکوهمند و برجسته ای را بر زبان روان کرده و با خردمندی و بینش گسترده , آموزش مهر ورزی و برادری و دوستی داده و بر نهاد راستی تکیه نموده و آنها را راهنمای مردمان نموده است.

میله فرانسوی: زردشت هم در راه پالایش اندیشه آدمی و هم سازندگی جهانی که در آن زیست میکند , گام برداشت. او هم با قربانی کردن چهارپایان به پیکار بر خاست و آنرا ناشایست و ناپسند به شمار آورد و هم با توانگران و گروه سرمایه دار جنگید و در راه آزادی نیروها و آدمیان تلاش کرد.

او بزرگتر از آن است که بتوان درباره اش به گفتگو نشست.

رودلف: با آنکه زردشت از گروه توانگران و برجستگان بود ولی با این رو هیچگاه از هواداری تنگدستان و مردمان نیازمند و هم چنین کشاورزان و رمه داران دست نکشید و پشتیبان سر سخت آنان بود. سخن او دلنشین و سرشار از راه و روش مردمی است.

جکسون: بودا و کنفسوس و سقراط که جویندگان نور و فروغ و روشنایی بودند , از پایه هایی بلند و سر برکشیده بر خوردار بودند , ولی باید پذیرفت که زردشت از همه آنها بالاتر و والاتر و ارزشمندتر بود. او بیگمان یکی از آموزگاران بزرگ خاور به شمار میآید.

مارتین هوگ (خاور شناس آلمانی) : آیین زردشت , کیش یکتا پرستی است که هیچ دینی از دیدگاه پاکی و آراستگی و مهر و راستی به پایه آن نمیرسد. این دین به راستی نابترین و پاکترین دینهاست.

البته قصد من از آوردن این مطالب که قسمت خیلی کمی از چیزهایی است که در مورد زرتشت گفته شده است این نیست که تبلیغ کیش زرتشتی را بکنم فقط قصدم این است که بگویم اسلام برای ما ایرانیان نبوده است. ونیز اسلام برتر از کیش ما ایرانیان به هیچ عنوان نبوده است اگر در مورد آموزشهای زرتشت و محمد بیشتر بخواهید بدانید در پایان همین کتاب در مورد آنها اطلاعاتی خواهم داد.

سوره ۳۲: السجدة

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۳)

آیا می‌گویند آن را بربافته است [نه چنین است] بلکه آن حق و از جانب الله توست تا مردمی را که پیش از تو بیم‌دهنده‌ای برای آنان نیامده است هشدار دهی امید که راه یابند (۳)

در این آیه هم به محمد از طرف الله ماموریت داده شده است که کسانی را که پیش از او بیم دهنده ای نداشته اند را هشدار بدهد نه کسانی را که خود کیش و آیین داشته اند.

سوره ۴۱: فصلت

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَّقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاء وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُوْلَئِكَ يُنَادَوْنَ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۴۴)

و اگر [این کتاب را] قرآنی غیر عربی گردانیده بودیم قطعا می‌گفتند چرا آیه‌های آن روشن بیان نشده کتابی غیر عربی و [مخاطب آن] عرب زبان بگواین [کتاب] برای کسانی که ایمان آورده‌اند رهنمود و درمانی است و کسانی که ایمان نمی‌آورند در گوشهایشان سنگینی است و قرآن برایشان نامفهوم است و [گویی] آنان را از جایی دور ندا می‌دهند (۴۴)

در این آیه هم که به وضوح آمده است که مخاطب قرآن مردم عرب زبان هستند در ضمن به ابتدا آیه دقت بفرمایید گفته اگر غیر عربی می آوردیم قطعا می گفتند چرا آیه های آن روشن بیان نشده , اگر به غیر از عربی می آمد مردم عرب می توانستند بگویند چرا آیه های آن روشن بیان نشده پس چرا ما فارسها حالا که به فارسی نیامده این اعتراض را نکنیم. بعد هم آیا فقط اعراب روی زبان خود تعصب دارند آیا ما بر روی زبان خود هیچ تعصبی نداریم.

سوره ۴۲: الشورى

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ (۷)

و بدین گونه قرآن عربی به سوی تو وحی کردیم تا [مردم] مکه و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی و از روز گردآمدن [خلق] که تردیدی در آن نیست بیم دهی گروهی در بهشتند و گروهی در آتش (۷)

در این آیه هم که محل دعوت محمد به وضوح مکه و پیرامون آن اعلام شده است و باز هم بر عربی بودن قرآن تاکید شده است پس به طور کامل مشخص است که منظور اعراب اطراف مکه بوده است

سوره ۱۰۶: قریش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ (۱) إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاء وَالصَّيْفِ (۲) فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (۳)الَّذِي أَطْعَمَهُم مِّن جُوعٍ وَآمَنَهُم مِّنْ خَوْفٍ (۴)

به نام الله رحمتگر مهربان

برای الفت‌دادن قریش (۱) الفتشان هنگام کوچ زمستان و تابستان (۲) پس باید الله این خانه را بپرستند (۳) همان [الله ای] که در گرسنگی غذایشان داد و از بیم [دشمن] آسوده‌خاطرشان کرد (۴)

ببخشید می خواستم بپرسم ما قریش هستیم ما زبانمان عربی است آیا پدر ما ابراهیم است آیا ما خویشان و نزدیکان محمد هستیم آیا تاکید بر اینکه این قرآن عربی آمده برای ما فارسها لزومی داشته راستی چرا گفته اگر قرآن به زبان عجمی می آمد شما ایمان نمی آوردید آیا ما کمتر از اعراب روی زبانمان تعصب داریم یا واقعا ما با زور شمشیر اعراب مسلمان شده ایم آنهم اعرابی که فقط قصد غنیمت گرفتن داشتند و وقتی به ایران رسیدند می گفتند این همان بهشتی است که وعده داده شده بود؛ ما ایرانی هستیم با قدمتی بالای ده هزار سال با بالا ترین تمدن که مغلوب اعراب بادیه نشین شدیم

ز شیر شتر خوردن و سوسمار	عرب را به جایی رسیدست کار
که تاج کیانی کنــــــــد آرزو	تفو بر تو ای چرخ گردون تفو

خواهش می کنم تعصب دینی را به کنار بگذارید و به اصل خود بر گردید نگاهی به تخت جمشید کنید نگاهی به کتیبه کورش کبیر کنید که منشور حقوق بشر سازمان ملل بر گرفته از آن است به تاریخ مراجعه کنید اولین انیمیشن دنیا در تپه های سیلک کاشان روی یک کوزه اولین دستگاه چاپ سنگی مربوط ۲۷۰۰ سال پیش در ایران , اولین ذوب کنندگان فلز اولین صندلی اولین قومی که گندم کاشت ساخت خود را باز یابید

خوب ببخشید زیاد از بحث خودمان خارج نشویم در پایان این کتاب اگر توانستم ماهیت و تاریخ ایران در زمان قبل از اسلام را برای شما بازگو خواهم کرد

محمد پیامبر الله

تا اینجا فهمیدیم قرآن قابل فهم برای همه و اسلام برای اعراب است باز هم من حرفی نمی زنم خودتان بخوانید و قضاوت کنید

بی ز تقلیـــــدی نظر را پیشه کن　　　هم به رای و عقل خود اندیشـــــه کن
از محقـق تا مقلـــــد قرنهاســــت　　　کاین چو دادست و آن دیگر صداست
مولوی

معصومیت پیامبران

سوره ۱۱: هود

حَتَّى إِذَا جَاء أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِن كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلاَّ مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلاَّ قَلِيلٌ (۴۰)

تا آنگاه که فرمان ما دررسید و تنور فوران کرد فرمودیم در آن [کشتی] از هر حیوانی يك جفت با کسانت مگر کسی که قبلا درباره او سخن رفته است(پسر نوح) و کسانی که ایمان آورده‌اند حمل کن و با او جز [عده] اندکی ایمان نیاورده بودند (۴۰)

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَّعَنَا وَلاَ تَكُن مَّعَ الْكَافِرِينَ (۴۲)

و آن [كشتى] ايشان را در ميان موجى كوه‌آسا مى‌برد و نوح پسرش را كه در كنارى بود بانگ درداد اى پسرك من با ما سوار شو و با كافران مباش (۴۲)

در آيات قبلی به نوح ابلاغ نشده بود که به جز آنکه درباره او سخن رفته است چرا نوح باز هم سرپیچی می کند و پسرش را صدا می کند

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلا أَن رَّأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاء إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ (۲۴)

و در حقيقت [آن زن] آهنگ وى كرد و [يوسف نيز] اگر برهان الله را نديده بود آهنگ او مى‌كرد چنين [كرديم] تا بدى و زشتكارى را از او بازگردانيم چرا كه او از بندگان مخلص ما بود (۲۴)

این هم از پاک دامنی یوسف که الله جلوی خطاش رو گرفته اگر نه خودش بدش نمی آمد

سوره ۱۸: الكهف

فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِندِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا (۶۵) قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا (۶۶) قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (۶۷) وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا (۶۸) قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاء اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا (۶۹) قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَن شَيْءٍ حَتَّى أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا (۷۰) فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا (۷۱) قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (۷۲) قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا (۷۳) فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَّقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُّكْرًا (۷۴) قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّكَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (۷۵) قَالَ إِن سَأَلْتُكَ عَن شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِن لَّدُنِّي عُذْرًا (۷۶) فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَن يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنقَضَّ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا (۷۷) قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا (۷۸) أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدتُّ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءهُم مَّلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا (۷۹) وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَن يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا (۸۰) فَأَرَدْنَا أَن يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا (۸۱) وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنزٌ لَّهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنزَهُمَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا (۸۲)

تا بنده‌اى از بندگان ما را يافتند كه از جانب خود به او رحمتى عطا كرده و از نزد خود بدو دانشى آموخته بوديم (۶۵) موسى به او گفت آيا تو را به شرط اينكه از بينشى كه آموخته شده‌اى به من ياد دهى پيروى كنم (۶۶) گفت تو هرگز نمى‌توانى همپاى من صبر كنى (۶۷) و چگونه مى‌توانى بر چيزى كه به شناخت آن احاطه ندارى صبر كنى (۶۸) گفت ان شاء الله مرا شكيبا خواهى يافت و در هيچ كارى تو را نافرمانى نخواهم كرد (۶۹) گفت اگر مرا پيروى مى‌كنى پس از چيزى سؤال مكن تا [خود] از آن با تو سخن آغاز كنم (۷۰) پس رهسپار گرديدند تا وقتى كه سوار كشتى شدند [وى] آن را سوراخ كرد [موسى] گفت آيا كشتى را سوراخ كردى تا سرنشينانش را غرق كنى واقعا به كار ناروايى مبادرت ورزيدى (۷۱) گفت آيا نگفتم كه تو هرگز نمى‌توانى همپاى من صبر كنى (۷۲) [موسى] گفت به سبب آنچه فراموش كردم مرا مؤاخذه مكن و در كارم بر من سخت مگير (۷۳) پس رفتند تا به نوجوانى برخوردند [بنده ما] او را كشت [موسى به او] گفت آيا شخص بى‌گناهى را بدون اينكه كسى را به قتل رسانده باشد كشتى واقعا كار ناپسندى مرتكب شدى (۷۴) گفت آيا به تو نگفتم كه هرگز نمى‌توانى همپاى من صبر كنى (۷۵) [موسى] گفت اگر از اين پس چيزى از تو پرسيدم ديگر با من همراهى مكن [و] از جانب من قطعا معذور خواهى بود (۷۶) پس رفتند تا به اهل قريه‌اى رسيدند از مردم

آنجا خوراکی خواستند و[لی آنها] از مهمان نمودن آن دو خودداری کردند پس در آنجا دیواری یافتند که می‌خواست فرو ریزد و [بنده ما] آن را استوار کرد [موسی] گفت اگر می‌خواستی [می‌توانستی] برای آن مزدی بگیری (۷۷) گفت این [بار دیگر وقت] جدایی میان من و توست به زودی تو را از تاویل آنچه که نتوانستی بر آن صبر کنی آگاه خواهم ساخت (۷۸) اما کشتی از آن بینوایانی بود که در دریا کار می‌کردند خواستم آن را معیوب کنم [چرا که] پیشاپیش آنان پادشاهی بود که هر کشتی [درستی] را به زور می‌گرفت (۷۹) و اما نوجوان پدر و مادرش [هر دو] مؤمن بودند پس ترسیدیم [مبادا] آن دو را به طغیان و کفر بکشد (۸۰) پس خواستیم که الله آن دو را به پاکتر و مهربانتر از او عوض دهد (۸۱) و اما دیوار از آن دو پسر [بچه] یتیم در آن شهر بود و زیر آن گنجی متعلق به آن دو بود و پدرشان [مردی] نیکوکار بود پس الله تو خواست آن دو [یتیم] به حد رشد برسند و گنجینه خود را که رحمتی از جانب الله بود بیرون آورند و این [کارها] را من خودسرانه انجام ندادم این بود تاویل آنچه که نتوانستی بر آن شکیبایی ورزی (۸۲)

واقعا این داستان جای کف زدن دارد ولی او چه بنده ای بوده که به موسی پیامبر الله می خواسته چیز بیاموزد در حالی که موسی کلیم الله بوده و با الله سخن می گفته است چرا الله او را پیامبر خود نکرده با این همه علــم , بعد هم کشتی را معیوب کند و آن همه آدم داخل کشتی بمیرند بهتر بود یا بنوایانی را که الله می توانست از راه دیگری به آنها رزق برساند مگر به گفته خود قرآن الله رزق رساننده نیست بعد هم آن نوجوان هنوز خطایی نکرده بود (حکم قبل از عمل از بنده مقرب الله بعید است) که کشته شود الله بهتر نبود آن جوان را که هنوز پدر و مادر خود را گمراه نکرده بود هدایت کند نه به دست بنده رحمت یافته اش بکشد بعد هم آن گنج یک اینکه الله بهتر از آن را می توانست به آن بچه یتیمها بدهد و پیامبرش را به بیگاری وا ندارد دو اینکه می توانست آن را از شر مردم نگه دارد سه اینکه پیامبر الله که نباید در مقابل کاری که برای دیگران می کند انتظار داشته باشد بعد از همه این حرفها این پیامبر هم که بی صبر در آمد و پایینتر از یک بنده الله در همان زمان

سوره ۲۱: الأنبياء

وَذَا النُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَن لَّا إِلَهَ إِلَّا أَنتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (۸۷)

و ذوالنون را [یاد کن] آنگاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم تا در [دل] تاریکیها ندا درداد که معبودی جز تو نیست منزهی تو راستی که من از ستمکاران بودم (۸۷)

می دانید که ذوالنون را خیلی از علما پیامبر دانسته اند ولی در آیه با لا می بینید این پیامبر بر الله خشم می کند و فکر می کند الله بر او قدرت ندارد پس این پیامبر هم از گناه معصوم نیست

سوره ۲۸: القصص

وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِن شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِن شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ (۱۵) قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۱۶)

و داخل شهر شد بی‌آنکه مردمش متوجه باشند پس دو مرد را با هم در زد و خورد یافت‌یکی از پیروان او و دیگری از دشمنانش [بود] آن کس که از پیروانش بود بر ضد کسی که دشمن وی بود از او یاری خواست پس

موسی مشتی بدو زد و او را کشت گفت این کار شیطان است چرا که او دشمنی گمراه‌کننده [و] آشکار است (۱۵) گفت ای الله من بر خویشتن ستم کردم مرا ببخش پس الله از او درگذشت که وی آمرزنده مهربان است (۱۶)

قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُونِ (۳۳)

گفت ای الله من کسی از ایشان را کشته‌ام می‌ترسم مرا بکشند (۳۳)

این پیامبر هم که آدم می کشد

البته چیزی از تورات و انجیل هم که در آنها لوط با دختران خود عمل زناشویی انجام می دهد ابراهیم زنش را خواهر خود معرفی می کند و به فرعون مصر می فروشد و داوود که با زن یکی از افرادش هم خواب می شود و او حامله می کند و صد ها مثل آن را نیاورده ام چون قول دادم منبع این کتاب قرآن باشد

معصومیت محمد

سوره ۶۶: التحريم

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱)

ای پیامبر چرا برای خشنودی همسرانت آنچه را الله برای تو حلال گردانیده حرام می‌کنی الله[ست که] آمرزنده مهربان است (۱)

حرام کردن حلال الله آن هم برای خشنودی همسران از انسان معصوم بعید است

سوره ۹۳: الضحى

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى (۶) وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى (۷)

مگر نه تو را یتیم یافت پس پناه داد (۶) و تو را گمراه یافت پس هدایت کرد (۷)

معصوم یعنی کسی که گناهی در گذشته و حال نکرده پس چون الله او را گمراه یافته و هدایت کرده است می توان نتیجه گرفت معصوم نبوده است

سوره ۹: التوبة

عَفَا اللّهُ عَنكَ لِمَ أَذِنتَ لَهُمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُواْ وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ (۴۳)

الله تورا ببخشايد چرا پيش از آنكه [حال] راستگويان بر تو روشن شود و دروغگويان را بازشناسى به آنان اجازه دادى (۴۳)

پیامبری که با الله ارتباط دارد چطور بدون اجازه الله کاری می کند که الله را چنین ناراحت کرده که به او خطاب می کند الله تو را ببخشاید پس می توان نتیجه گرفت معصوم نیست

سوره ۱۱: هود

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَى إِلَيْكَ وَضَآئِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَن يَقُولُواْ لَوْلاَ أُنزِلَ عَلَيْهِ كَنزٌ أَوْ جَاء مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنتَ نَذِيرٌ وَاللّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (۱۲)

و مبادا تو برخى از آنچه را كه به سويت وحى مى‌شود ترك گويى و سينه‌ات بدان تنگ گردد كه مى‌گويند چرا گنجى بر او فرو فرستاده نشده يا فرشته‌اى با او نيامده است تو فقط هشداردهنده‌اى و الله بر هر چيزى نگهبان است (۱۲)

اگر معصوم است چرا الله به او می گوید مبادا تو برخی از آیات را که به سویت وحی شود ترک گویی از آیه بالا می توان نتیجه گرفت یا الله نمی دانسته که محمد معصوم است که اینگونه با او سخن گفته است یا محمد معصوم نبوده است

سوره ۱۷: الإسراء

وَإِن كَادُواْ لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذًا لاَّتَّخَذُوكَ خَلِيلاً (۷۳)

و چيزى نمانده بود كه تو را از آنچه به سوى تو وحى كرده‌ايم گمراه كنند تا غير از آن را بر ما ببندى و در آن صورت تو را به دوستى خود بگيرند (۷۳)

وَلَوْلاَ أَن ثَبَّتْنَاكَ لَقَدْ كِدتَّ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلاً (۷۴)

و اگر تو را استوار نمى‌داشتيم قطعا نزديك بود كمى به سوى آنان متمايل شوى (۷۴)

إِذاً لَّأَذَقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لاَ تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا (۷۵)

در آن صورت حتما تو را دو برابر [در] زندگى و دو برابر [پس از] مرگ [عذاب] مى‌چشانيديم آنگاه در برابر ما براى خود ياورى نمى‌يافتى (۷۵)

آیات بالا هم که در مورد لغزش پای محمد سخن می گوید و اگر الله به او طبق معمول کمک نمی کرد معصومیتی در کار نبود حتی در آیه آخر او را تهدید می کند پس الله که همه چیز را می داند می دانسته محمد معصوم نیست.

سوره ۲۶: الشعراء

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ (۲۱۳) وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (۲۱۴)

پس با الله اللهی دیگر مخوان که از عذاب‌شدگان خواهی شد (۲۱۳) و خویشان نزدیکت را هشدار ده (۲۱۴)

در این آیه هم محمد تهدید شده است اگر معصوم بود الله نباید تذکری به او می داد چون الله می داند که معصوم است مثل این است معلمی که می داند شاگردش نمره بیست آورده است او را تهدید که اگر نوزده که نه اگر صفر بیاوری تو را مردود می کنم

سوره ۴۸: الفتح

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا (۱) لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا (۲)

ما تو را پیروزی بخشیدیم [چه] پیروزی درخشانی (۱) تا الله از گناه گذشته و آینده تو درگذرد و نعمتخود را بر تو تمام گرداند و تو را به راهی راست هدایت کند (۲)

در اینجا هم الله که از گذشته و آینده محمد و همه با خبر است صحبت از گناه گذشته و آینده محمد می کند از این آیه هم می توان نتیجه گرفت که یا الله از معصومیت محمد که روحانیون ما باخبر هستند بی خبر است یا محمد آنطور که روحانیون ما می گویند معصوم نبوده است

سوره ۳۳: الأحزاب

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (۳۷)

و آنگاه که به کسی که الله بر او نعمت ارزانی داشته بود و تو [نیز] به او نعمت داده بودی (زید ابن حارث)می‌گفتی همسرت را پیش خود نگاه دار و از الله پروا بدار و آنچه را که الله آشکارکننده آن بود در دل خود نهان می‌کردی و از مردم می‌ترسیدی با آنکه الله سزاوارتر بود که از او بترسی پس چون زید از آن [زن] کام برگرفت وی را به نکاح تو درآوردیم تا [در آینده] در مورد ازدواج مؤمنان با زنان پسرخواندگانشان چون آنان را طلاق گفتند گناهی نباشد و فرمان الله صورت اجرا پذیرد (۳۷)

در آیه بالا هم که خیلی منافع فراوان برای محمد در آن بوده است از ترس محمد از مردم سخن می گوید که از معصوم بعید است از مردم به جای الله بترسد بازهم بگویید معصوم , سیزده تا معصوم دیگر هم به محمد اضافه کنید و حرف از چهارده معصوم بزنید.

محمد و علم غیب

سوره ۶: الأنعام

قُل لاَّ أَقُولُ لَكُمْ عِندِي خَزَآئِنُ اللّهِ وَلا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَّبِعُ إِلاَّ مَا يُوحَى إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَفَلاَ تَتَفَكَّرُونَ (۵۰)

بگو به شما نمی‌گویم گنجینه‌های الله نزد من است و غیب نیز نمی‌دانم و به شما نمی‌گویم که من فرشته‌ام جز آنچه را که به سوی من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم بگو آیا نابینا و بینا یکسان است آیا تفکر نمی‌کنید (۵۰)

سوره ۲۷: النمل

قُل لَّا يَعْلَمُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ (۶۵)

بگو هر که در آسمانها و زمین است جز الله غیب را نمی‌شناسند و نمی‌دانند کی برانگیخته خواهند شد (۶۵)

سوره ۴۶: الأحقاف

قُلْ مَا كُنتُ بِدْعًا مِّنْ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۹)

بگو من از [میان] پیامبران نودرآمدی نبودم و نمی‌دانم با من و با شما چه معامله‌ای خواهد شد جز آنچه را که به من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم و من جز هشداردهنده‌ای آشکار [بیش] نیستم (۹)

تا اینجا پس قرآن احتیاج به تفسیر ندارد اسلام برای قوم عرب خویشان محمد و فرزندان ابراهیم آمده هیچ یک از پیامبران معصوم نیستند حضرت محمد هم معصوم نبوده است علم غیب هم ندارد حالا خودتان درباره داوزده امام یا به قول آنها چهارده معصوم قضاوت کنید

امتیازات الله به محمد

سوره ۴۶: الأحقاف

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَى بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۸)

یا می‌گویند این [کتاب] را بربافته است بگو اگر آن را بربافته باشم در آن امتیاز چیزی برای من نیست او آگاه‌تر است به آنچه [با طعنه] در آن فرو می‌روید گواه بودن او میان من و شما بس است و اوست آمرزنده مهربان (۸)

سوره ۸: الأنفال

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الأَنفَالِ قُلِ الأَنفَالُ لِلّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُواْ اللّهَ وَأَصْلِحُواْ ذَاتَ بِيْنِكُمْ وَأَطِيعُواْ اللّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۱)

ای پیامبر] از تو در باره غنایم جنگی می‌پرسند بگو غنایم جنگی اختصاص به الله و فرستاده [او] دارد پس از الله پروا دارید و با یکدیگر سازش نمایید و اگر ایمان دارید از الله و پیامبرش اطاعت کنید (۱)

اولین امتیاز حق تقسیم غنایم جنگی به دلخواه محمد

وَاعْلَمُواْ أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَيْءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ إِن كُنتُمْ آمَنتُمْ بِاللّهِ وَمَا أَنزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ وَاللّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴۱)

و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید يك پنجم آن برای الله و پیامبر و برای خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان است اگر به الله و آنچه بر بنده خود در روز جدایی [حق از باطل] روزی که آن دو گروه با هم روبرو شدند نازل کردیم ایمان آورده‌اید و الله بر هر چیزی تواناست (۴۱)

دومین امتیاز یک پنجم غنایم جنگی برای محمد و خویشاوندان او که بعد یک پنجم از اموال آنها هم که خمس نام دارد به آن اضافه شد.

وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن قَوْمٍ خِيَانَةً فَانبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاء إِنَّ اللّهَ لاَ يُحِبُّ الخَائِنِينَ (۵۸)

و اگر از گروهى بيم خيانت دارى [پيمانشان را] به سويشان بينداز [تا طرفين] به طور يكسان [بدانند كه پيمان گسسته است] زيرا الله خائنان را دوست نمى‌دارد (۵۸)

سومین امتیاز اجازه شکستن پیمان حکم قبل از عمل مثلا شما اگر ترسیدی کسی توی گوشت بزند توی گوش او بزنی می بیند در آیه بالا فقط بحث بیم از شکستن پیمان است نه شکستن واقعی پیمان

سوره ۹: التوبة

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِم بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلاَتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ وَاللّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۰۳)

از اموال آنان صدقه‌اى بگير تا به وسيله آن پاك و پاكيزه‌شان سازى و برايشان دعا كن زيرا دعاى تو براى آنان آرامشى است و الله شنواى داناست (۱۰۳)

چهارمین امتیاز گرفتن صدقه از مردم جهت پاک کردن آنها و دعای خیر در حقشان

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُم مِّنَ الأَعْرَابِ أَن يَتَخَلَّفُواْ عَن رَّسُولِ اللّهِ وَلاَ يَرْغَبُواْ بِأَنفُسِهِمْ عَن نَّفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لاَ يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلاَ نَصَبٌ وَلاَ مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَلاَ يَطَؤُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلاَ يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَّيْلاً إِلاَّ كُتِبَ لَهُم بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللّهَ لاَ يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۱۲۰)

مردم مدينه و باديه‌نشينان پيرامونشان را نرسد كه از [فرمان] پيامبر الله سر باز زنند و جان خود را عزيزتر از جان او بدانند چرا كه هيچ تشنگى و رنج و گرسنگيى در راه الله به آنان نمى‌رسد و در هيچ مكانى كه كافران را به خشم مى‌آورد قدم نمى‌گذارند و از دشمنى غنيمتى به دست نمى‌آورند مگر اينكه به سبب آن عمل صالحى براى آنان [در كارنامه‌شان] نوشته مى‌شود زيرا الله پاداش نيكوكاران را ضايع نمى‌كند (۱۲۰)

پنجمین امتیاز دیکتاتور بودن یعنی هر تصمیمی می گیرد باید همه از آن اطاعت کنند و عزیز بودن جان او در مقابل بقیه مردم

سوره ۲۴: النور

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُوْلَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَن لِّمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۶۲)

جز اين نيست كه مؤمنان كسانى‌اند كه به الله و پيامبرش گرويده‌اند و هنگامى كه با او بر سر كارى اجتماع كردند تا از وى كسب اجازه نكنند نمى‌روند در حقيقت كسانى كه از تو كسب اجازه مى‌كنند آنانند كه به الله و پيامبرش ايمان دارند پس چون براى برخى از كارهايشان از تو اجازه خواستند به هر كس از آنان كه خواستى اجازه ده و برايشان آمرزش بخواه كه الله آمرزنده مهربان است (۶۲)

ششمین امتیاز صاحب اجازه همه بودن

سوره ۳۳: الأحزاب

النَّبِيُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُوْلُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَن تَفْعَلُوا إِلَى أَوْلِيَائِكُم مَّعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا (۶)

پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر [و نزدیکتر] است و همسرانش مادران ایشانند و خویشاوندان [طبق] کتاب الله بعضی [نسبت] به بعضی اولویت دارند [و] بر مؤمنان و مهاجران [مقدمند] مگر آنکه بخواهید به دوستان [مؤمن] خود [وصیتیا] احسانی کنید و این در کتاب [الله] نگاشته شده است (۶)

هفتمین امتیاز سزاوارتر از همه بودن

هشتمین امتیاز همسران محمد مانند مادران مومنان است

يَا نِسَاء النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۳۰) وَمَن يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُّؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا (۳۱) يَا نِسَاء النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاء إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا (۳۲)

ای همسران پیامبر هر کس از شما مبادرت به کار زشت آشکاری کند عذابش دو چندان خواهد بود و این بر الله همواره آسان است (۳۰) و هر کس از شما الله و فرستاده‌اش را فرمان برد و کار شایسته کند پاداشش را دو چندان می‌دهیم و برایش روزی نیکو فراهم خواهیم ساخت (۳۱) ای همسران پیامبر شما مانند هیچ یك از زنان [دیگر] نیستید اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گویید (۳۲)

توضیح اینکه فاحشه بودن کار زشت توسط مترجم متعصب ترجمه شده که خودتان می توانید ببینید

نهمین امتیاز دو برابر بودن عذاب و پاداش همسران محمد

دهمین امتیاز غیرت کشی الله برای همسران محمد حتی در مورد طرز صحبت کردن

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا (۲۸)

ای پیامبر به همسرانت بگو اگر خواهان زندگی دنیا و زینت آنید بیایید تا مهرتان را بدهم و [خوش و] خرم شما را رها کنم (۲۸)

یازدهمین امتیاز تهدید همسران محمد توسط الله و پرداخت مهریه آنها البته وقتی که محمد به واسطه یک پنجم غنایم جنگی پولدار می شود نه زمانی که از تنگ دستی پدر بزرگش برایش کنیز گرفت نه زن آزاده!!!

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا (۳۶)

و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون الله و فرستاده‌اش به کاری فرمان دهند برای آنان در کارشان اختیاری باشد و هر کس الله و فرستاده‌اش را نافرمانی کند قطعا دچار گمراهی آشکاری گردیده است (۳۶)

دوازدهمین امتیاز بی اختیار بودن همه در مقابل فرمان محمد

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (۳۷)

و آنگاه که به کسی که الله بر او نعمت ارزانی داشته بود و تو [نیز] به او نعمت داده بودی (زید ابن حارث)می‌گفتی همسرت را پیش خود نگاه دار و از الله پروا بدار و آنچه را که الله آشکارکننده آن بود در دل خود نهان می‌کردی و از مردم می‌ترسیدی با آنکه الله سزاوارتر بود که از او بترسی پس چون زید از آن [زن] کام برگرفت وی را به نکاح تو درآوردیم تا [در آینده] در مورد ازدواج مؤمنان با زنان پسرخواندگانشان چون آنان را طلاق گفتند گناهی نباشد و فرمان الله صورت اجرا پذیرد (۳۷)

سیزدهمین امتیاز برآورده کردن هوای دل محمد واعطای زن زید به محمد که خود داستان خیلی طولانی دارد که با توجه به اینکه قول دادم پایه گذاری من در این کتاب از قرآن فقط باشد چیزی از آن نمی نویسم

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاء اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُّؤْمِنَةً إِن وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَن يَسْتَنكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۵۰)

ای پیامبر ما برای تو آن همسرانی را که مهرشان را داده‌ای حلال کردیم و [کنیزانی] را که الله از غنیمت جنگی در اختیار تو قرار داده و دختران عمویت و دختران عمه‌هایت و دختران دایی تو و دختران خاله‌هایت که با تو مهاجرت کرده‌اند و زن مؤمنی که خود را [داوطلبانه] به پیامبر ببخشددر صورتی که پیامبر بخواهد او را به زنی گیرد ویژه توست نه دیگر مؤمنان ما نیك می‌دانیم که در مورد زنان و کنیزانشان چه بر آنان مقرر کرده‌ایم تا برای تو مشکلی پیش نیاید و الله همواره آمرزنده مهربان است (۵۰)

چهاردهمین امتیاز گرفتن زن نامحدود می دانید که در قرآن تعداد زنان مجاز برای مسلمانان را چهار تا اعلام شده است ولی برای محمد تعداد خاصی قرار داده نشده است فقط مهم دادن مهریه است همانطور که می دانید محمد در زمان فوتش نه زن عقدی داشت.

پانزدهمین امتیاز حلال شدن دختران عمو عمه خاله و دایی

شانزدهمین امتیاز حلال شدن زنانی که خود را به محمد ببخشند

تُرْجِي مَن تَشَاء مِنْهُنَّ وَتُؤْوِي إِلَيْكَ مَن تَشَاء وَمَنِ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَى أَن تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَّ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا (۵۱)

نوبت هر کدام از آن زنها را که می‌خواهی به تاخیر انداز و هر کدام را که می‌خواهی پیش خود جای ده و بر تو باکی نیست که هر کدام را که ترك کرده‌ای [دوباره] طلب کنی این نزدیکتر است برای اینکه چشمانشان روشن گردد و دلتنگ نشوند و همگی‌شان به آنچه به آنان داده‌ای خشنود گردند و آنچه در دلهای شماست‌الله می‌داند و الله همواره دانای بردبار است (۵۱)

هفدهمین امتیاز عدم انجام عدالت در مورد نوبت زنان در همخوابی با محمد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَن يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرَ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِن وَرَاء حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَن تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَن تَنكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِن بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِندَ اللَّهِ عَظِيمًا (۵۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید داخل اتاقهای پیامبر مشوید مگر آنکه برای [خوردن] طعامی به شما اجازه داده شود [آن هم] بی‌آنکه در انتظار پخته‌شدن آن باشید ولی هنگامی که دعوت شدید داخل گردید و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید بی‌آنکه سرگرم سخنی گردید این [رفتار] شما پیامبر را می‌رنجاند و[لی] از شما شرم می‌دارد و حال آنکه الله از حق[گویی] شرم نمی‌کند و چون از زنان [پیامبر] چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید این برای دلهای شما و دلهای آنان پاکیزه‌تر است و شما حق ندارید رسول الله را برنجانید و مطلقا [نباید] زنانش را پس از [مرگ] او به نکاح خود درآورید چرا که این [کار] نزد الله همواره [گناهی] بزرگ است (۵۳)

هجدمین امتیاز الله در حکم پیشکار محمد مردم را از کارهای غیر مودبانه با او منع می کند و حتی مهمانان او را از خانه او بیرون می کند

نوزدهمین امتیاز زنان محمد پس از مرگ او بر همه مردم حرام می شوند

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (۵۶)

الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود فرستید و به فرمانش بخوبی گردن نهید (۵۶)

بیستمین امتیاز استخدام الله و فرشتگان جهت درود فرستادن بر محمد و موظف کردن مردم بر درود فرستادن بر محمد ببینید دوستان الله با آن همه مشغله که باید بر همه بندگان ناظر باشد آنها را عذاب کند پیامبر و امام بفرستد حوری جهت بهشتیان خلق کند صورت انسانها را در رحم مادر نگار گری کند پسر و دختر بودن این همه بچه را تعیین کند تازه برای محمد هم نشسته با فرشتگان درود می فرستد

سوره ۴۷: محمد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ (۳۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید الله را اطاعت کنید و از پیامبر [او نیز] اطاعت نمایید و اعمال خود را تباه مکنید (۳۳)

بیست یکمین امتیاز تباه شدن اعمال انسانها به علت عدم اطاعت از محمد خیلی جالب است الله که کار هیچ کس را بی مزد نمی گذارد حتی اگر به اندازه ذره خردل باشد اگر کسی از محمد اطاعت نکند اعمالش را تباه می کند و مزد همه خوبی های او را نمی دهد

سوره ۴۹: الحجرات

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید در برابر الله و پیامبرش [در هیچ کاری] پیشی مجویید و از الله پروا بدارید که الله شنوای داناست (۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر مکنید و همچنانکه بعضی از شما با بعضی دیگر بلند سخن می‌گویید با او به صدای بلند سخن مگویید مبادا بی‌آنکه بدانید کرده‌هایتان تباه شود (۲)

إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِن وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۴)

کسانی که تو را از پشت اتاقها[ی مسکونی تو] به فریاد می‌خوانند بیشترشان نمی‌فهمند (۴)

بیست دومین امتیاز هیچ نباید در کارها از محمد پیشی بجوید مثلا اگر کسی تشنه است نباید زودتر از او آب بخورد یا کسی نباید برای عبادت الله زودتر از او وارد مسجد شود کسی نباید زودتر از او حج کند و هزاران مثل آن

بیست سومین امتیاز کسی صدایش را بلند تر از صدای محمد نکند مثلا اگر محمد سرما خورد و صدایش گرفت باید همه لال شوند

بیست چهارمین امتیاز کسی نباید او را از پشت اطاقش صدا کند و اگر کسی صدا کرد حتی اگر دانشمند هم باشد نفهم است

سوره ۵۸: المجادلة

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةً ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرگاه با پیامبر [الله] گفتگوی محرمانه می‌کنید پیش از گفتگوی محرمانه خود صدقه‌ای تقدیم بدارید این [کار] برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است و اگر چیزی نیافتید بدانید که الله آمرزنده مهربان است (۱۲)

بیست پنجمین امتیاز صدقه قبل از درد دل کردن با محمد اگر کسی محمد که فرستاده الله است را خواست همراز خود قرار دهد باید صدقه تقدیم کند جالب است محمد در ازای پیامبری از کسی دستمزد نمی خواهد ولی به عناوین مختلف خمس زکات صدقه و غیره از آنها پول می گیرد.

سوره ۵۹: الحشر

مَّا أَفَاء اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاء مِنكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۷)

آنچه الله از [دارايى] ساكنان آن قريه‌ها عايد پيامبرش گردانيد از آن الله و از آن پيامبر [او] و متعلق به خويشاوندان نزديك [وى] و يتيمان و بينوايان و درراه‌ماندگان است تا ميان توانگران شما دست به دست نگردد و آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگيريد و از آنچه شما را باز داشت بازايستيد و از الله پروا بداريد كه الله سختكيفر است (۷)

بيست ششمين امتياز واگذار شدن تمام اموال كسانى كه از ترس محمد و ساير مسلمان از روستاهايشان فرار كرده اند به محمد و نزديكان او

سوره ۶۶: التحريم

وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَن بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ (۳)إِن تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِن تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ (۴)عَسَى رَبُّهُ إِن طَلَّقَكُنَّ أَن يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا (۵)

و چون پيامبر با يكى از همسرانش سخنى نهانى گفت و همين كه وى آن را [به زن ديگر] گزارش داد و الله [پيامبر] را بر آن مطلع گردانيد [پيامبر] بخشى از آن را اظهار كرد و از بخشى [ديگر] اعراض نمود پس چون [مطلب] را به آن [زن] خبر داد وى گفت چه كسى اين را به تو خبر داده گفت مرا آن داناى آگاه خبر داده است (۳) اگر [شما دو زن] به درگاه الله توبه كنيد [بهتر است] واقعا دلهايتان انحراف پيدا كرده است و اگر عليه او به يكديگر كمك كنيد در حقيقت‌الله خود سرپرست اوست و جبرئيل و صالح مؤمنان [نيز ياور اويند] و گذشته از اين فرشتگان [هم] پشتيبان [او] خواهند بود (۴) اگر پيامبر شما را طلاق گويد اميد است الله همسرانى بهتر از شما مسلمان مؤمن فرمانبر توبه كار عابد روزه‌دار بيوه و دوشيزه به او عوض دهد (۵)

بيست هفتمين امتياز جاسوسى الله براى محمد وسخن چينى براى او

بيست هشتمين امتياز تحت سرپرستى الله بودن محمد و پشتيبانى الله از محمد در برابر همسرانش

بيست ونهمين امتياز دادن زن بيوه و دختر دست نخورده به محمد از طرف الله البته اين كار با غنائم جنگى و كنيزانى كه در جنگها به دست مى آمد و یک پنجم آن مال محمد بود كار بسيار آسانى بود همانطور كه محمد در زمان مرگش نه زن عقد در حرمسراى خود داشت

سوره ۹۰: البلد

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ (۱)وَأَنتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ (۲)

سوگند به اين شهر (۱) و حال آنكه تو در اين شهر جاى دارى (۲)

سیمین امتیاز قسم خوردن الله به شهر فقط به خاطر آنکه محمد در آن شهر جای دارد

در اولین آیه ای که آورده ام گفته شده (یا می‌گویند این [کتاب] را بربافته است بگو اگر آن را بربافته باشم در آن امتیاز چیزی برای من نیست) حالا امتیازات را نگاه کنید الله برای این به شهر قسم می خورد که محمد در آن ساکن است اگر دو تا از همسران محمد نهانی با هم حرف بزنند الله به محمد خبر می دهد اگر ضد محمد کاری بخواهند بکنند الله و جبرئیل به یاری محمد می آیند اگر زنانش را طلاق بدهد الله به او بهتر از آنها را می دهد هم مثل عایشه باکره (دختر ابوبکر زن محمد)هم مثل حفصه بیوه (دختر عمر زن محمد) دارایی قریه ها که به محمد و الله می رسد اگر مومنان هم بخواهند با او چیز محرمانه ای بگویند بهتراست به او صدقه بدهند کسی از پشت خانه نباید صداش کند کسی صدایش را بالاتر از او نبرد در هیچ کاری ازاو پیشی نگیرند اگر ازاو اطاعت نکنند دنیا ثواب کننذ تباه می شود الله و فرشته هاش دائم دارند برای او صلوات می فرستند ما هم باید همین کار را بکنیم کسی بدون دعوت خونه او نرود اگر دعوت شده رفت زود شرش را کم کند از زنانش هم اگر چیزی خواست از پشت پرده بخواهد بعد از مرگش هم زنانش که حس جنسی ندارند و حق جنسی هم ندارند بنابراین نباید ازدواج کنند کسی هم حق ندارد با آنها ازدواج کند شاید آنها هم معصومند آخر نیست نوبتشان هم نباید مراعات می شده لذت کافی رو از زندگی زناشویی بردند دختر عمه خاله دایی و عمو و همچنین زنی که خودش را به محمد ببخشد علاوه بر زنان زور گیری شده (کنیزان) بر محمد حلال هستند زن پسر خوانده ها هم که فقط کافی نبوده حکمش در قرآن بیاید عملا خود محمد باید زن پسر خونده را بگیرد تا مومنان بفهمند ایرادی ندارد اصلا بحث آن چیزی که در پنهان می داشته نبوده هیچ مرد و زنی هم حق ندارند وقتی الله و محمد دستوری داد اختیاری از خود داشته باشند اگر زنهای محمد کار زشتی (بِفَاحِشَةٍ) را انجام بدهند عذابشان دو برابر است و اگر کار خوبی بکنند پاداششان دو برابر است زنان پیامبر نباید به ناز(زنانه) سخن بگویند تازه محمد از خود مومنان بر خودشان سزاوارتر هست اگر مومنان پیش محمد هستند بدون اجازه نباید بروند پس محمد هر که را خواست اجازه بدهد یک پنجم غنایم هم مال محمد و نزدیکان او هست اگر محمد پیمانی بست می تواند بشکند اگر بیم شکستن (البته فقط بیم) آن را از طرف مقابل دارد من که شرح امتیازات خسته شدم فقط سخـــــن آخر اینکه در بیشتر جاها اللَّهِ وَرَسُولِهِ (الله و محمد) با هم آمده و تقریبا هم تراز بوده است من که می گویم اگر منظور از الله همان یزدان است خیلی حقیر شده است. ولی نه این الله آن ایزد ما نیست.

تا به اینجا قرآن احتیاج به تفسیر ندارد اسلام برای همه دنیا نیست هیچ پیامبری و محمد هم معصوم نبوده است الله هم به محمد امتیازات زیادی داده است و حتی در حد خبرچین محمد و حل کننده مسائل عشقی او در آمده است البته عزیزان جوش نیاورند چون **منظور من در این متن از الله آفریدگار دانا نیست فقط همان الله معرفی شده توسط محمد است**

آیا هجرت

سوره ۴۷: محمد

وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِّن قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجَتْكَ أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ (۱۳)

و بسا شهرها که نیرومندتر از آن شهری بود که تو را بیرون راند که ما هلاکشان کردیم و برای آنها یار [و یاوری] نبود (۱۳)

سوره ۶۰: الممتحنة

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (۸)

[اما] الله شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید زیرا الله دادگران را دوست می‌دارد (۸)

إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَى إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۹)

فقط الله شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که در [کار] دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانده و در بیرون‌راندنتان با یکدیگر همپشتی کرده‌اند و هر کس آنان را به دوستی گیرد آنان همان ستمگرانند (۹)

سوره ۲ :البقرة

وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُم مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلاَ تُقَاتِلُوهُمْ عِندَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاء الْكَافِرِينَ (۱۹۱)

و هر کجا بر ایشان دست‌یافتید آنان را بکشید و همان گونه که شما را بیرون راندند آنان را بیرون برانید [چرا که] فتنه [=شرك] از قتل بدتر است [با این همه] در کنار مسجد الحرام با آنان جنگ مکنید مگر آنکه با شما در آن جا به جنگ درآیند پس اگر با شما جنگیدند آنان را بکشید که کیفر کافران چنین است (۱۹۱)

سوره ٩: التوبة

أَلاَ تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَّكَثُواْ أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّواْ بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُم بَدَؤُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَوْهُ إِن كُنتُم مُّؤُمِنِينَ (١٣)

چرا با گروهى كه سوگندهاى خود را شكستند كه تصميم به اخراج فرستاده [الله] گرفتند و آنان بودند كه نخستين‌بار [جنگ را] با شما آغاز كردند نمى‌جنگيد آيا از آنان مى‌ترسيد با اينكه اگر مؤمنيد الله سزاوارتر است كه از او بترسيد (١٣)

من كه مى گويم بيرون كردن و گريز حالا شما مى خواهيد بگوييد هجرت بگوييد و تاريخ ٧٠٠٠ ساله خود را فراموش كنيد و مبناى تاريخ خود را بر گريز يا به قول شما هجرت محمد بگذاريد

محمد و معجزه

سوره ٥٤ :القمر

اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانشَقَّ الْقَمَرُ (١) وَإِن يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ (٢)

نزديك شد قيامت وازهم شكافت ماه (١) وهنگامى كه نشانه‌اى ببينند روى بگردانند وگويند سحرى دايم است (٢)

سوره ١٣: الرعد

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُواْ لَوْلاَ أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاء وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ (٢٧)

و كسانى كه كافر شده‌اند مى‌گويند چرا از جانب الله معجزه‌اى بر او نازل نشده است بگو در حقيقت‌الله است كه هر كس را بخواهد بى‌راه مى‌گذارد و هر كس را كه [به سوى او] بازگردد به سوى خود راه مى‌نمايد (٢٧)

سوره ٢ :البقرة

وَقَالَ الَّذِينَ لاَ يَعْلَمُونَ لَوْلاَ يُكَلِّمُنَا اللّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (١١٨)

افراد نادان گفتند چرا الله با ما سخن نمی‌گوید یا برای ما معجزه‌ای نمی‌آید کسانی که پیش از اینان بودند [نیز] مثل همین گفته ایشان را می‌گفتند دلها [و افکار]شان به هم می‌ماند ما نشانه‌ها[ی خود] را برای گروهی که یقین دارند نیك روشن گردانیده‌ایم (۱۱۸)

سوره ۶ :الأنعام

وَإِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَن تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاء فَتَأْتِيَهُم بِآيَةٍ وَلَوْ شَاء اللّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلاَ تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ (۳۵)

و اگر اعراض کردن آنان [از قرآن] بر تو گران است اگر می‌توانی نقبی در زمین یا نردبانی در آسمان بجویی تا معجزه‌ای [دیگر] برایشان بیاوری [پس چنین کن] و اگر الله می‌خواست قطعا آنان را بر هدایت گرد می‌آورد پس زنهار از نادانان مباش (۳۵

وَقَالُواْ لَوْلاَ نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللّهَ قَادِرٌ عَلَى أَن يُنَزِّلٍ آيَةً وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لاَ يَعْلَمُونَ (۳۷)

و گفتند چرا معجزه‌ای از جانب الله بر او نازل نشده است بگو بی‌تردید الله قادر است که پدیده‌ای شگرف فرو فرستد لیکن بیشتر آنان نمی‌دانند (۳۷)

وَأَقْسَمُواْ بِاللّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءتْهُمْ آيَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الآيَاتُ عِندَ اللّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءتْ لاَ يُؤْمِنُونَ (۱۰۹)

و با سخت‌ترین سوگندهایشان به الله سوگند خوردند که اگر معجزه‌ای برای آنان بیاید حتما بدان می‌گروند بگو معجزات تنها در اختیار الله است و شما چه می‌دانید که اگر [معجزه هم] بیاید باز ایمان نمی‌آورند (۱۰۹)

سوره ۱۰ :یونس

وَيَقُولُونَ لَوْلاَ أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلّهِ فَانْتَظِرُواْ إِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ (۲۰)

و می‌گویند چرا معجزه‌ای از جانب الله بر او نازل نمی‌شود بگو غیب فقط به الله اختصاص دارد پس منتظر باشید که من هم با شما از منتظرانم (۲۰)

سوره ۱۳ :الرعد

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُواْ لَوْلاَ أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاء وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ (۲۷)

و کسانی که کافر شده‌اند می‌گویند چرا از جانب الله معجزه‌ای بر او نازل نشده است بگو در حقیقت‌الله است که هر کس را بخواهد بی‌راه می‌گذارد و هر کس را که [به سوی او] بازگردد به سوی خود راه می‌نماید (۲۷)

سوره ۱۷ :الإسراء

وَمَا مَنَعَنَا أَن نُّرْسِلَ بِالآيَاتِ إِلاَّ أَن كَذَّبَ بِهَا الأَوَّلُونَ وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُواْ بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالآيَاتِ إِلاَّ تَخْوِيفًا (۵۹)

و [چیزى] ما را از فرستادن معجزات باز نداشت جز اینکه پیشینیان آنها را به دروغ گرفتند و به ثمود ماده‌شتر دادیم كه [پدیده‌اى] روشنگر بود و[لى] به آن ستم كردند و ما معجزه‌ها را جز براى بیم‌دادن [مردم] نمى‌فرستیم (۵۹)

سوره ۲۰ :طه

وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِّن رَّبِّهِ أَوَلَمْ تَأْتِهِم بَيِّنَةُ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى (۱۳۳)

و گفتند چرا از جانب الله معجزه‌اى براى ما نمى‌آورد آیا دلیل روشن آنچه در صحیفه‌هاى پیشین است براى آنان نیامده است (۱۳۳)

همه مى گويند محمد شق القمر كرد (ماه را شكافت) نخست اينكه بعد از اين آيه آمده است (و هنگامى كه نشانه‌اى ببينند روى بگردانند وگويند سحرى دايم است {قمر(۲)}) پس به دليل عقلانى مى توان گفت معجزه هنوز اتفاق نيافتاده است دوم اينكه اين سوره سوره اى است كه در مكه نازل شده است و در آياتى از سوره هاى مدنى هم كه در بالا آمده است از محمد تقاضاى معجزه شده است و او هم از آوردن معجزه گريز كرده است بنابراين مى توان نتيجه گرفت كه محمد معجزه اى نداشته است به غير از قرآن كه مى گويند معجزه است كه در همين كتاب بررسى خواهد شد.

بررسی قرآن

سوره ۴: النساء

أَفَلاَ يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِندِ غَيْرِ اللّهِ لَوَجَدُواْ فِيهِ اخْتِلاَفًا كَثِيرًا (۸۲)

آیا در قرآن نمی‌اندیشند اگر از جانب غیر الله بود قطعا در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند (۸۲)

خوب بریم یه کم بیندیشیم ببینیم اختلاف دارد یا نه اگر از طرف آفریدگار باشد نباید اختلاف داشته باشد

قرآن و متضادها و تفاوت در روایات

سوره ۲: البقرة

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِّنْهُم مَّن كَلَّمَ اللّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاء اللّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِن بَعْدِهِم مِّن بَعْدِ مَا جَاءتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنِ اخْتَلَفُواْ فَمِنْهُم مَّنْ آمَنَ وَمِنْهُم مَّن كَفَرَ وَلَوْ شَاء اللّهُ مَا اقْتَتَلُواْ وَلَكِنَّ اللّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ (۲۵۳)

برخی از آن فرستادگان را بر برخی دیگر برتری بخشیدیم از آنان کسی بود که الله با او سخن گفت و درجات بعضی از آنان را بالا برد و به عیسی پسر مریم دلایل آشکار دادیم و او را به وسیله روح القدس تایید کردیم و اگر الله می‌خواست کسانی که پس از آنان بودند بعد از آن [همه] دلایل روشن که برایشان آمد به کشتار یکدیگر نمی‌پرداختند ولی با هم اختلاف کردند پس بعضی از آنان کسانی بودند که ایمان آوردند و بعضی از آنان کسانی

بودند که کفر ورزیدند و اگر الله می‌خواست با یکدیگر جنگ نمی‌کردند ولی الله آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد (۲۵۳)

آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِن رَّبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللّهِ وَمَلآئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لاَ نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ وَقَالُواْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (۲۸۵)

پیامبر (الله) بدانچه از جانب الله بر او نازل شده است ایمان آورده است، و مؤمنان همگی به الله و فرشتگان و کتابها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند میان هیچ یك از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم شنیدیم و گفتند گردن نهادیم، ای الله، آمرزش تو را (خواستاریم) و فرجام به سوی تو است. (۲۸۵)

آخرش بین فرستاده ها فرق هست یا نیست

سوره ۶: الأنعام

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّوَرِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (۷۳)

و او کسی است که آسمانها و زمین را به حق آفرید و هر گاه که می‌گوید باش بی‌درنگ موجود شود سخنش راست است و روزی که در صور دمیده شود فرمانروایی از آن اوست داننده غیب و شهود است و اوست‌حکیم آگاه (۷۳)

سوره ۷: الأعراف

إِنَّ رَبَّكُمُ اللّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلاَ لَهُ الْخَلْقُ وَالأَمْرُ تَبَارَكَ اللّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۵۴)

در حقیقت الله شما آن الله ای است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش [جهانداری] استیلا یافت روز را به شب که شتابان آن را می طلبد می‌پوشاند و [نیز] خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده‌اند [پدید آورد] آگاه باش که [عالم] خلق و امر از آن اوست فرخنده الله ای است الله جهانیان (۵۴)

ما که نفهمیدیم تا الله بگه موجود شو موجود می شود یا باید برای آفرینش شش روز وقت تلف کند

سوره ۸: الأنفال

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِن يَكُن مِّنكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُواْ مِئَتَيْنِ وَإِن يَكُن مِّنكُم مِّئَةٌ يَغْلِبُواْ أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُواْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لاَّ يَفْقَهُونَ (۶۵)

ای پیامبر مؤمنان را به جهاد برانگیز اگر از [میان] شما بیست تن شکیبا باشند بر دویست تن چیره می‌شوند و اگر از شما یکصد تن باشند بر هزار تن از کافران پیروز می‌گردند چرا که آنان قومی‌اند که نمی‌فهمند (۶۵)

الآنَ خَفَّفَ اللّهُ عَنكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِن يَكُن مِّنكُم مِّئَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُواْ مِئَتَيْنِ وَإِن يَكُن مِّنكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُواْ أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللّهِ وَاللّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (۶۶)

اکنون الله بر شما تخفيف داده و معلوم داشت كه در شما ضعفى هست پس اگر از [ميان] شما يكصد تن شكيبا باشند بر دويست تن پيروز گردند و اگر از شما هزار تن باشند به توفيق الهى بر دو هزار تن غلبه كنند و الله با شكيبايان است (۶۶)

خودتان قضاوت کنید

سوره ۱۵: الحجر

إِذْ دَخَلُواْ عَلَيْهِ فَقَالُواْ سَلامًا قَالَ إِنَّا مِنكُمْ وَجِلُونَ (۵۲)قَالُواْ لاَ تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلامٍ عَلِيمٍ (۵۳)قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَى أَن مَّسَّنِيَ الْكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ (۵۴)

هنگامى كه بر او وارد شدند (فرشتگان) و سلام گفتند [ابراهيم] گفت ما از شما بيمناكيم (۵۲) گفتند مترس كه ما تو را به پسرى دانا مژده مى‌دهيم (۵۳) گفت آيا با اينكه مرا پيرى فرا رسيده است بشارتم مى‌دهيد به چه بشارت مى‌دهيد (۵۴)

سوره ۱۱: هود

وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُواْ سَلاَمًا قَالَ سَلاَمٌ فَمَا لَبِثَ أَن جَاء بِعِجْلٍ حَنِيذٍ (۶۹)فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيَهُمْ لاَ تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُواْ لاَ تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ (۷۰)وَامْرَأَتُهُ قَآئِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَقَ وَمِن وَرَاء إِسْحَقَ يَعْقُوبَ (۷۱)قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَاْ عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ (۷۲)

و به راستى فرستادگان ما براى ابراهيم مژده آوردند سلام گفتند پاسخ داد سلام و ديرى نپاييد كه گوساله‌اى بريان آورد (۶۹) و چون ديد دستهايشان به غذا دراز نمى‌شود آنان را ناشناس يافت و از ايشان ترسى بر دل گرفت گفتند مترس ما به سوى قوم لوط فرستاده شده‌ايم (۷۰) و زن او ايستاده بود خنديد پس وى را به اسحاق و از پى اسحاق به يعقوب مژده داديم (۷۱) [همسر ابراهيم] گفت اى واى بر من آيا فرزند آورم با آنكه من پيرزنم و اين شوهرم پيرمرد است واقعا اين چيز بسيار عجيبى است (۷۲)

بابا دیگر دو گونه روایت مختلف از قرآن که معجزه الهی است به دورمی باشد جواب سلام را ابراهیم می دهد گوساله کباب می کند وقتی نمی خورند می ترسد یا تا وارد می شوند جواب سلام نداده بیمناک می شود هنگام حضور فرشتگان محترم زن ابراهیم ایستاده بوده یا اصلا نبوده فرشته ها به زن ابراهیم میگویند بچه دار می شوی و اسمش را هم تعیین می کنند یا به ابراهیم می گویند بعد ابراهیم به فرشته ها می گوید من پیرهستم یا زنش می گوید من و شوهرم پیرهستیم حالا باز هم من از روایت تورات چشم پوشی می کنم که چقدر با این داستان فرق می کند

سوره ۹: التوبة

قَاتِلُواْ الَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَلاَ بِالْيَوْمِ الآخِرِ وَلاَ يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللّهُ وَرَسُولُهُ وَلاَ يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُواْ الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُواْ الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ (۲۹)

با کسانی از اهل کتاب که به الله و روز بازپسین ایمان نمی‌آورند و آنچه را الله و فرستاده‌اش حرام گردانیده‌اند حرام نمی‌دارند و متدین به دین حق نمی‌گردند کارزار کنید تا با خواری به دست‌خود جزیه دهند (۲۹)

سوره ۲۹: العنکبوت

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۴۶)

و با اهل کتاب جز به [شیوه‌ای] که بهتر است مجادله مکنید مگر [با] کسانی از آنان که ستم کرده‌اند و بگویید به آنچه به سوی ما نازل شده و [آنچه] به سوی شما نازل گردیده ایمان آوردیم و الله ما و الله شما یکی است و ما تسلیم اوییم (۴۶)

الله تکلیف مسلمین را معلوم نکرده است بالاخره با اهل کتاب چکار کنند

سوره ۱۸: الکهف

حَتَّى إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِن دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا (۹۳) قَالُوا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَى أَن تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا (۹۴)

تا وقتی به میان دو سد رسید در برابر آن دو [سد] طایفه‌ای را یافت که نمی‌توانستند هیچ زبانی را بفهمند (۹۳) گفتند ای ذوالقرنین یاجوج و ماجوج سخت در زمین فساد می‌کنند آیا [ممکن است] مالی در اختیار تو قرار دهیم تا میان ما و آنان سدی قرار دهی (۹۴)

من که نفهمیدم این قوم که هیچ زبانی را نمی فهمیدند چطور به ذوالقرنین گفتند و در ضمن آنها که هیچ زبانی را نمی فهمیدند چطور معامله کردن و سد سازی و اسم سد را بلد بودند من که در حیرتم از این قوم زبان نفهم

سوره ۲۲: الحج

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۲)

و پیش از تو [نیز] هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم جز اینکه هر گاه چیزی تلاوت می‌نمود شیطان در تلاوتش القای [شبهه] می‌کرد پس الله آنچه را شیطان القا می‌کرد محو می‌گردانید سپس الله آیات خود را استوار می‌ساخت و الله دانای حکیم است (۵۲)

سوره ۱۶: النحل

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُواْ وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۹۹)

چرا که او (شیطان) را بر کسانی که ایمان آورده‌اند و بر الله توکل می‌کنند تسلطی نیست (۹۹)

باید بگویم آیه ۵۲ سوره حج در مورد آیات شیطانی (ماجرای غرانیق) یا همان آیاتی که گفته می شود به وسیله شیطان به محمد القاء شد و محمد در سوره نجم این چنین گفت (لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى (۱۸)أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى (۱۹) وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَى (۲۰) تلک الغرانیق العلی (۲۱)و ان شفاعتهن لترجی (۲۲))(به راستی که [برخی] از آیات بزرگ الله خود را بدید (۱۸) آیا ندیده اید لات و عزی را (۱۹) و منات آن سومین دیگر (۲۰) آن بتها پرنده های بزرگند (۲۱) و همانا شفاعت آنها پذیرفته است(۲۲))   که از متن قرآن حذف گردیده است آمده است حال با توجه به آیه ۹۹ سوره نحل یا باید بگوییم محمد توکل به الله نداشته و ایمان نیاورده یا آن آیات هم از طرف الله آمده است کل ماجرا را می توانید در تاریخ طبری(جلد ۳ ص ۸۸۱و ۸۸۳) یا تفسیر شریف لاهیجی (جلد۳ ص ۲۰۱) بخوانید و باید گفت کسی تا به حال منکر این قضیه نشده است

سوره ۲: البقرة

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُواْ وَالَّذِينَ هَادُواْ وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحاً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلاَ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلاَ هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۲)

در حقیقت کسانی که ایمان آورده و کسانی که یهودی شده‌اند و ترسایان و صابئان هر کس به الله و روز بازپسین ایمان داشت و کار شایسته کرد پس اجرشان را پیش الله خواهند داشت و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهناك خواهند شد (۶۲)

سوره ۳: آل عمران

وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ الإِسْلاَمِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۸۵)

و هر كه جز اسلام دينى [ديگر] جويد هرگز از وى پذيرفته نشود و وى در آخرت از زيانكاران است (۸۵)

توضیح اینکه صائبان ستاره پرستان هستند. من که حرف نمی زنم خودتان بگویید دین غیر اسلام پذیرفته هست یا نیست تازه علمای ما که پایشان را فراتر هم گذاشته اند و می گویند دین اسلام و مذهب شیعه فقط پذیرفته است

سوره ۳۳: الأحزاب

يَا نِسَاء النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۳۰) وَمَن يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُّؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا (۳۱)

ای همسران پیامبر هر کس از شما مبادرت به کار زشت آشکاری کند عذابش دو چندان خواهد بود و این بر الله همواره آسان است (۳۰) و هر کس از شما الله و فرستاده‌اش را فرمان برد و کار شایسته کند پاداشش را دو چندان می‌دهیم و برایش روزی نیکو فراهم خواهیم ساخت (۳۱)

سوره ۲۱: الأنبياء

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِن كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ (۴۷)

و ترازوهای داد را در روز رستاخیز می‌نهیم پس هیچ کس [در] چیزی ستم نمی‌بیند و اگر [عمل] هموزن دانه خردلی باشد آن را می‌آوریم و کافی است که ما حسابرس باشیم (۴۷)

هموزن اعمال هر کسی پاداش و عذاب می بیند یا نه خودتان در آیات بالا قضاوت کنید

سوره ۷: الأعراف

إِنَّ رَبَّكُمُ اللّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلاَ لَهُ الْخَلْقُ وَالأَمْرُ تَبَارَكَ اللّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۵۴)

در حقیقت الله شما آن الله ای است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش [جهانداری] استیلا یافت روز را به شب که شتابان آن را می طلبد می‌پوشاند و [نیز] خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده‌اند [پدید آورد] آگاه باش که [عالم] خلق و امر از آن اوست فرخنده الله ای است الله جهانیان (۵۴)

سوره ۴۱: فصلت

قُلْ أَئِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۹)وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِن فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاء لِّلسَّائِلِينَ (۱۰)ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاء وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ اِئْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ (۱۱)فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاء أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاء الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۱۲)

بگو آیا این شمایید که واقعا به آن کسی که زمین را در دو روز آفرید کفر می‌ورزید و برای او همتایانی قرار می‌دهید این است الله جهانیان (۹) و در(زمین) از فراز آن کوهها نهاد و در آن خیر فراوان پدید آورد و قرارداد درآن مواد خوراکی در چهار روز [که] برای خواهندگان‌درست [و متناسب با نیازهایشان] است (۱۰) سپس آهنگ [آفرینش] آسمان کرد و آن بخاری بود پس به آن و به زمین فرمود خواه یا ناخواه بیایید آن دو گفتند فرمان‌پذیر آمدیم (۱۱) پس آنها را [به صورت] هفت آسمان در دو روز آفرید و در هر آسمانی کار [مربوط به] آن را وحی فرمود و آسمان [این] دنیا را به چراغها آذین کردیم و [آن را نیك] نگاه داشتیم این است اندازه‌گیری آن نیرومند دانا (۱۲)

ما که در سوره فصلت روزه های آفرینش را جمع زدیم ۸ روز شد در حالی که در آیات دیگه قرآن آفرینش را ۶ روز اعلام فرمودند شما هم می خواهید یک جمع بزنید

سوره ۲۷: النمل

يَا مُوسَى إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۹) ای موسی این منم الله عزیز حکیم (۹)

سوره ۴: النساء

وَرُسُلاً قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِن قَبْلُ وَرُسُلاً لَّمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا (۱۶۴)

و پیامبرانی [را فرستادیم] که در حقیقت [ماجرای] آنان را قبلا بر تو حکایت نمودیم و پیامبرانی [را نیز برانگیخته‌ایم] که [سرگذشت] ایشان را بر تو بازگو نکرده‌ایم و الله با موسی آشکارا سخن گفت (۱۶۴)

سوره ۴۲: الشوری

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِن وَرَاء حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاء إِنَّهُ عَلِيٌّ حَكِيمٌ (۵۱)

و هیچ بشری را نرسد که الله با او سخن گوید جز [از راه] وحی یا از فراسوی حجابی یا فرستاده‌ای بفرستد و به اذن او هر چه بخواهد وحی نماید آری اوست بلندمرتبه سنجیده‌کار (۵۱)

احتمال خیلی زیاد شما داستان موسی (کلیم الله) را که با الله سخن می گوید را شنیده اید حال ما نمی خواهیم دیگر مثالها حرف زدن کشتی گرفتن و غیره دیگر پیامبران با الله را از تورات بگوییم ولی خودتان دو آیه بالا را مقایسه کنید

سوره ۱۰۹: الکافرون

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (۶)

دین شما برای خودتان و دین من برای خودم (۶)

سوره ۴۷: محمد

فَإِذا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَثْخَنتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاء حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاء اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِن لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُم بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ (۴)

پس چون با کسانی که کفر ورزیده‌اند برخورد کنید گردنها[یشان] را بزنید تا چون آنان را [در کشتار] از پای درآوردید پس [اسیران را] استوار در بند کشید سپس یا [بر آنان] منت نهید [و آزادشان کنید] و یا فدیه [و عوض از ایشان بگیرید] تا در جنگ اسلحه بر زمین گذاشته شود این است [دستور الله] و اگر الله می‌خواست از ایشان انتقام می‌کشید ولی [فرمان پیکار داد] تا برخی از شما را به وسیله برخی [دیگر] بیازماید و کسانی که در راه الله کشته شده‌اند هرگز کارهایشان را ضایع نمی‌کند (۴)

البته آیاتی به این صورت متضاد بسیار است که من فقط به همین دو آیه بسنده کرده ام که بعضی از به اصطلاح علما می گویند در آن زمان که سوره کافرون آمده محمد قدرت نداشته ولی این استدلال بیشتر آیات را زیر سوال می برد چون محمد قدرت نداشته قبول الله که قدرتمند بوده است و می توانسته طبق جنگهای مدینه با مکه پنج هزار یا بیشتر فرشته به کمک سپاه اسلام بفرستد آن زمان هم همین کار را می کرد بعد هم حرف الله که نباید با تغییر موقعیت محمد تغییر کند اگر قرآن از زبان الله است که موقعیت الله تغییر نمی کند ولی اگر از زبان محمد است این استدلال می تواند درست باشد البته اگر جنبه مقدس بودن محمد هم کنار گذاشته شود چون دورویی و تغییر حالت به خاطر تغییر وضعیت در خور یک انسان مقدس نیست

سوره ۵۵: الرحمن

فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُسْأَلُ عَن ذَنبِهِ إِنسٌ وَلَا جَانٌّ (۳۹)

در آن روز (قیامت) هیچ انس و جنی از گناهش پرسیده نشود (۳۹)

سوره ۲۸: القصص

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ (۶۲)

و روزی را که آنان را ندا می‌دهد و می‌فرماید آن شریکان من که می‌پنداشتید کجایند (۶۲)

البته برای پرسش و پاسخ ده ها مثال می توان آورد ولی من به همین یک مثال بسنده کرده ام

سوره ۴۲: الشورى

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُل لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ (۲۳)

این همان [پاداشی] است که الله بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدان] مژده داده است بگو به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم مگر دوستی در باره خویشاوندان و هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی اندوزد] برای او در ثواب آن خواهیم افزود قطعا الله آمرزنده و قدرشناس است (۲۳)

برای پی بردن به اینکه آیا پاداشی خواستار بوده است یا نه به بخش امتیازات الله به محمد مراجعه فرمایید

سوره ۳۳: الأحزاب

سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلُ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا (۶۲)

در باره کسانی که پیشتر بوده‌اند [همین] سنت‌الله است و در سنت‌الله هرگز تغییری نخواهی یافت (۶۲)

سوره ۵۸: المجادلة

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةً ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (١٢)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرگاه با پیامبر [الله] گفتگوی محرمانه می‌کنید پیش از گفتگوی محرمانه خود صدقه‌ای تقدیم بدارید این [کار] برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است و اگر چیزی نیافتید بدانید که الله آمرزنده مهربان است (۱۲)

أَأَشْفَقْتُمْ أَن تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (١٣)

آیا ترسیدید که پیش از گفتگوی محرمانه خود صدقه‌هایی تقدیم دارید و چون نکردید و الله [هم] بر شما بخشود پس نماز را برپا دارید و زکات را بدهید و از الله و پیامبر او فرمان برید و الله به آنچه می‌کنید آگاه است (۱۳)

البته موارد تغییر خیلی زیاد در قرآن یافت می شود که من به همین یک مورد بسنده کردم مثلا حکم قبله که تغییر کرد حکم شراب که بعد از چند سال که مسلمانان شراب می خوردند حرام شد حکم حجاب که چندین سال بعد از بعثت آمد و احکام بسیاری که از گفتن آنها خودداری می کنم

سوره ۶۶: التحريم

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا اِمْرَأَةَ نُوحٍ وَاِمْرَأَةَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ (١٠)

الله برای کسانی که کفر ورزیده‌اند زن نوح و زن لوط را مثل آورده [که] هر دو در نکاح دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و به آنها خیانت کردند و کاری از دست [شوهران] آنها در برابر الله ساخته نبود و گفته شد با داخل شوندگان داخل آتش شوید (۱۰)

سوره ۱۱: هود

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَّعَنَا وَلاَ تَكُن مَّعَ الْكَافِرِينَ (٤٢)

و آن [کشتی] ایشان را در میان موجی کوه‌آسا می‌برد و نوح پسرش را که در کناری بود بانگ درداد ای پسرک من با ما سوار شو و با کافران مباش (۴۲)

تا آنجایی که در کتابها هست و شنیده شده است زن لوط و پسر نوح به او پشت می کنند حالا چطور می شود که در سوره تحریم زن نوح هم خیانتکار اعلام شده بهتر است خودتان سوره تحریم را بخوانید و ببینید که کل ماجرا مربوط به زنان محمد بوده و وقتی مثال کم می آورد برای اینکه زن لوط که پیامبر مبلغ بوده برای مثال کم است زن نوح که پیامبر الوالعزم بوده است هم اضافه می شود همانطور که می بینید در سوره هود هم که خیلی قبلتر از تحریم نازل شده است حرف از پسر نوح است و حرفی از زن نوح نمی زند

سوره ۱۱: هود

تِلْكَ مِنْ أَنبَاء الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنتَ تَعْلَمُهَا أَنتَ وَلاَ قَوْمُكَ مِن قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ (۴۹)

این از خبرهای (داستان نوح) غیب است که آن را به تو وحی می‌کنیم پیش از این نه تو آن را می‌دانستی و نه قوم تو پس شکیبا باش که فرجام [نیک] از آن تقواپیشگان است (۴۹)

سوره ۱۲: یوسف

ذَلِكَ مِنْ أَنبَاء الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُواْ أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ (۱۰۲)

این [ماجرا] از خبرهای غیب است که به تو وحی می‌کنیم و تو هنگامی که آنان همداستان شدند و نیرنگ می‌کردند نزدشان نبودی (۱۰۲)

سوره ۶ :الأنعام

وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِن يَرَوْاْ كُلَّ آيَةٍ لاَّ يُؤْمِنُواْ بِهَا حَتَّى إِذَا جَآؤُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُواْ إِنْ هَذَآ إِلاَّ أَسَاطِيرُ الأَوَّلِينَ (۲۵)

و برخی از آنان به تو گوش فرا می‌دهند و[لی] ما بر دلهایشان پرده‌ها افکنده‌ایم تا آن را نفهمند و در گوشهایشان سنگینی [قرار داده‌ایم] و اگر هر معجزه‌ای را ببینند به آن ایمان نمی‌آورند تا آنجا که وقتی نزد تو می‌آیند و با تو جدال می‌کنند کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند این [کتاب] چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست (۲۵)

نخست اینکه این داستانها در تورات همه هستند و اخبار غیب در آن زمان نبوده است دوم اینکه در قرآن چندین بار ذکر شده است که مشرکان می گویند قرآن چیزی جز افسانه پیشینیان نیست پس قبلا این افسانه ها را حتما شنیده بودند سوم داستان نوح در لوح های بابلی هم کشف شده است پس باز هم داستان غیب نیست در ضمن در سوره یوسف استدلال کاملا بچگانه ای آورده شده است که تو آن هنگام نزدشان نبودی آیا باید برای با خبر شدن از هر داستانی انسان در آن زمان و مکان باشد

سوره ۷۳: المزمل

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا (۹)

[اوست] الله خاور و باختر الله ای جز او نیست پس او را کارساز خویش اختیار کن (۹)

سوره ۵۵: الرحمن

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (۱۷)

الله دو خاور و الله دو باختر (۱۷)

سوره ۳۷: الصافات

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ (۵)

الله آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است و الله خاورها (۵)

آقای مفسر بفرمایید تفسیر کنید که الله رب یک مشرق است رب دوتا مشرق است یا رب مشرقهاست راستی چندتا مشرق و مغرب داریم؟

قرآن مکی قرآن مدنی

مکـــه

سوره ۱۰۹: الکافرون

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِين (۶)

دین شما برای خودتان و دین من برای خودم (۶)

مدینـــه

سوره ۴۷: محمد

فَإِذا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَثْخَنتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاء حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاء اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِن لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُم بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ (۴)

پس چون با کسانی که کفر ورزیده‌اند برخورد کنید گردنها[یشان] را بزنید تا چون آنان را [در کشتار] از پای درآوردید پس [اسیران را] استوار در بند کشید سپس یا [بر آنان] منت نهید [و آزادشان کنید] و یا فدیه [و عوض از ایشان بگیرید] تا در جنگ اسلحه بر زمین گذاشته شود این است [دستور الله] و اگر الله می‌خواست از ایشان انتقام می‌کشید ولی [فرمان پیکار داد] تا برخی از شما را به وسیله برخی [دیگر] بیازماید و کسانی که در راه الله کشته شده‌اند هرگز کارهایشان را ضایع نمی‌کند (۴)

مکـــه

سوره ۴۲: الشوری

وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُور (۴۳)

هر که صبر کند و درگذرد مسلما این [خویشتن داری حاکی] از اراده قوی [در] کارهاست (۴۳)

مدینـــه

سوره ۲ :البقرة

الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُواْ عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُواْ اللّهَ وَاعْلَمُواْ أَنَّ اللّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (۱۹۴)

این ماه حرام در برابر آن ماه حرام است و [هتك] حرمتها قصاص دارد پس هر کس بر شما تعدی کرد همان گونه که بر شما تعدی کرده بر او تعدی کنید و از الله پروا بدارید و بدانید که الله با تقواپیشگان است (۱۹۴)

مکـــه

سوره ۴۲: الشورى

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُل لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ (۲۳)

این همان [پاداشی] است که الله بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدان] مژده داده است بگو به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم مگر دوستی در باره خویشاوندان و هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی اندوزد] برای او در ثواب آن خواهیم افزود قطعا الله آمرزنده و قدرشناس است (۲۳)

مدینـــه

سوره ۸ :الأنفال

وَاعْلَمُواْ أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَيْءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنتُمْ آمَنتُمْ بِاللّهِ وَمَا أَنزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ وَاللّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴۱)

و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید یك پنجم آن برای الله و پیامبر و برای خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان است اگر به الله و آنچه بر بنده خود در روز جدایی [حق از باطل] روزی که آن دو گروه با هم روبرو شدند نازل کردیم ایمان آورده‌اید و الله بر هر چیزی تواناست (۴۱)

مکـــه

سوره ۴۱: فصلت

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ (۳۴)

و نیکی با بدی یکسان نیست [بدی را] به آنچه بهتر است دفع کن آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است گویی دوستی یکدل می‌گردد (۳۴)

مدینـــه

سوره ۲ :البقرة

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالأُنثَى بِالأُنثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاء إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۷۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید در باره کشتگان بر شما [حق] قصاص مقرر شده آزاد عوض آزاد و بنده عوض بنده و زن عوض زن و هر کس که از جانب برادر [دینی]اش [یعنی ولی مقتول] چیزی [از حق قصاص] به او گذشت‌شود [باید از گذشت ولی مقتول] به طور پسندیده پیروی کند و با [رعایت] احسان [خونبها را] به او بپردازد این [حکم] تخفیف و رحمتی از الله شماست پس هر کس بعد از آن از اندازه درگذرد وی را عذابی دردناك است (۱۷۸)

مکـــه

سوره ۱۶: النحل

فَإِن تَوَلَّوْاْ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلاَغُ الْمُبِينُ (۸۲)

پس اگر رویگردان شوند بر تو فقط ابلاغ آشکار است (۸۲)

مدینـــه

سوره ۸: الأنفال

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لاَ تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلّه فَإِنِ انتَهَوْاْ فَإِنَّ اللّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۳۹)

و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای بر جای نماند و دین یکسره از آن الله گردد پس اگر [از کفر] بازایستند قطعا الله به آنچه انجام می‌دهند بیناست (۳۹)

مکــه

سوره ۲۹: العنکبوت

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۴۶)

و با اهل کتاب جز به [شیوه‌ای] که بهتر است مجادله مکنید مگر [با] کسانی از آنان که ستم کرده‌اند و بگویید به آنچه به سوی ما نازل شده و [آنچه] به سوی شما نازل گردیده ایمان آوردیم و الله ما و الله شما یکی است و ما تسلیم اوییم (۴۶)

مدینــه

سوره ۹: التوبة

قَاتِلُواْ الَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَلاَ بِالْيَوْمِ الآخِرِ وَلاَ يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللّهُ وَرَسُولُهُ وَلاَ يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُواْ الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُواْ الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ (۲۹)

با کسانی از اهل کتاب که به الله و روز بازپسین ایمان نمی‌آورند و آنچه را الله و فرستاده‌اش حرام گردانیده‌اند حرام نمی‌دارند و متدین به دین حق نمی‌گردند کارزار کنید تا با خواری به دست‌خود جزیه دهند (۲۹)

البته تشخیص اینکه اهل کتاب به الله و روز بازپسین ایمان آورده اند یا نه با تازه مسلمانان بوده است و بر استناد همین آیه به ایران ما حمله کردند و مردان ما را کشتند پسران ما را به بردگی و زنان ما را به کنیزی بردند لازم به توضیح می دانم که کنیز زن اسیر شده ای است اعم از شوهر دار یا بی شوهر که پس از اسارت با پول بین مسلمانان رد و بدل می شود و مسلمانان بدون عقد می توانند با آنها همخوابه شوند (مومنون ۶-احزاب۵۰-نساء ۲۴) من وقتی در این مورد چیزی می خوانم یا می نویسم اشک در چشمانم حلقه می زند دوستان از مکه تا مدینه موقعیت الله که عوض نمی شود و بر قدرت الله که افزوده نمی شود و حکم الله هم ثابت است

صفات الله

بررسی صفات الله در قرآن

علم الله

اگر قرآن از طرف آفریدگار باشد نباید مشکل علمی در آن بتوان یافت

سوره ۲: البقرة

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الأَرْضَ فِرَاشاً وَالسَّمَاء بِنَاء وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاء فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقاً لَّكُمْ فَلاَ تَجْعَلُواْ لِلّهِ أَندَاداً وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۲)

همان [الله] که زمین را برای شما فرشی [گسترده] و آسمان را بنایی [افراشته] قرار داد و از آسمان آبی فرود آورد و بدان از میوه‌ها رزقی برای شما بیرون آورد پس برای الله همتایانی قرار ندهید در حالی که خود می‌دانید (۲۲)

سوره ۱۳: الرعد

اللّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الأَمْرَ يُفَصِّلُ الآيَاتِ لَعَلَّكُم بِلِقَاء رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ (۲)

الله [همان] کسی است که آسمانها را بدون ستونهایی که آنها را ببینید برافراشت آنگاه بر عرش استیلا یافت و خورشید و ماه را رام گردانید هر کدام برای مدتی معین به سیر خود ادامه می‌دهند [الله] در کار [آفرینش] تدبیر می‌کند و آیات [خود] را به روشنی بیان می‌نماید امید که شما به لقای الله یقین حاصل کنید (۲)

وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۳)

و اوست کسی که زمین را گسترانید و در آن کوهها و رودها نهاد و از هر گونه میوه‌ای در آن جفت جفت قرار داد روز را به شب می‌پوشاند قطعا در این [امور] برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه‌هایی وجود دارد (۳)

سوره ۵۱: الذاریات

وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ (۴۸)

و زمین را گسترانیده‌ایم و چه نیکو گسترندگانیم (۴۸)

سوره ۱۵: الحجر

إِلاَّ مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُّبِينٌ (۱۸) وَالأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ (۱۹)

مگر آن کس که دزدیده گوش فرا دهد که شهابی روشن او را دنبال می‌کند (۱۸) و زمین را گسترانیدیم و در آن کوههای استوار افکندیم و از هر چیز سنجیده‌ای در آن رویانیدیم (۱۹)

سوره ۲۱: الأنبیاء

أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاء كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ (۳۰)

آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن دو را از هم جدا ساختیم و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم آیا [باز هم] ایمان نمی‌آورند (۳۰)

وَجَعَلْنَا السَّمَاء سَقْفًا مَّحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ (۳۲)وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (۳۳)

و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم و[لی] آنان از [مطالعه در] نشانه‌های آن اعراض می‌کنند (۳۲) و اوست آن کسی که شب و روز و خورشید و ماه را پدید آورده است هر کدام از این دو در مداری [معین] شناورند (۳۳)

سوره ۲۲: الحج

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاء أَن تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُوفٌ رَّحِيمٌ (۶۵)

آیا ندیده‌ای که الله آنچه را در زمین است به نفع شما رام گردانید و کشتیها در دریا به فرمان او روانند و آسمان را نگاه می‌دارد تا [مبادا] بر زمین فرو افتد مگر به اذن خودش [باشد] در حقیقت‌الله نسبت به مردم سخت رئوف و مهربان است (۶۵)

سوره ۲۵: الفرقان

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاء بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُّنِيرًا (۶۱)

[فرخنده و] بزرگوار است آن کسی که در آسمان برجهایی نهاد و در آن چراغ و ماهی نوربخش قرار داد (۶۱)

سوره ۳۱: لقمان

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاء مَاء فَأَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (۱۰)

آسمانها را بی‌هیچ ستونی که آن را ببینید خلق کرد و در زمین کوههای استوار بیفکند تا [مبادا زمین] شما را بجنباند و در آن از هر گونه جنبنده‌ای پراکنده گردانید و از آسمان آبی فرو فرستادیم و از هر نوع [گیاه] نیکو در آن رویانیدیم (۱۰)

سوره ۲۱: الأنبیاء

وَجَعَلْنَا السَّمَاء سَقْفًا مَّحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ (۳۲)

و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم وآنان از نشانه‌های آن اعراض می‌کنند (۳۲)

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاء كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُّعِيدُهُ وَعْدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ (۱۰۴)

روزی که آسمان را همچون در پیچیدن صفحه نامه‌ها در می‌پیچیم همان گونه که بار نخست آفرینش را آغاز کردیم دوباره آن را بازمی‌گردانیم وعده‌ای است بر عهده ما که ما انجام‌دهنده آنیم (۱۰۴)

سوره ۳۵: فاطر

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِن قِطْمِيرٍ (۱۳)

شب را به روز درمی‌آورد و روز را به شب درمی‌آورد و خورشید و ماه را تسخیر کرده است [که] هر یك تا هنگامی معین روانند این استالله الله شما فرمانروایی از آن اوست و کسانی را که بجز او می‌خوانید مالك پوست هسته خرمایی [هم] نیستند (۱۳)

سوره ۳۷: الصافات

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاء الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ (۶) وَحِفْظًا مِّن كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ (۷) لَا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَى وَيُقْذَفُونَ مِن كُلِّ جَانِبٍ (۸) دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ (۹) إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ (۱۰)

ما آسمان این دنیا را به زیور ستارگان آراستیم (۶) و [آن را] از هر شیطان سرکشی نگاه داشتیم (۷) [به طوری که] نمی‌توانند به انبوه [فرشتگان] عال م بالا گوش فرا دهند و از هر سوی پرتاب می‌شوند (۸) با شدت به دور رانده می‌شوند و برایشان عذابی دایم است (۹) مگر کسی که [از سخن بالاییان] یکباره استراق سمع کند که شهابی شکافنده از پی او می‌تازد (۱۰)

سوره ۵۰: ق

أَفَلَمْ يَنظُرُوا إِلَى السَّمَاء فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِن فُرُوجٍ (۶) وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (۷)

مگر به آسمان بالای سرشان ننگریسته‌اند که چگونه آن را ساخته و زینتش داده‌ایم و برای آن هیچ گونه شکافتگی نیست (۶) و زمین را گستردیم و در آن لنگر کوهها فرو افکندیم و در آن از هر گونه جفت دل‌انگیز رویانیدیم (۷)

سوره ۵۵: الرحمن

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاء فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ (۳۷)

پس آنگاه که آسمان از هم شکافد و چون چرم گلگون گردد (۳۷)

سوره ۶۷: الملك

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِن فُطُورٍ (۳)

همان که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید در آفرینش آن [الله] بخشایشگر هیچ گونه اختلاف [و تفاوتی] نمی‌بینی بازبنگر آیا خلل [و نقصانی] می‌بینی (۳)

سوره ۳۹: الزمر

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (۵)

آسمانها و زمین را به حق آفرید شب را به روز درمی‌پیچد و روز را به شب درمی‌پیچد وخورشد و ماه را تسخیر کرد هر کدام تا مدتی معین در حرکت باشند آگاه باش که او همان شکست‌ناپذیر آمرزنده است (۵)

با تعریفهای بالا می توان فهمید که الله فکر می کرده است زمین مانند فرشی گسترده است و مانند توپ گرد و کروی نیست شهابها جهت محافظت از سخنان فرشتگان به طرف شیطانها شلیک می شوند کوهها هم که لنگر زمین هستند و زمین را ثابت نگه داشته اند آسمان هم جسمی است که بدون ستون قابل مشاهده بالای زمین قرار گرفته است و هفت طبقه است ستاره ها هم زیور آسمان هستند که در برجهای آسمان قرار دارند و کار دیگری ندارند خورشید هم به دور زمین می چرخد آسمان هم با زمین به هم چسبیده بوده اند

ما با این همه علم در قرآن راجع به آسمان و زمین چه احتیاجی داشته ایم که کروی بودن زمین را ثابت کنیم یا در مورد شهابها تحقیق کنیم فکر سفر به کرات و آسمان به سرمان بزند این می شود که مردم مسلمان عقب افتاده ترین و فقیر ترین انسانهای روی زمین را تشکیل می دهند در اروپا هم زمانی که دین حکومت می کرد پیشرفتی حاصل نمی شد حتی اگر کسی می گفت زمین گرد است او را به دادگاه کلیسا می کشاندند البته ما ایرانی ها در علم کمی گام پیش نهادهایم البته کمی ولی خودتان نگاهی به دیگر کشورهای اسلامی بیاندازید اکتشافات و اختراعات آنها را بررسی کنید چه می یابید؟ به خود بیایید دوستان ما جزو اولین و متمدن ترین کشورهای دنیا بوده ایم نگاهی به امپراتوری عظیم عثمانی (ترکیه) بیاندازید نگاهی به کشور اهرام ثلاثه (مصر) بیاندازید که با آن همه تمدن چه کردند حتی زبان آنها را نیز به عربی تغییر دادند بازهم گلی به جمال ما ایرانیان که زبان خودمان را نصفه نیمه حفظ کردیم ببخشید سخن به درازا کشید برویم سراغ دیگر اطلاعات علمی که می توان از قرآن استنباط کرد

سوره ۶: الأنعام

فَالِقُ الإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۹۶)

[هموست که] شکافنده صبح است و شب را برای آرامش و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده این اندازه‌گیری آن توانای داناست (۹۶)

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُواْ بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۹۷)

اوست کسی که ستارگان را برای شما قرار داده تا به وسیله آنها در تاریکیهای خشکی و دریا راه یابید به یقین ما دلایل [خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان کرده‌ایم (۹۷)

پس ماه و خورشید وسیله حساب آست برای ما البته ماه که خیلی وسیله خوبی برای حساب می باشد فقط یک عیب کوچک دارد آن هم اینکه تقریبا سالی ده روز عقب می ماند البته چیزی هم نیست ستاره ها هم که وسیله هدایت ما هستند فقط نمی دانم در زمستان که بیشتر شبها ابری هست چه باید کرد آیا استفاده از قطب نما مجاز است یا نه راستی چرا این دانشمندان اینقدر در مورد ستارگان تحقیق می کنند؟

سوره ۱۶: النحل

وَالأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۵)

و چارپایان را برای شما آفرید در آنها برای شما [وسیله] گرمی و سودهایی است و از آنها می‌خورید (۵)

قابل توجه عزیزان که اگر الله می گفت شما را برای چهارپایان آفریدم درست تر بود چون چهار پایان از چهار میلیون سال پیش در زمین زندگی می کنند و ما فقط هشتصد هزار سال است در زمین زندگی می کنیم

سوره ۱۶: النحل

ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلاً يَخْرُجُ مِن بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاء لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۶۹)

سپس از همه میوه‌ها بخور و راههای الله را فرمانبردارانه بپوی [آنگاه] از درون [شکم] آن شهدی که به رنگهای گوناگون است بیرون می‌آید در آن برای مردم درمانی است راستی در این [زندگی زنبوران] برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه [قدرت الهی] است (۶۹)

بهتر است در مورد زنبور که در بالا گفته شده میوه ها را می خورد و بعد از درون شکم خود شهدی بیرون می آورد این مطالب را بخوانید

زنبور عسل یکی از حشرات مفید برای انسان است که متعلق به رده دوبالان می‌باشد. زنبور عسل خیلی پیش از انسان در روی زمین بوجود آمده و زندگی می‌کرده است. زنبور عسل حدود ۱۵۰ میلیون سال قبل وجود داشته و مشغول زاد و ولد بوده است.

نحوه تولید عسل

زنبورابتدا شهد گلها یا گیاهان را مکیده (دوستان توجه کنید شهد گیاهان و گلها نه میوه آنها را)ودر چینه دان خود با بزاق مخلوط مي کند و با چندین بارفرو بردن و بیرون آوردن (البته بیرون آوردن از دهان از شکم) آن را در کندو به زنبورهاي جوان تحویل مي دهد. زنبورهاي جوان نیزکه غدد آنزیم ساز آنها به حداکثر رشد رسیده، شهد را دهان به دهان مي چرخانند و پس از مخلوط کردن با بزاق دهان و فرو بردن و بیرون آوردن از چینه دان عسل ساز خود و گرفتن قسمتي از آب ، آن را تبدیل به عسل مي کنند. این عسل در حجره هاي موم مانند برگردانده مي شود . سپس زنبورها با بال زدنهاي مکرر آب آن را تبخیر کرده و در نتیجه عسل پخته شده روي آن را با یک ورقه موم سفید مي پوشانند. مقدارمختصري از عسل را خود زنبورها مصرف مي کنند و بقیه حاصل زحماتشان را ما انسانها استفاده مي کنیم. جالب اینکه دانشمندان معتقدند زنبور به هنگام ساختن عسل آنچنان ماهرانه عمل مي کند که خواص درماني و دارویي گیاهان کاملاً به عسل منتقل شده و محفوظ مي ماند .رنگ عسل بر حسب آنکه زنبور بر چه گل و ثمره اي نشسته و از آن بهره گیري کرده تفاوت مي کند.

حال خودتان قضاوت کنید آیا آفریدگار می تواند اینچنین کم علم سخن بگوید

سوره ۱۸: الکهف

حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِندَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِمَّا أَن تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَن تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا (۸۶)

تا آنگاه که به غروبگاه خورشید رسید که [خورشید] در چشمه‌ای گل‌آلود و سیاه غروب می‌کند و نزدیك آن طایفه‌ای را یافت فرمودیم ای ذوالقرنین [اختیار با توست] یا عذاب می‌کنی یا در میانشان [روش] نیکویی پیش می‌گیری (۸۶)

حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَى قَوْمٍ لَّمْ نَجْعَل لَّهُم مِّن دُونِهَا سِتْرًا (۹۰)

تا آنگاه که به جایگاه برآمدن خورشید رسید [خورشید] را [چنین] یافت که بر قومی طلوع می‌کرد که برای ایشان در برابر آن پوششی قرار نداده بودیم (۹۰)

خیلی جالب است ذوالقرنین به جایگاه غروب خورشید آنجایی که خورشید در چشمـــه های آب سیاه غروب می کند می رسد و همچنین به جایگاه طلوع خورشید جایی که خورشید با مردمان فاصله یا پوششی ندارد آیا آن مردم تبدیل به خاکستر نمی شوند خودتان فکر کنید و آن مکان را در زمین بیابید دیگر فکر نمی کنم راجع به طلوع و غروب خورشید توضیحی بدهم چون همه بچه های پنجم ابتدایی هم در مورد غروب و طلوع خورشید اطلاعات دارند و می دانند خورشید نیست که غروب می کند و در چشمه آب تاریک فرو می رود بلکه این زمین است که با چرخش به دور خود روز و شب و طلوع و غروب را برای ما در یک مکان به وجود می آورد آیا آفریدگار می تواند از این موضوع اطلاع نداشته باشد و در کتابی که منسوب به اوست اینگونه اشتباه نگاری کند

سوره ۲۴: النور

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاء مِن جِبَالٍ فِيهَا مِن بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاء وَيَصْرِفُهُ عَن مَّن يَشَاء يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ (۴۳)

آیا ندانسته‌ای که الله[ست که] ابر را به آرامی می‌راند سپس میان [اجزاء] آن پیوند می‌دهد آنگاه آن را متراکم می‌سازد پس دانه‌های باران را می‌بینی که از خلال آن بیرون می‌آید و [اللهست که] از آسمان از کوههایی که در آنجاست تگرگی فرو می‌ریزد و هر که را بخواهد بدان گزند می‌رساند و آن را از هر که بخواهد باز می‌دارد نزدیك است روشنی برقش چشمها را ببر د (۴۳)

آیا در آسمان کوهی وجود دارد اگر منظور ابرهاست چرا ابرهای مانند کوه گفته نشده است چرا قبل از آن برای باران گفته شده از ابر ولی برای تگرگ گفته شده است کوه آیا همان ابری که تگرگ را فرو می ریزد نمی تواند باران را فرو بریزد خودتان که در زندگی روزمره شاهد تلاقی بارش تگرگ و باران بوده اید البته عزیزان مفسر استاد ربط دادن موارد به یکدیگرند ولی اگر قرآن از طرف الله برای راهنمایی انسانها آمده است پس باید برای انسانها قابل فهم باشد و کم و کسری نداشته باشد که مفسرین بخواهند به آن اضافه یا از آن کم کنند

تگرگ (ژاله ، یخچه ؛ در عربی : بَرَد)، از عوارض جوّی . تگرگ از دانه یا تکه های یخ به قطر ۵ تا ۵۰ میلیمتر (و گاه بیشتر) تشکیل می شود و حاصل حرکات عمودی شدید قطرات باران در طوفانهای همراه با رعدوبرق است که در نتیجه این حرکات ، قطرات آب بسرعت منجمد می شود. این حرکات عمودی سریع

بویژه در ابرهای کومولونیمبوس به وجود می آید. تگرگ دارای لایه های شفاف و نیمه شفاف است . فصل بارش تگرگ اغلب در بهار یا فصول انتقالی سال است ، زیرا در این فصول اغتشاشات شدید جوّی زیاد است

سوره ۳۶: یس

وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّى عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ (۳۹)

و برای ماه منزلهایی معین کرده‌ایم تا چون شاخك خشك خوشه خرما برگردد (۳۹)

ابتدا تعریف منزل می دانید که منزل محل توقف و استراحت می باشد همانطور که در متون نوشته می شود مثلا پس از یک شبانه روز حرکت در تهران منزل کردیم حال شما بگویید آیا ماه در جایی منزل یا توقف می کند دوم اینکه آیا ماه مانند شاخه خشک می شود یا در اثر سایه زمین به این صورت به نظر می رسد واقعا ما اگر بخواهیم علم را بر اساس قرآن پایه ریزی کنیم چه می شود؟ البته جای سوال ندارد همین می شود که ابتدا غربی ها و کشورهای غیر مسلمان مسئله را کشف می کنند و بعد ما با مراجعه به قرآن آن را به قرآن ربط می دهیم و می گوییم این مسئله را قرآن هم گفته حال اگر قرآن گفته است چرا یکی از آقایان مفسر و حافظ قرآن آن مسائل را کشف نمی کنند؟

سوره ۳۷: الصافات

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنْ الْمُسَبِّحِينَ (۱۴۳) لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۱۴۴)

و اگر او از زمره تسبیح‌کنندگان نبود (۱۴۳) قطعا تا روزی که برانگیخته می‌شوند در شکم آن [ماهی] می‌ماند (۱۴۴)

فقط جهت اطلاع الله می خواهم بگویم اگر جزو شکر گذارندگان نبود و توی معده ماهی می ماند اسید معده ماهی به او اجازه نمی داد تا روز برانگیخته شدن در همانجا بماند اگرهم اسید معده ماهی هم پیامبر الله را حل نمی کرد باز هم ماهی او را بالا می آورد البته الله جان ببخشید جســــارت کردم. می دانم که مفسران عزیز می گویند هیچ چیز از الله بعید نیست ولی اگر الله نظم طبیعت را به هم بریزد نمی تواند آفریدگار باشد.

سوره ۵۱: الذاریات

وَمِن كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۴۹)

و از هر چیزی دو گونه [یعنی نر و ماده] آفریدیم امید که شما عبرت گیرید (۴۹)

موجودات تك جنسي هم وجود دارد(جلبرگ) ولي اينكه چرا دو جنسي(نر و ماده) ها بيشترند به دليل برتري در ادامه وتوليد مثل آن است مثل برتري پستاندار بودن در مقابل تخم گذار بودن است

البته لازم به گفتن نمی دانم که خیلي از گیاهان و درختان تک جنسی می باشند ولی در جانوران نیز می توان به کرم خاکی اشاره نمود

کرم خاکی تک جنسی است و در هر کرم اندامهای جنسی نر و ماده در قسمت شکمی جای دارد .کرمهای خاکی در بیشتر سال ، تولید مثل می‌کنند، ولی حداکثر فعالیت تکثیری آنها در هوای گرم و مرطوب است.

سوره ۶۵: الطلاق

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا (۱۲)

الله همان کسی است که هفت آسمان و همانند آنها هفت زمین آفرید فرمان [الله] در میان آنها فرود می‌آید تا بدانید که الله بر هر چیزی تواناست و به راستی دانش وی هر چیزی را در بر گرفته است (۱۲)

ما که هر چه گشتیم هفت آسمان نیافتیم و همچنین هفت زمین حالا مفسران گرامی زحمت بکشند به یک جایی این قضیه را ربط بدهند البته این آیه را می توان در بخش تناقض گویی هم جای داد زیرا در بسیاری از آیات به یک زمین اشاره کرده است ولی در این آیه یک زمین را به هفت زمین ارتقاء داده است.

سوره ۶۷: الملك

وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِّلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ (۵)

و در حقیقت آسمان دنیا را با چراغهایی زینت دادیم و آن را مایه طرد شیاطین گردانیدیم و برای آنها عذاب آتش فروزان آماده کرده‌ایم (۵)

بازهم همان بحث ستارگان و فلسفه وجود آنها که چراغهای آسمان هستند و وسیله طرد شیاطین البته در اینجا شیطان تبدیل به شیاطین شده است حالا جای بسی سوال است چرا این ستارگان شیطان بزرگ آمریکا را طرد نمی کنند که با ماهواره ها و موشکهای فضایی در آنجا جولان می دهد شگفت است

سوره ۶۹: الحاقة

وَانشَقَّتِ السَّمَاء فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ (۱۶)

و آسمان از هم بشکافد و در آن روز است که آن از هم گسسته باشد (۱۶)

سوره ۷۰: المعارج

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاء كَالْمُهْلِ (۸)

روزی که آسمانها چون فلز گداخته شود (۸)

من حرفی نمی زنم خودتان آسمـان را و بعد هم شکافته شدن و گداخته شدن آنرا تصور کنید آیا آسمان جسم می باشد.

سوره ۷۱: نوح

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا (۱۵) وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا (۱۶)

مگر ملاحظه نکرده‌اید که چگونه الله هفت آسمان را توبرتو آفریده است (۱۵) و ماه را در میان آنها روشنایی‌بخش گردانید و خورشید را [چون] چراغی قرار داد (۱۶)

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا (۱۹)

و الله زمین را برای شما فرشی [گسترده] ساخت (۱۹)

نخست این که ما می دانیم ماه از خود نوری ندارد که زمین بتاباند و نور آن انعکاس نور خورشید است دوم اینکه تشبیه خورشید به چراغ از الله که ادعا دارد همان آفریدگار است به دور می باشد سوم اینکه خودتان فرش را تصور کنید و بعد زمین را در نظر بگیرید آیا زمین مانند فرش است گسترانده شده یا مانند توپ گرد است

سوره ۷۲: الجن

وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاء فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا (۸) وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَن يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَّصَدًا (۹)

(جنها می گویند) و ما آسمان را لمس کردیم و آن را پر از نگهبانان توانا و تیرهای شهاب یافتیم (۸) و در [آسمان] برای شنیدن به کمین می‌نشستیم [اما] اکنون هر که بخواهد به گوش باشد تیر شهابی در کمین خود می‌یابد (۹)

آیا آسمان قابل لمس می باشد و آیا شهابها تیری به طرف شیاطین و جنیان هستند با این همه علم ما دیگر احتیاج به تحقیق در مورد شهابها نداریم قرآن به ما علم در مورد شهابها به اندازه کافی می دهد

شهاب پدیده ای زودگذر است که فقط چند ثانیه دوام می آورد،- آنچه می بینیم در آسمان مثل تیر می گذرد، خود شی نیست بلکه خط روشنی است که براثر عبور جسم جامد کوچکی در جو زمین، ایجاد می شود. شی حقیقی را که سبب ایجاد این پدیده می شود، در حالیکه هنوز در حال پرواز باشد، شهابواره می نامند.

شهابواره ذره ای است که معمولاً به اندازه یک دانه شن بوده و در فضای میان سیاره ای حرکت می کند. چنانچه با جو زمین برخورد کند به علت سرعت زیادش در اثر اصطکاک با هوا تا حد سفیدشدگی گرم می شود و ملکولهای گازی را یونیزه کرده و باعث تشعشع نور می گردد. تقریباً تمام شهابوارها قبل از اینکه به زمین برسند تحلیل می روند؛ گاهی یک جسم بزرگـتر وارد جو می شوند که منظره ای تماشایی به نام آذر گوی (fireball) ایجاد می کند. اگر این شی پس از پروازش دوام آورد و روی زمین بیفتد آن را شهابسنگ می نامیم. شهابوارها معولاً به مشاهده گرانشان به طور تقریبی نزدیکند؛ فاصله آنها تا مشاهده گران در حدود 160 km و گاهی هم نزدیکتر است. دو نوع شهابسنگ وجود دارد، یک دسته آنهایی که اغلب از آهن تشکیل شده و دسته دیگر آنهایی که از مواد سنگی متشکل اند. شهابسنگهای آهنی به سادگی قابل تشخیص اند زیرا اصولاً آنها از ترکیبات فلزی آهن-نیکل تشکیل گردیده و مشابه آنها در روی زمین یافت نمی شود. شهابسنگهایی که متشکل از مواد سنگی هستند شبیه سنگهای زمینی بوده و در آنها به حد وفور اکسید آهن، سیلیکن و مانیزیم یافت می شوند. بزرگترین شهابسنگ سنگی جهان که درسال ۱۹۷۶ در ایالات جیلینگ در چین سقوط کرده است. وزن این قطعه سنگ تقریباً دو تن است. در صبح ۱۲ فوریه ۱۹۴۷ یک شهابسنگ در دامنه های صخره ای کوهای سیخوتای-آلین در شرق سیبری سقوط کرد. در حین عبور از جو زمین به صورت یک توپ نورانی آتشین، به نورانی خورشید، دیده شد و یک دنباله سیاه ضخیم از خود به جای گذاشت.

بارشهای شهابی را بر حسب زمان و مکان ظهور و وقوعشان کاملاً می توان پیشگویی کرد، زیرا رگه های نوری که یک رگبار را می سازند، با ذرات شبه سنگ و ریگی ساخته شده اند که در هنگام تصعید هسته یخی دنباله دار، آزاد می شوند. این ذرات علی الاصول در همان مدار دنباله داری باقی می مانند که از آن ناشی شده اند، و هر جا زمین از مسیر دنباله دار عبور کند، این ذرات در هنگام ورود به جو زمین بر اثر اصطکاک گرم می شوند. رگه های نور شهابی ظاهراً از نقطه معینی در آسمان، نقطه نور باران، می تابند. بارش شهابی را معمولاً به نام همان صورت فلکی می نامند که به نظر می رسد آن رگبار از آنجا می آید.

سوره ۷۸: النبأ

وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا (۷)

و کوهها را میخهایی (۷)

وَفُتِحَتِ السَّمَاء فَكَانَتْ أَبْوَابًا (۱۹)

و آسمان گشوده و درهایی [پدید] شود (۱۹)

سوره ۱۶: النحل

وَأَلْقَى فِي الأَرْض رَوَاسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلاً لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۵)

در زمین کوههایی استوار افکند تا شما را نجنباند و رودها و راهها [قرار داد] تا شما راه خود را پیدا کنید (۱۵)

سوره ۴۱: فصلت

وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِن فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاء لِّلسَّائِلِينَ (۱۰)

و در(زمین) از فراز آن کوهها نهاد و در آن خیر فراوان پدید آورد و قرارداد درآن مواد خوراکی در چهار روز [که] برای خواهندگان‌درست [و متناسب با نیازهایشان] است (۱۰)

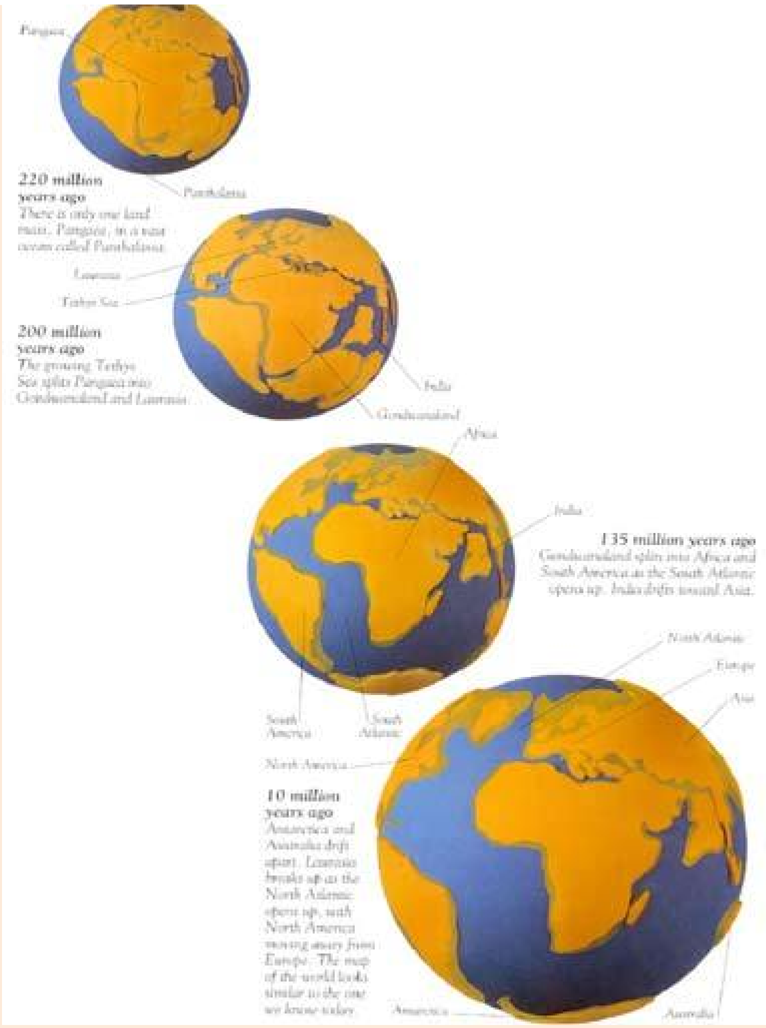
در مورد آسمان زیاد بحث کردیم بد نیست در اینجا توضیحاتی در مورد کوه ها برایتان بدهم

تشکیل کوهها

کوه همان توده های یا قطعات عظیم سنگی است که زمین شناسان می گویند توسط نیرو های از درون زمین به طرف بالا به سمت هوا رانده شده اند. زمین شناسان معتقد هستند که کوهها به چندین روش مختلف روی سطح زمین پدیدار شده اند. می گویند یکی از این روشها همان نتیجه فعالیتهای آتش فشانی است. یعنی مواد مذاب و سایر مواد موقع فعالیتهای آتش فشانی به بیرون پرتاب می شوند که از تجمع و جمع شدن این مواد و سرد شدن آنها بتدریج روی زمین کوه های ظاهر گشته اند. معمولا اگر علاقه مند به خبر های علمی باشید در رسانه های خبری هر از گاه در رابطه با شروع دوباره فعالیتهای کوههای آتشفشانی در گوشه های مختلف کره زمین چیزهای مطرح می شود. پس یکی از شواهد و ادعای زمین شناسان وجود همین کوه های آتش فشانی روی کره خاکی ما است که نمونه های از آنها مانند کوه وزوو در ایتالیا و یا کوه معروف فوجی یامای ژاپن و... می باشند. نظر دیگر زمین شناسان در مورد پیدایش کوه ها این است که جریان آبها در روی زمین صخره ها و مواد نرم زمین را شسته و با خود برده و یا در خود حل کرده است و در آن قسمت فرسایشهای شدیدی ایجاد گشته و قسمتهای سخت باقی مانده است. اما تقریبا همه دانشمندان   علاقه مند به سرگذشت زمین و پیدایش قسمتهای مختلف زمین مثل کوه بر این عقیده تاکید دارند که اغلب و یا شاید اکثریت کوهها در اثر چین خوردگی بوجود آمده اند. یعنی لایه های سنگی سخت فشار های بزرگ جانبی که همان فشار و نیروی خیلی زیاد داخل زمین علت اصلی می باشد. چین خوردگی ها شبیه به موج دریا پیدا کرده اند و بوجود آمده اند. وقتی به یک موج در سطح در یا نگاه می کنید می بینید مجموعه زیادی از آب به سمت آسمان بالا می آید و دو باره فرو می رود. این موجها که دارای برآمدگی و فرو رفتگیهای هستند. پس هر چین خوردگی دارای دو قسمت مانند موج دریا می باشد. که یکی را طاقدیس و دیگری را ناودیس می نامند. طاقدیس برآمدگیهای چین خوردگی و ناودیس همان فرورفتگیهای چین خوردگی است. زمین شناسان و دانشمندان می گویند که همین طاقدیسها ، همان قسمتی هستند که قله کو ه ها و ناو دیسها همان قسمتی هستند که دره های بین کوه ها را بوجود آورده اند. و گاهی چنان فشار ها و نیرو های زیاد به لایه های چین خورده سنگی وارد می شود که نمی توانند تحمل کنند و دچار شکستگیهای و پیدایش شکافهای در برخی از این لایه های چین خورده سنگی می شود. در اثر شکسته شدن آنها برخی از قطعات ممکن است بر روی قطعات دیگر کشیده و رانده شوند. کوه ها مانند ما که مراحل زندگی را می گذرانیم از جوانی تا بلوغ و سپس به کهنسالی میرسیم . آنها هم در طول سرگذشت زمین ابتدا جوان و مرتفع بوده اند و بعد ها رشد آنها متوقف شده است و در اثر عوامل فرسایشی مثل آب ، یخ ، باد و... کم ارتفاع شده اند   و شیبشان ملایم گشته اند و حتی کوه های وجود دارند که کهنسال هستند و چنان عوامل فرسایشی روی آنها در طول سالها بر آنها اثر گذاشته که تا حدی هم سطح زمین گشته اند.

پس کوهها مانند میخ در زمین قرار نگرفته اند و در ضمن در حال حاضر هم در حال تشکیل می باشند پس چیزی نیستند که در چهار روز الله خلق کرده باشد

اگر بیشتر در مورد زمین می خواهید بدانید متن زیر را هم مطالعه بفرمایید



پوسته زمین از تعدادي ورقه متحرك تشكيل شده است كه دائما در حال برخورد يا دور شدن از هم هستند.
پوسته زمین از تعدادي ورقه متحرك تشكيل شده است كه دائما در حال برخورد يا دور شدن از هم هستند. سخت كره از نه ورقه بزرگ و دوازده ورقه كوچكتر تشكيل شده است. قاره ها،ورقه هاي قاره اي را تشكيل مي دهند. ورقه هاي اقيانوسي قسمت عمده بستر دريا را تشكيل مي دهند. مطالعه ورقه هاي زمين ساختي كه زمين ساخت ورقه اي ناميده مي شود، به ما كمك مي كند تا اشتقاق قاره ها، گسترش بستر اقيانوس، فورانهاي آتشفشاني و تشكيل كوهها را توضيح دهيم.نيروهايي كه باعث حركت ورقه هاي زمين ساختي مي شوند در اثر حركت آهسته گوشته زيرين شكل مي گيرند. سنگهاي گوشته در اثر حرارت بالايي كه در زير آنهاست، دائما به سمت بالا حركت مي كنند و در اثر سرد شدن فرونشست مي كنند. اين چرخه ميليونها سال طول مي كشد . اشتقاق ورقه ها در سطح زمين طي ميليونها سال صورت گرفته است و هنوز هم ظاهر بيروني زمين را تغيير مي دهد. وقتي به نقشه دنيا نگاه كنيد مي بينيد كه حاشيه شرقي آمريكاي شمالي و جنوبي با حاشيه غربي اروپا و آفريقا منطبق مي شود. طي ميليونها سال،اين قاره ها به آهستگي از هم جدا شده اند (اشتقاق قاره ها .(

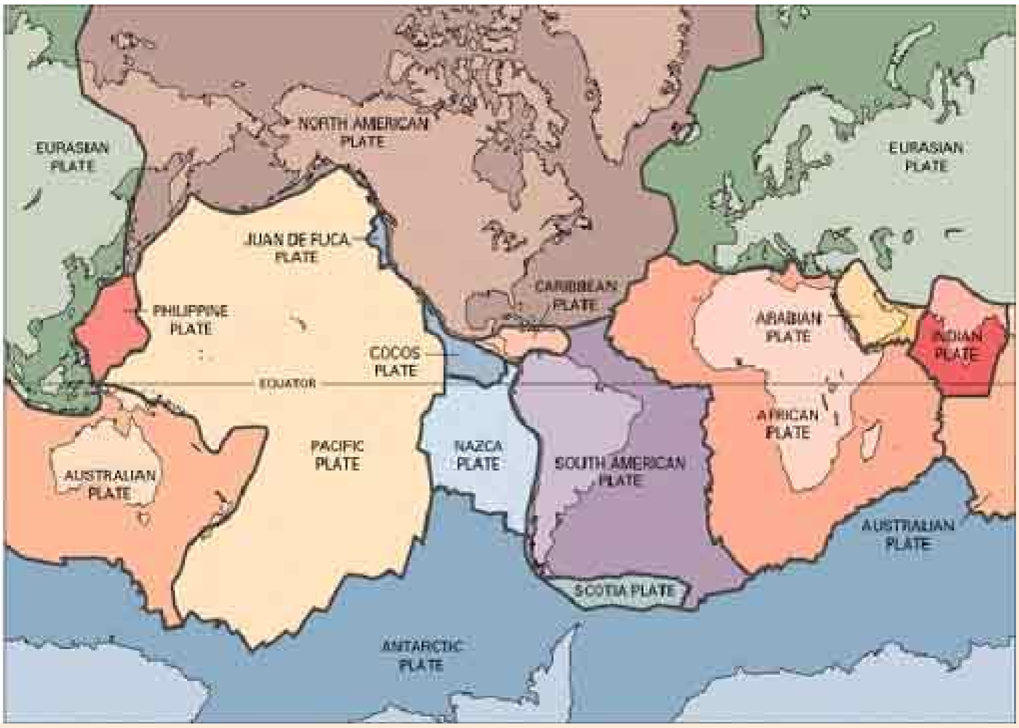
ورقه هاي واگرا :

جايي كه دو ورقه از هم دور مي شوند،سنگ داغ و مذاب (ماگماي مايع) به صورت گدازه خارج مي شود و ماده جديدي به ورقه ها افزوده مي شود. به اين ترتيب ورقه اقيانوسي جديدي تشكيل مي شود. جاي كه اين اتفاق رخ مي دهد،پشته ميان اقيانوسي ناميده مي شود. پشته هاي ميان اقيانوسي به ندرت بيش از ۴۹۲۰ فوت (۱۵۰۰ متر) ارتفاع دارند اما ممكن است هزاران مايل در امتداد بستر اقيانوس كشيده شوند. در زير هر يك از اقيانوسهاي بزرگ جهان،يك پشته ميان اقيانوسي وجود دارد. نمونه اي از آنها پشته مياني اطلس در اقيانوس اطلس است كه از قطب شمال تا قطب جنوب كشيده شده است. پشته هاي ميان اقيانوسي مناطقي هستند كه فعاليت آتشفشاني و زمين لرزه در آنجا زياد است .

ورقه هاي همگرا :

در بسياري جاها،ورقه هاي بزرگ سطح زمين به آهستگي به سمت هم حركت مي كنند. گاهي اوقات لبه يك ورقه در اثر نيروي برخورد تخريب مي شود و گاهي اوقات در اثر برخورد، لبه ورقه ها چين خورده و رشته كوههاي بزرگي به وجود مي آيد. هنگامي كه يك ورقه زمين ساختي به زير ورقه ديگر خم مي شود، فرورانش رخ مي دهد. در اثر برخورد ورقه چگال اقيانوسي با ورقه سبكتر قاره اي، اين اتفاق رخ مي دهد. در امتداد ساحل آمريكاي جنوبي اين پديده ديده مي شود. ورقه اقيانوسي به زير سست كره رانده مي شود. در اث رگرماي سست كره،ورقه فرورانده شده ذوب مي شود. در سطح يك درازگودال اقيانوسي ايجاد مي شود و به دنبال آن يك كمان قوسي تشكيل مي شود. در اين منطقه فعاليتهاي آتشفشاني و زمين لرزه هم رخ مي دهد . اطلس در حال رشد

ايسلند در بالاي پشته مياني اطلس قرار دارد و نشان مي دهد كه در امتداد پشته، ورقه هاي آمريكاي شمالي و اروپا از هم دور مي شوند. پشته اي كه در اينجا از زمان برخورد قاره ها مورد بررسي قرار مي گيرد، يكي از ورقه هايي است كه به دو لايه تقسيم مي شود: لايه زيرين از سنگهاي چگال گوشته تشكيل شده و لايه بالايي از سنگهاي سبك پوسته تشكيل شده است. وقتي لايه گوشته فرورانش مي كند،لايه بالايي تراشيده مي شود و روي ورقه ديگر تجمع مي يابد بنابراين رشته كوههايي مانند آلپ به وجود مي آيند. اين رشته كوهها، كوههاي چين خورده ناميده مي شوند .



سطح زمین دارای ۷ خشکی بزرگ است که از شکسته شدن یک قاره واحد بزرگ در طول زمان و بر اثر پدیده پلیت تکتونیک به دست آمده است. هر کدام از این صفحات که به قاره موسوم است سالیانه حدود 50 مایل حرکت می کنند. بر اثر این حرکتها مرزهای قاره ها دارای مدلهای مختلفی است که به ترتیب زیر است :
صفحات واگرا و صفحات همگرا و مرزهای انتقالی گسلی

صفحات همگرا توسط حرکت صفحات و برخورد و تصادم آنها به یکدیگر به وجود می آید. وقتی که صفحات اقیانوسی با صفحات قاره ای تصادف می کند، صفحات اقیانوسی به زیر صفحات قاره ای کشیده می شود و می لغزد و باعث به وجود آمدن چاله ها و حفرات عمیق در کف اقیانوسها می شود. به این مدل از حرکت ساب داکشن یا فرو رانش گفته می شود. نمونه ای از این نوع فرورانش در بین صفحه اقیانوسی Nazca و صفحه قاره ای آمریکای جنوبی اتفاق افتاده است. بر اثر تصادم دو صفحه قاره ای کوهزایی های مهم به وجود می آید که هیمالیا از مهمترین آنها است .

صفحات واگرا بر اثر حرکت صفحه ای قاره های به وجود می آید نمونه ای از این صفحات واگرا را می توان به برامدگی آتلانتیک اشاره نمود. وقتی صفحات از هم دور شوند سنگهای ذوب شده و داغ که که دمای آنها از خیلی بالا سرد می شود و باعث به وجود آمدن مواد جدید در صفحات اقیانوسی می شود. این فرایندهای در کف دریا پخش شده و شناخته شده است .

مرزهای صفحات گسلی انتقالی به صورت افقی حرکت می کند. به عنوان مثال از این حرکت صفحه ای می توان زون گسلشی سن آندریاس San Andreas را نام برد .

پلیت تکتونیک شاخه ای از علم زمین شناسی ساختمانی است که با فرایندهای حرکات صفحه ای در ارتباط است و در اثر این حرکات صفحه ای و برخوردها و تصادم قاره ها با یکدیگر مواد مذاب داغ به وجود می آید در مقیاس جهانی زمین شناسی به وجود آورنده پدیده هایی مثل سازندهای زمین شناسی و کوهزایی ها و توزیع زمین لرزه و آتشفشان است .

منبع : پايگاه ملي داده هاي علوم زمين كشور

سوره ۷۹: النازعات

أَأَنتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاء بَنَاهَا (۲۷) رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوَّاهَا (۲۸) وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا (۲۹)

آیا آفرینش شما دشوارتر استیا آسمانی که [او] آن را برپا کرده است (۲۷) سقفش را برافراشت و آن را [به اندازه معین] درست کرد (۲۸) و شبش را تیره و روزش را آشکار گردانید (۲۹)

سوره ۸۱: التكوير

وَإِذَا السَّمَاء كُشِطَتْ (۱۱)

و آنگاه که آسمان زجا کنده شود (۱۱)

آیا آسمان سقف دارد آیا آسمان شب دارد یا شب مال تنها نیمکره ای از زمین که ما در آن قرار داریم است و در زمانی که در نیمکره ما شب است آسمان نیکره دیگر روز می باشد آیا آسمان جا و محل خاصی دارد که از جا کنده شود؟

سوره ۹۱: الشمس

وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا (۶)

سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترد (۶)

عدالت الله

کنیز و برده

سوره ۱۶: النحل

ضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً عَبْدًا مَّمْلُوكًا لاَّ يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَن رَّزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لاَ يَعْلَمُونَ (۷۵)

الله مثلی می‌زند بنده‌ای است زرخرید که هیچ کاری از او برنمی‌آید آیا [او] با کسی که به وی از جانب خود روزی نیکو داده‌ایم و او از آن در نهان و آشکار انفاق می‌کند یکسانست سپاس الله راست [نه] بلکه بیشترشان نمی‌دانند (۷۵)

وَضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً رَّجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لاَ يَقْدِرُ عَلَىَ شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُّ لاَ يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَن يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۷۶)

و الله مثلی [دیگر] می‌زند دو مردند که یکی از آنها لال است و هیچ کاری از او برنمی‌آید و او سربار خداوندگارش می‌باشد هر جا که او را می‌فرستد خیری به همراه نمی‌آورد آیا او با کسی که به عدالت فرمان می‌دهد و خود بر راه راست است یکسان است (۷۶)

از آیات بالا می توان نتیجه گرفت که الله دو نوع انسان آفریده یکی کسانی که برده هستند و هیچ کاری از آنها بر نمی آید دوم کسانی که به آنها رزق نیکو داده شده است و به راحتی می توان نتیجه گرفت که اسلام برده داری را امری عادی به شمار آورده است و برده را از انسان آزاد پست تر دانسته است

از نظر اسلام برده چه کسی است؟

برده کسی است که در یا در جنگ اسیر شود وقیمت پیشنهادی اسیر کننده خود را جهت آزاد شده نداشته باشد در نتیجه برده محسوب می گردد یا اینکه به هر وسیله یک انسان او را از اسیر کننده او خریده باشد نه رنگ پوست مطرح است نه نژاد پس آقایان مفسران می توانند نتیجه بگیرند اسلام نژاد پرست نبوده است البته لازم به ذکر می دانم در زمان هجوم اعراب به کشورهای مختلف تعداد بسیار زیادی انسان از جمله ایرانیان به اسارت برده شدند البته مهاجمین بیشتر ترجیح می دادند پسران جوان و یا مردانی را که کار خاصی بلد بودند را به بردگی ببرند و مابقی اسیران را ار دم تیغ می گذراندند

سوره ۲۳: المؤمنون

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۵) إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۶)

و كسانى كه پاكدامنند (۵) مگر در مورد همسرانشان يا كنيزانى كه به دست آورده‌اند كه در اين صورت بر آنان نكوهشى نيست (۶)

از آیات بالا می توان فهمید یک مرد می تواند با زن خود رابطه زناشویی داشته باشد یا با کنیز خود البته می توانید از علما و مراجع محترم تقلیدتان هم سوال بفرمایید که کنیز احتیاج به عقد هم ندارد و صاحب او می تواند هرگونه عملی را با او انجام دهد و حق اعتراض هم ندارد و صاحب او می تواند او را به دیگری ببخشد و یا بفروشد تا او هم هر عملی خواست با وی انجام دهد و یک کنیز ممکن است هزاران دست بچرخد در ضمن بیشتر پیامبران از جمله محمد دارای کنیز بوده اند و همه امامان نیز کنیزانی داشته اند همانطور که می دانید اسماعیل پسر ابراهیم جد اعراب عربستان از کنیزی به نام هاجر به دنیا آمد و ماریه هم که ابراهیم پسر محمد را به دنیا آورد کنیز بود علی هم تعداد زیادی کنیز داشت که هنگام مرگش آنها را به فرزندان داخل شکمشان آنها را بخشید

از نظر اسلام کنیز چه کسی است؟

کنیز هم مانند برده زنی می باشد اعم از شوهردار یا بی شوهر که در جنگ اسیر می شود البته لازم به ذکر می دانم که مسلمان بودن یا مسلمان شدن کنیز دلیلی بر آزاد شده او نمی شود و همچنان کنیز باقی می ماند در ضمن صاحب کنیز یا برده بر جان او هم صاحب اجازه است کنیز هم مانند برده کاملا قابل تجارت و خرید فروش است

سوره ۲۴: النور

وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمْ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُم مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاء إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَن يُكْرِههُّنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِن بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۳)

و كسانى كه [وسيله] زناشويى نمى‌يابند بايد عفت ورزند تا الله آنان را از فضل خويش بى‌نياز گرداند و از ميان غلامانتان كسانى كه در صددند با قرارداد كتبى خود را آزاد كنند اگر در آنان خيرى [و توانايى پرداخت مال] مى‌يابيد قرار بازخريد آنها را بنويسيد و از آن مالى كه الله به شما داده است به ايشان بدهيد [تا تدريجا خود را آزاد كنند] و كنيزان خود را در صورتى كه تمايل به پاكدامنى دارند براى اينكه متاع زندگى دنيا را بجوييد به زنا وادار مكنيد و هر كس آنان را به زور وادار كند در حقيقت‌الله پس از اجبار نمودن ايشان [نسبت به آنها] آمرزنده مهربان است (۳۳)

از آیه بالا به درستی می توان فهمید که اعراب کنیزان خود را کرایه می داده اند و در این آیه الله آنها را از این کار منع کرده است جالب اینکه بعد از آن راه فرار برای آنها گذاشته و گفته اگر این کار را هم کردید اشکال ندارد الله آمرزنده است در مورد برده ها هم گفته شده اگر در آنان خیری دید با آنها قرارداد بنویسید و تدریجا یعنی به صورت قسطی آنهم وقتی بدهی آنها تمام شد آنها را آزاد کنید اصلا دوستان فرض می گیریم در آیه بالا گفته شده اگر دوست داشتید رایگان آنها را آزاد کنید می دانید که علما می گویند آزاد کردن برده خیلی ثواب

دارد حدودا اندازه کفاره یک روزه ماه رمضان چرا باید الله برده داری را آزاد کند که بخواهد برای کسانی که بردگان را آزاد می کنند ثواب بنویسد آیا کسی به خاطر اینکه در جنگ و در دفاع از آب و خاکش اسیر شده الله او را برده یا کنیز به شمار آورد

محمد زنده به گور کردن دختران را منع کرد ولی من می گویم آن را در تمام تاریخ تا زمانی که اسلام پا بر جا است زنده کرد چرا؟ نخست اینکه تمام طوایف عرب دختران را زنده به گور نمی کردند بلکه بعضی از آنها می دانید که عاقلانه نیست ما فکر کنیم تمام طوایف عرب این کار را می کردند و در طوایف عرب همه خانواده های آنها دختران را زنده به گور نمی کردند زیرا اگر چنین بود نسل آنها از کجا ادامه پیدا می کرد اگر خودتان تحقیق کنید اعراب از ترس اینکه زنان و دخترانشان اسیر شوند و به عنوان کنیز که آن را الله حلال کرده است دست هر مردی بیافتند زنده به گور می کردند همانطور که درجنگ ایران و عراق خیلی از ایرانیان زنان خود را کشتند بروید تحقیق کنید چقدر گور دسته جمعی زنان در خرمشهر پیدا شد بله از ترس اینکه زنان ما اسیر شوند ما ایرانیان هم که بالاترین تمدن را داشتیم زنانمان را زنده به گور کردیم می توانید فیلم روز سوم ساخت ایران را که به طو مجازدرتمام ویدئوکلوپهاهست را ببینید پس می توان منصفانه نتیجه گرفت محمد زنده به گور کردن را پایه ریزی کرد اگر در آن زمان الله اسیر کردن زنان را حرام می کرد خود به خود زنده به گور کردن هم از بین می رفت آیا شما می دانید در هجوم اعراب به ایران چقدر زن زیبا رو ایرانی به کنیزی گرفته شد به تاریخ مراجعه کنید حتی زن امام حسین یک کنیز ایرانی به نام شهربانو بوده است و هزاران مثل او به کنیزی نزد اعراب رفتند ابو لولو که عمر را کشت یک ایرانی بود که به بردگی گرفته شده بود

سوره ۲ :البقرة

وَلاَ تَنكِحُواْ الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَّ وَلأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلاَ تُنكِحُواْ الْمُشِرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُواْ وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُوْلَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللّهُ يَدْعُوَ إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۲۲۱)

و با زنان مشرك ازدواج مكنيد تا ايمان بياورند قطعا كنيز با ايمان بهتر از زن مشرك است هر چند [زيبايى] او شما را به شگفت آورد و به مردان مشرك زن مدهيد تا ايمان بياورند قطعا برده با ايمان بهتر از مرد آزاد مشرك است هر چند شما را به شگفت آورد آنان [شما را] به سوى آتش فرا مى‌خوانند و الله به فرمان خود [شما را] به سوى بهشت و آمرزش مى‌خواند و آيات خود را براى مردم روشن مى‌گرداند باشد كه متذكر شوند (۲۲۱)

با توجه به متن آیه بالا می توان به طور عاقلانه گفت زن مسلمان برتر از کنیز مسلمان است و می توان از همین آیه به این نتیجه رسید که مسلمان شدن یک کنیز شرطی برای آزاد شدن او نیست و در مورد برده هم همین نتایج را می توان از آیه بالا گرفت

سوره ۴ :النساء

وَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنكُمْ طَوْلاً أَن يَنكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِن مِّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُم مِّن فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُم مِّن بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلاَ مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَّ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَن تَصْبِرُواْ خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۵)

و هر کس از شما از نظر مالی نمی‌تواند زنان [آزاد] پاکدامن با ایمان را به همسری [خود] درآورد پس با دختران جوانسال با ایمان شما که مالك آنان هستید [ازدواج کند] و الله به ایمان شما داناتر است [همه] از یکدیگرید پس آنان را با اجازه خانواده‌شان به همسری [خود] درآورید و مهرشان را به طور پسندیده به آنان بدهید [به شرط آنکه] پاکدامن باشند نه زناکار و دوستگیران پنهانی نباشند پس چون به ازدواج [شما] درآمدند اگر مرتکب فحشا شدند پس بر آنان نیمی از عذاب [=مجازات] زنان آزاد است این [پیشنهاد زناشویی با کنیزان] برای کسی از شماست که از آلایش گناه بیم دارد و صبر کردن برای شما بهتر است و الله آمرزنده مهربان است (۲۵)

در آیه بالا هم گفته شده است اگر یک مرد را شهوتش خیلی در سختی گذاشته بود کنیز جوانسال به او بدهید و مجازات کنیزی هم زنا کند چون آدم محسوب نمی شود نصف دیگر انسانها است و بعد هم گفته شده است اگر صبر کنید و با کنیز ازدواج نکنید برای شما بهتر است خودتان ببینید چقدر یک انسان که اسیر شده است تحقیر شده است و می توان نتیجه گرفت ازدواج با کنیز در اسلام کراهت خیلی زیادی دارد

سوره ۳۳ :الأحزاب

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفاء اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُّؤْمِنَةً إِن وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَن يَسْتَنكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۵۰)

ای پیامبر ما برای تو آن همسرانی را که مهرشان را داده‌ای حلال کردیم و [کنیزانی] را که الله از غنیمت جنگی در اختیار تو قرار داده و دختران عمویت و دختران عمه‌هایت و دختران دایی تو و دختران خاله‌هایت که با تو مهاجرت کرده‌اند و زن مؤمنی که خود را به پیامبر ببخشددر صورتی که پیامبر بخواهد او را به زنی گیرد ویژه توست نه دیگر مؤمنان ما نیك می‌دانیم که در مورد زنان و کنیزانشان چه بر آنان مقرر کرده‌ایم تا برای تو مشکلی پیش نیاید و الله همواره آمرزنده مهربان است (۵۰)

پس کنیز زنی است که در جنگ به غنیمت گرفته می شود و حلال بودن آن هم گفته شده است

سوره ۴ :النساء

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاء إِلاَّ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُم مَّا وَرَاء ذَلِكُمْ أَن تَبْتَغُواْ بِأَمْوَالِكُم مُّحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُم بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلاَ جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُم بِهِ مِن بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۲۴)

و زنان شوهردار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالك آنان شده‌اید [این] فریضه الهی است که بر شما مقرر گردیده است و غیر از این [زنان نامبرده] برای شما حلال است که [زنان دیگر را] به وسیله اموال خود طلب کنید در صورتی که پاکدامن باشید و زناکار نباشید و زنانی را که متعه کرده‌اید مهرشان را به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید و بر شما گناهی نیست که پس از [تعیین مبلغ] مقرر با یکدیگر توافق کنید [که مدت عقد یا مهر را کم یا زیاد کنید] مسلما الله دانای حکیم است (۲۴)

در این آیه هم بر تعریف ما از کنیز که فرق ندارد دارای شوهر باشد یا نه مهر درستی زده است.

حال دوستان به نظر شما الله عادل است البته باز هم می گویم منظور من از الله آفریدگار نیست فقط منظورم همان الله است که محمد معرفی کرده است.

عدالت الله

زن و مرد

سوره ۲: البقرة

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُواْ النِّسَاء فِي الْمَحِيضِ وَلاَ تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىَ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللّهُ إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ (۲۲۲)

از تو در باره عادت ماهانه [زنان] مى‏پرسند بگو آن رنجى است براى آنها پس هنگام عادت ماهانه از [آميزش با] زنان كناره گيرى كنيد و به آنان نزديك نشويد تا پاك شوند پس چون پاك شدند از همان جا كه الله به شما فرمان داده است با آنان آميزش كنيد الله توبه‏كاران و پاكيزگان را دوست مى‏دارد (۲۲۲)

الله که از علم کامل بر خوردار می باشد جواب این سوال انسانها را در مورد عادت ماهانه زنان (پریود) این گونه جواب می دهد که آن رنجی است برای آنها نخست اینکه به جزای کدام گناه باید همه زنان رنج بکشند آیا این عدالت است که زنان به خاطر اینکه الله آنها را دختر به دنیا آورده است در رنج باشند دوم آیا واقعا دلیل پریود شدن همین است راستی چرا الله اینقدر زنان را حقیر کرده است. که حتی پریود شدن آنها را که یک چیز طبیعی است را رنج برای زنان گفته است. و بعد هم زنان را در زمان پریودی ناپاک اعلام کرده است و آنها را نجس می داند آیا این عدالت است. یک انسان در ماه شش یا هفت روز ناپاک و نجس باشد.

نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُواْ حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُواْ لأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُواْ اللّهَ وَاعْلَمُواْ أَنَّكُم مُّلاَقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (۲۲۳)

زنان شما كشتزار شما هستند پس از هر جا [و هر گونه] كه خواهيد به كشتزار خود [در]آييد و آنها را براى خودتان مقدم داريد و از الله پروا كنيد و بدانيد كه او را ديدار خواهيد كرد و مؤمنان را [به اين ديدار] مژده ده (۲۲۳)

در این آیه هم نخست اینکه زنان را در حد جسم و اشیاء در حد یک کشتزار پایین آورده است دوم اینکه آیا زن فقط حکم کشتزار را برای مرد دارد کشتزار جایی است در آن ما تخم گیاهی را می کاریم و اصل آن گیاه کامل به نوع تخم آن بستگی دارد و در آخر هم گیاه به دست آمده مال کسی است که آن را کاشته خود کشتزار هیچ مالکیتی بر گیاه به دست آمده ندارد آیا زنان مانند کشتزار هستند محل کشت گیاه را می توان در هرجایی قرار داد و اصل تخم گیاه است آیا قصد مردان از زن گرفتن همانند قصد آنها در خریدن یک کشتزار باید باشد و هیچ کار دیگر زنان به جز تولید مثل نباید انجام دهند سوم اینکه از این آیه می توان فهمید زن جزو املاک و اموال مرد محسوب می شود و چهارم اینکه در این آیه مرد را آزاد گذاشته است هر گونه با زن بخواهد رفتار جنسی انجام دهد مانند رساله آقای خمینی که در آن عمل جنسی را از پشت زن مجاز اعلام کرده بود

وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ ثَلاَثَةَ قُرُوَءٍ وَلاَ يَحِلُّ لَهُنَّ أَن يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِن كُنَّ يُؤْمِنَّ بِاللّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُواْ إِصْلاَحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللّهُ عَزِيزٌ حَكُيمٌ (۲۲۸)

و زنان طلاق داده شده باید مدت سه پاکی انتظار کشند و اگر به الله و روز بازپسین ایمان دارند برای آنان روا نیست که آنچه را الله در رحم آنان آفریده پوشیده دارند و شوهرانشان اگر سر آشتی دارند به بازآوردن آنان در این [مدت] سزاوارترند و مانند همان که بر عهده زنان است به طور شایسته به نفع آنان است و مردان بر آنان درجه برتری دارند و الله توانا و حکیم است (۲۲۸)

در این آیه هم به وضوح مردان را برتر از زنان اعلام کرده است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيْنٍ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَّيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلاَ يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللّهَ رَبَّهُ وَلاَ يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإن كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لاَ يَسْتَطِيعُ أَن يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُواْ شَهِيدَيْنِ من رِّجَالِكُمْ فَإِن لَّمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاء أَن تَضِلَّ إْحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الأُخْرَى وَلاَ يَأْبَ الشُّهَدَاء إِذَا مَا دُعُواْ وَلاَ تَسْأَمُوْاْ أَن تَكْتُبُوْهُ صَغِيرًا أَو كَبِيرًا إِلَى أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِندَ اللّهِ وَأَقْومُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَى أَلاَّ تَرْتَابُواْ إِلاَّ أَن تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلاَّ تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوْاْ إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلاَ يُضَآرَّ كَاتِبٌ وَلاَ شَهِيدٌ وَإِن تَفْعَلُواْ فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُواْ اللّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللّهُ وَاللّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۲۸۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه به وامی تا سررسیدی معین، با یکدیگر معامله کردید، آن را بنویسید. و باید نویسنده‌ای (صورت معامله را) بر اساس عدالت، میان شما بنویسد. و هیچ نویسنده‌ای نباید از نوشتن خودداری کند؛ همان گونه (و به شکرانه آن) که الله او را آموزش داده است. و کسی که بدهکار است باید املا کند، و او (=نویسنده) بنویسد. و از الله که الله اوست پروا نماید، و از آن، چیزی نکاهد. پس اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیه یا ناتوان است، یا خود نمی‌تواند املا کند، پس ولیّ او باید با (رعایت) عدالت، املا نماید. و دو شاهد از مردانتان را به شهادت طلبید، پس اگر دو مرد نبودند، مردی را با دو زن، از میان گواهانی که (به عدالت آنان) رضایت دارید (گواه بگیرید)، تا (اگر) یکی از آن دو (زن) فراموش کرد، (زن) دیگر، وی را یادآوری کند. و چون گواهان احضار شوند، نباید خودداری ورزند. و از نوشتن (بدهی) چه خرد باشد یا بزرگ، ملول نشوید، تا سررسیدش (فرا رسد). این (نوشتن) شما، نزد الله عادلانه‌تر، و برای شهادت استوارتر، و برای اینکه دچار شك نشوید (به احتیاط) نزدیکتر است، مگر آنکه داد و ستدی نقدی باشد که آن را میان خود (دست به دست) برگزار می‌کنید؛ در این صورت، بر شما گناهی نیست که آن را ننویسید. و (در هر حال) هر گاه داد و ستد کردید گواه بگیرید. و هیچ نویسنده و گواهی نباید زیان ببیند، و اگر چنین کنید، از نافرمانی شما خواهد بود. و از الله پروا کنید، و الله (بدین گونه) به شما آموزش می‌دهد، و الله به هر چیزی داناست. (۲۸۲)

در آیه بالا هم که شرایط معامله آموزش داده شده است شهادت دو زن را با یک مرد برابر دانسته است و حتی فکر اینکه مردان شرایط معامله را فراموش کنند به ذهن الله خطور نکرده است و گفته شده است اگر یکی از دو زن فراموش کردند آن یکی به یاد آورد آیا زنان فراموشکارند آیا زنان ابله هستند آیا این راه صحبت کردن در مورد زنان که مخلوق آفریدگار دانا هستند برای الله که به خود نسبت آفریدگار داده صحیح است

سوره ۴: النساء

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُواْ رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالاً كَثِيرًا وَنِسَاء وَاتَّقُواْ اللّهَ الَّذِي تَسَاءلُونَ بِهِ وَالأَرْحَامَ إِنَّ اللّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا (١)

ای مردم از الله که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد پروا دارید و از الله که به [نام] او از همدیگر درخواست می‌کنید پروا نمایید و زنهار از خویشاوندان مبرید که الله همواره بر شما نگهبان است (١)

در این آیه هم گفته شده است که جفت مرد که زن باشد از او آفریده شده است و همه از مرد آفریده شده اند و شاید شما هم شنیده باشید که گفته می شود زن از دنده چپ مرد آفریده شده باشد که حتی اگر ابلهانه این نظریه را قبول کنیم بازهم نمی توان قبول کرد مرد به زن که جزوی از بدن اوست اینقدر ظلم کند.

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلاَّ تُقْسِطُواْ فِي الْيَتَامَى فَانكِحُواْ مَا طَابَ لَكُم مِّنَ النِّسَاء مَثْنَى وَثُلاَثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلاَّ تَعْدِلُواْ فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَى أَلاَّ تَعُولُواْ (٣)

و اگر در اجرای عدالت میان دختران یتیم بیمناکید هر چه از زنان [دیگر] که شما را پسند افتاد دو دو سه سه چهار چهار به زنی گیرید پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید به يك [زن آزاد] یا به آنچه [از کنیزان] مالك شده‌اید [اكتفا كنيد] اين [خودداری] نزدیکتر است تا به ستم گرایید [و بیهوده عیال‌وار گردید] (٣)

در این آیه هم مردان می توان جهت بر قرار کردن عدالت بین دختران یتیم هر کدام از آنها را پسند کردند بگیرند و مانند خروس دو تا سه یا چهارتا هم برایشان اشکالی ندارد البته قابل گفتن می دانم که این محدودیت چهارتا مربوط به زن عقدی برای مرد می شود و در کنیز و صیغه (متعه) این محدودیت وجود ندارد واقعا به نظر شما عدالت است آیا آن حس تعصبی که مردان نسبت به همسرشان دارند که حتی حاضر نیستند یک مرد آنها را با شهـــــوت نگاه کند را زنان اصلا ندارند آیا زنان انسان نیستند و شوهرشان را برای فقط خودشان نمی خواهند. آیا راه برقرار کردن عدالت و نخوردن مال دختر یتیم به صورت حرام همان کلاه شرعی ازدواج با او معرفی شده است مثال خروس را برای این آوردم که به یک زن راجع به بی عدالتی در مورد ازدواج مردان گفتم پاسخ داد چطور خروس می تواند ولی انسان نتواند. یک اینکه خروس در روز می تواند با مرغها صدها بار رابطه داشته باشد ولی انسان نمی تواند بیش از یکی دو بار آنهم به زور تقویتی رابطه داشته باشد دوم اینکه ما انسانیم و خروس حیوان سوم اینکه در طبیعت جنس نر هر حیوانی کشته می شود جهت استفاده از گوشت آن و جنس ماده هر حیوانی نگهداری می شود جهت تخم یا شیر آن بنابراین جنس نر کمتر از جنس ماده است و هر نر باید با چندین ماده باشد.

يُوصِيكُمُ اللّهُ فِي أَوْلاَدِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الأُنثَيَيْنِ فَإِن كُنَّ نِسَاء فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِن لَّمْ يَكُن لَّهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِن كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلأُمِّهِ السُّدُسُ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَآؤُكُمْ وَأَبناؤُكُمْ لاَ تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعاً فَرِيضَةً مِّنَ اللّهِ إِنَّ اللّهَ كَانَ عَلِيما حَكِيمًا (١١)

الله به شما در باره فرزندانتان سفارش می‌کند سهم پسر چون سهم دو دختر است و اگر [همه ورثه] دختر [و] از دو تن بیشتر باشند سهم آنان دو سوم ماترك است و اگر [دختری که ارث می‌برد] یکی باشد نیمی از میراث از آن اوست و برای هر يك از پدر و مادر وی [=متوفی] يك ششم از ماترك [مقرر شده] است این در صورتی

است که [متوفی] فرزندی داشته باشد ولی اگر فرزندی نداشته باشد و [تنها] پدر و مادرش از او ارث برند برای مادرش يك سوم است [و بقیه را پدر می‌برد] و اگر او برادرانی داشته باشد مادرش يك ششم می‌برد [البته همه اینها] پس از انجام وصیتی است که او بدان سفارش کرده یا د ینی [که باید استثنا شود] شما نمی دانید پدران و فرزندانتان کدام يك برای شما سودمندترند [این] فرضی است از جانب الله زیرا الله دانای حکیم است (۱۱)

این هم از دستور الله راجع به ارث دختر در اینجا هم دو دختر با یک پسر برابر قرار داده شده است شما بگویید عدالت من نمی گویم ارث فرزند هم که به مادر که نه ماه در شکم او را نگهداشته است و دو سال هم بی خوابی کشیده است و به او از شیره جان خود نوشانده است و او را تربیت کرده است یک سوم مال است و دو سوم بقیه را پدری می برد که شاید در یک شب فقط برای لذت خود پدر او شده البته قصد من تحقیر پدران نیست فقط قصدم نشان دادن زحمات یک مادر می باشد.

وَاللاَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِن نِّسَآئِكُمْ فَاسْتَشْهِدُواْ عَلَيْهِنَّ أَرْبَعةً مِّنكُمْ فَإِن شَهِدُواْ فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىَ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللّهُ لَهُنَّ سَبِيلاً (۱۵)

و از زنان شما کسانی که مرتکب زنا می‌شوند چهار تن از میان خود [مسلمانان] بر آنان گواه گیرید پس اگر شهادت دادند آنان [=زنان] را در خانه‌ها نگاه دارید تا مرگشان فرا رسد یا الله راهی برای آنان قرار دهد (۱۵)

شاید با خود بگویید این دیگر حقش است ولی اگر مرد به زنش خیانت کند هم آیا باید زندانی شود من در اینجا حرفی از حقوق بشر نمی زنم فقط می خواهم عدالت بین مرد و زن را مقایسه کنم همانطور که خودتان می بینید در این آیه کوچکترین اشاره ای به مرد خیانتکار نشده است همانطور که خودتان به خوبی می دانید خیانت در مردان به مراتب بالاتر از خیانت در زنان است.

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاء بِمَا فَضَّلَ اللّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنفَقُواْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللّهُ وَاللاَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلاَ تَبْغُواْ عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً إِنَّ اللّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا (۳۴)

مردان سرپرست زنانند به دلیل آنکه الله برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند پس زنان درستکار فرمانبردارند [و] به پاس آنچه الله [برای آنان] حفظ کرده اسرار [شوهران خود] را حفظ می‌کنند و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاه‌ها از ایشان دوری کنید و [اگر تاثیر نکرد] آنان را بزنید پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آنها هیچ راهی [برای سرزنش] مجویید که الله والای بزرگ است (۳۴)

بر طبق این آیه مردان سرپرست و فرمانروا زنان هستند دلیل آن هم برتری است که الله به آنها داده است زن درستکار زنی است که از شوهرش بی چون و چرا اطاعت کند اگر مرد بیم داشت که زنش نافرمانی کند (دقت کنید بیم داشت نه اینکه زن از مرد اطاعت نکند) پندش بدهد اگر اطاعت نکرد چون مرد گوهر گرانبهایی است از ایشان دوری کند تا تنبیه بشود و باز هم اگر فایده نداشت زن را بزند شرط اینکه دیگر او را نزند هم این است که از مرد اطاعت کند زن حتی حق ندارد بدون اجازه شوهرش به دیدن پدر مادرش که یک عمر برای او زحمت کشیده اند برود و یا در را بر روی آنها باز کند حکم الله پیروی بی چون چرا از مرد است مگر اینکه مرد الله را قبول نداشته باشد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ لاَ تَقْرَبُواْ الصَّلاَةَ وَأَنتُمْ سُكَارَى حَتَّىَ تَعْلَمُواْ مَا تَقُولُونَ وَلاَ جُنُبًا إِلاَّ عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىَ تَغْتَسِلُواْ وَإِن كُنتُم مَّرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاء أَحَدٌ مِّنكُم مِّن الْغَآئِطِ أَوْ لاَمَسْتُمُ النِّسَاء فَلَمْ تَجِدُواْ مَاء فَتَيَمَّمُواْ صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُواْ بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا (٤٣)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حال مستی به نماز نزدیك نشوید تا زمانی که بدانید چه می‌گویید و [نیز] در حال جنابت [وارد نماز نشوید] مگر اینکه راهگذر باشید تا غسل کنید و اگر بیمارید یا در سفرید یا یکی از شما از قضای حاجت آمد یا زنان را لمس کرده‌اید و آب نیافته‌اید پس بر خاکی پاك تیمم کنید و صورت و دستهایتان را مسح نمایید که الله بخشنده و آمرزنده است (٤٣)

ببینید در این آیه قضای حاجت (مدفوع کردن) با لمس کردن زنان در یک رده آمده است و این لمس کردن ربطی به عمل جنسی ندارد زیرا قبل از آن جنابت ذکر شده است و فقط همان بازی با زنان می باشد که با قضای حاجت در یک رده قرار داده شده است. چیزی هم در مورد زنانی که مرد را لمس کرده اند گفته نشده چون مردان پاک هستند و لمس آنان موجب تیمم یا وضوء دوباره نمی شود.

وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاء قُلِ اللّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاء الَّلاتِي لاَ تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَن تَنكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَن تَقُومُواْ لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُواْ مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا (١٢٧)

و در باره آنان رای تو را می‌پرسند بگو الله در باره آنان به شما فتوا می‌دهد و [نیز] در باره آنچه در قرآن بر شما تلاوت می‌شود در مورد زنان یتیمی که حق مقرر آنان را به ایشان نمی‌دهید و تمایل به ازدواج با آنان دارید و [در باره] کودکان ناتوان و اینکه با یتیمان [چگونه] به داد رفتار کنید [پاسخگر شماست] و هر کار نیکی انجام دهید قطعا الله به آن داناست (١٢٧)

در این آیه هم راه خوردن مال زنان یتیم به مردان معرفی شده است.

سوره ١٢: یوسف

فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِن دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِن كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ (٢٨)

پس چون [شوهرش] دید پیراهن او از پشت چاك خورده است گفت بی‌شك این از نیرنگ شما [زنان] است که نیرنگ شما [زنان] بزرگ است (٢٨)

در این آیه شاید مفسران عزیز بگویند منظور الله از نیرنگ شما زنان نیرنگ زن عزیز مصر بوده است ولی نه جانم اگر اینگونه بود الله شما که توانا به هر کاری است در جمله بندی اشتباه نمی کرد و می گفت این از نیرنگ تو است که نیرنگ تو بزرگ است آری در این آیه زنان نیرنگ باز معرفی شده اند.

سوره ١٧: الإسراء

أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلآئِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلاً عَظِيمًا (٤٠)

آیا [پنداشتید که] الله شما را به [داشتن] پسران برتری داده و خود از فرشتگان دخترانی برگرفته استحقا که شما سخنی بس بزرگ می‌گویید (۴۰)

همانطور که مفهوم آیه بالا مشخص است گفته شده است شما را به داشتن پسران برتری داده است بله الله داشتن پسر را برتری دانسته است باز هم زنان عزیز باید پروردگار را سپاس بگویند که محمد پسرانش مردند و فقط دختر داشت اگر نه این سیر صعودی مردان در آیات قرآن خیلی بالاتر می رفت.

سوره ۳۳: الأحزاب

يَا نِسَاء النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاء إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا (۳۲) وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (۳۳)

ای همسران پیامبر شما مانند هیچ یك از زنان [دیگر] نیستید اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گویید (۳۲) و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهای خود را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و الله و فرستاده‌اش را فرمان برید الله فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاك و پاکیزه گرداند (۳۳)

زنان محمد هم که به نظر من بیچاره ترین زنان دنیا بوده اند زیرا حق ازدواج بعد از محمد را ندارند حتی اگر مانند عایشه در سن هجده سالگی باشند نوبت زناشویی آنها هم رعایت نمی شود و مابقی زنان باید نوبت خود را به زنان زیبا رویی مانند عایشه و زینب ببخشند حق در خواست نفقه بیشتر را هم ندارند تازه در این آیات حق ناز سخن گفتن (زنانه حرف زدن) را هم ندارند و به گفته های فراوان باید انگشتشان را در دهانشان کنند تا صدایشان کلفت شود حق بیرون رفتن از خانه را هم ندارند زینتهای خودشان را هم حق نشان دادن ندارند. این هم از عدالت در مورد زنان محمد.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاء الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَن يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۵۹)

ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو پوششهای خود را بر خود فروتر گیرند این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است و الله آمرزنده مهربان است (۵۹)

این هم از وضعیت پوشش زنان که باید طبق این آیه خود را گونی پیچ کنند تا شناخته شوند در حالی که مردان محدودیتی از نظر پوشش طبق قرآن ندارند.

سوره ۶۵ :الطلاق

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنتُم مِّن وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِن كُنَّ أُولَاتِ حَمْلٍ فَأَنفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُم بِمَعْرُوفٍ وَإِن تَعَاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُ أُخْرَى (۶)

همانجا که [خود] سکونت دارید به قدر استطاعت‌خویش آنان را جای دهید و به آنها آسیب [و زیان] مرسانید تا عرصه را بر آنان تنگ کنید و اگر باردارند خرجشان را بدهید تا وضع حمل کنند و اگر برای شما [بچه] شیر

می‌دهند مزدشان را به ایشان بدهید و به شایستگی میان خود به مشورت پردازید و اگر کارتان [در این مورد] با هم به دشواری کشید [زن] دیگری [بچه را] شیر دهد (۶)

شاید زنان عزیز با خواندن آیه بالا خوشحال شوند که حقی برای آنها در مقابل شیر دادن پس از طلاق الله قائل شده است قافل از آنکه در آیه به طور سر بسته و قابل استناد پدر را صاحب بچه اعلام کرده است و همچنین این حق را به پدر داده است که اگر با مادر اختلاف داشت مادر را از شیر دادن به فرزند خود محروم کند.

شاید خیلی از شما شنیده باشید محمد به زن بها داد زنها را از زنده به گور شدن نجات داد ولی بدانید که زن قبل از اسلام در عربستان بهای بالاتری داشت می دانید که در اسلام زنان خانه نشین شدند درمورد قبل از اسلام خوب است به دانسته های خودتان مراجعه کنید خدیجه زن محمد یکی از موفق ترین تاجرهای آن زمان بود که حتی خود شوهر خود را انتخاب کرد هند جگر خوار یکی از زنان جنگجوی آن زمان بود در زمان محمد زنی در یکی از قبایل عربستان ادعای پیامبری کرد و همه قبیله پیرو او شدند در ضمن زنده به گور کردن دختران را هم که در بخش کنیز و برده توضیح دادم پوشش اینچنینی که محمد برای زنان معرفی کرد در عربستان وجود نداشته است همانطور که در سوره احزاب آیه ۳۲ و ۳۳ نیز الله گفته است دیگر زنان آزادی دوران جاهلیت خود را ندارند البته اگر بخواهم به حدیثها نیز استناد کنم می بینید که هیچ حقوقی برای زن در اسلام در نظر گرفته نشده است به جز مهریه که کاری جز اینکه بزرگی زن را زیر سوال ببرد و زن را تبدیل به یک کالای قابل خرید و فروش کند چیز دیگری ندارد.

عدالت الله

برابری انسانها

اگر قرآن از زبان آفریدگار باشد باید عدالت را در مورد انسانها در آن برقرار کرده باشد

سوره ۲: البقرة

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُواْ نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۴۷)

ای فرزندان اسرائیل از نعمتهایم که بر شما ارزانی داشتم و [از] اینکه من شما را بر جهانیان برتری دادم یاد کنید (۴۷)

اولین مورد این است که الله در بسیاری از آیه های قرآن گفته است فرزندان اسرائیل را بر جهانیان برتری دادیم آیا به نظر شما این عدالت است آیا الله نژاد پرست است خوب این گفته چه فرقی با گفته هیتلر دارد که گفت نژاد آریایی برتر از همه نژادها است دست کم هیلتر چند توجیح هم برای حرف خود داشت از جمله اینکه نژاد آریایی باهوشتر از بقیه نژادها است یا اینکه از نظر ظاهری نژاد آریایی سفید و قد بلند هستند البته اشتباه نشود من به هیچ عنوان حرفهای هیتلر را قبول ندارم در بین سایر نژادها هم افراد بسیار باهوش یافت می شود و قد بلند بودن و سفید بودن نشانه برتری یک انسان نیست از نظر من همه انسانها برابر هستند و باید با صلح و دوستی باهم زندگی کنند.

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِّنْهُم مَّن كَلَّمَ اللّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاء اللّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِن بَعْدِهِم مِّن بَعْدِ مَا جَاءتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنِ اخْتَلَفُواْ فَمِنْهُم مَّنْ آمَنَ وَمِنْهُم مَّن كَفَرَ وَلَوْ شَاء اللّهُ مَا اقْتَتَلُواْ وَلَكِنَّ اللّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ (۲۵۳)

برخی از آن پیامبران را بر برخی دیگر برتری بخشیدیم از آنان کسی بود که الله با او سخن گفت و درجات بعضی از آنان را بالا برد و به عیسی پسر مریم دلایل آشکار دادیم و او را به وسیله روح القدس تایید کردیم و اگر الله می‌خواست کسانی که پس از آنان بودند بعد از آن [همه] دلایل روشن که برایشان آمد به کشتار یکدیگر نمی‌پرداختند ولی با هم اختلاف کردند پس بعضی از آنان کسانی بودند که ایمان آوردند و بعضی از آنان کسانی بودند که کفر ورزیدند و اگر الله می‌خواست با یکدیگر جنگ نمی‌کردند ولی الله آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد (۲۵۳)

ببینید الله حتی بین پیامبرانش هم عدالت را برقرار نکرده است و گفته ما بعضی را بر بعضی برتری دادیم البته من به امتیازات پیامبرانش بر مردم کاری ندارم و امتیازات محمد را در بخشهای قبلی توضیح داده ام

سوره ۳: آل عمران

إِنَّ اللّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ (۳۳)

به يقين الله آدم و نوح و خاندان ابراهيم و خاندان عمران را بر مردم جهان برترى داده است (۳۳)

باز هم در این آیه سخن از برتری خاندان ابراهیم که مردم عربستان هستند و خاندان عمران که بنی اسرائیل هستند آمده است آیا این عدالت است آیا الله آفریدگار است اگر آفریدگار است این سخنان از اوست و اگر این سخنان از اوست آیا الله نژاد پرست می باشد و مابقی نژادهای انسان را پست آفریده است آیا این پست آفریدن نشانه نقص در دستگاه الله نمی باشد ولی آفریده زیر سوال برود آفریدگار زیر سوال می رود نه من نمی توانم قبول کنم آفریدگار در کارش نقص داشته است و هم نمی توانم قبول کنم آفریدگار ناعادل است و نخواهم پذیرفت که قرآن از سوی آفریدگار می باشد

سوره ۵: المائدة

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاء اللّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُم بَلْ أَنتُم بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاء وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاء وَلِلّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۱۸)

و يهودان و ترسايان گفتند ما پسران الله و دوستان او هستيم بگو پس چرا شما را به [كيفر] گناهانتان عذاب مى‏كند دنه] بلكه شما [هم] بشريد از جمله كسانى كه آفريده است هر كه را بخواهد مى‏آمرزد و هر كه را بخواهد عذاب مى‏كند و فرمانروايى آسمانها و زمين و آنچه ميان آن دو مى‏باشد از آن الله است و بازگشت [همه] به سوى اوست (۱۸)

در آیه بالا حرفی از استحقاق یک نفر برای عذاب یا پاداش نیامده سخن از خواست الله است مثل اینکه بگوییم فلان شخص قاضی خوبی است هرکه را بخواهد حکم اعدام می دهد و هرکه را بخواهد آزاد می کند این درست نیست یک قاضی خوب کسی است که عدالت را رعایت کند و هرکس را به حق خود برساند در خیلی از آیه ها می خوانیم اگر به طور مثال روز قیامت را انکار کنید اعمالتان باطل می شود یا اگر حرف محمد را گوش نکنید اعمالتان باطل می گردد پس تکلیف کارهای خوبی که ما کرده ایم چه می شود فقط به خاطر یک انکار یا یک نافرمانی باید باطل شوند آیا این عدالت است به عنوان مثال کارگری صبح تا شب برای کارفرما خود کار کند ولی بگوید من شک دارم او مزد مرا بدهد آیا در قبال همین شک کارفرما اگر دستمزد او را ندهد عدالت است. گناه کسانی که در زمان محمد بوده اند چه بوده است که باید در اثر نافرمانی از او اعمالشان محو شود من که عدالتی در این مورد نمی بینم

سوره ۱۶: النحل

وَاللّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُواْ بِرَآدِّي رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاء أَفَبِنِعْمَةِ اللّهِ يَجْحَدُونَ (۷۱)

و الله بعضى از شما را در روزى بر بعضى ديگر برترى داده است و[لى] كسانى كه فزونى يافته‏اند روزى خود را به بندگان خود نمى‏دهند تا در آن با هم مساوى باشند آيا باز نعمت‏الله را انكار مى‏كنند (۷۱)

در آیه بالا هم کاری را که خود الله نکرده انتظار دارد بندگان انجام دهند یعنی الله به بعضی از انسانها روزی فروان می دهد و به بعضی روزی کم آن وقت از بندگان انتظار دارد آنها با بخشش مال خود برابری را ایجاد کنند آیا این عدالت است.

سوره ۱۷: الإسراء

وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا (۵۵)

و الله تو به هر که [و هر چه] در آسمانها و زمین است داناتر است و در حقیقت بعضی از انبیا را بر بعضی برتری بخشیدیم و به داوود زبور دادیم (۵۵)

در اینجا می بینید که الله در بین پیامبران خود هم عدالت را برقرار نکرده است و بعضی را بر بعضی برتری داده است

سوره ۳۳: الأحزاب

يَا نِسَاء النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۳۰)

ای همسران پیامبر هر کس از شما مبادرت به کار زشت آشکاری کند عذابش دو چندان خواهد بود و این بر الله همواره آسان است (۳۰)

در آیه بالا عذاب همسران محمد را دو برابر افراد عادی اعلام شده است یک اینکه می دانیم محمد معصوم نبوده است و دو اینکه زنان او هم به هیچ عنوان معصوم نبوده اند حتی آیه بالا هم دلالت بر عدم معصومیت آنها دارد سه اینکه زن محمد بودن امتیاز خاصی ندارد چرا که محمد دارای چندین زن بوده است و در ضمن ملزم به رعایت نوبت در بین آنها هم نبوده است همانطور که در بخشهای قبلی آیات مربوط به آن را آورده ام و زنان محمد اجازه طلب نفقه بیشتر را هم نداشته اند در ضمن بعد از مرگ او هم حق ازدواج را نداشته اند پس به چه امتیازی باید عذاب آنها دو برابر افراد عادی باشد آیا این عدالت بین انسانها است آیا زنان محمد گناه کرده اند که زن او شده اند.

وَمَن يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُّؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا (۳۱)

و هر کس از شما الله و فرستاده‌اش را فرمان برد و کار شایسته کند پاداشش را دو چندان می‌دهیم و برایش روزی نیکو فراهم خواهیم ساخت (۳۱)

آیه بالا هم که درباره زنان محمد است پاداش آنها را در برابر فرمان بردن از محمد و بعد انجام کارهای خوب دو برابر دانسته است یک اینکه قرآن که می گویند برای همه زمانها آمده است چرا باید آیات زیادی از آن به خصوص آیات سوره های احزاب , نساء , نور و محمد صرف حل کردن مشکلات محمد با زنانش شود دوم اینکه چرا باید پاداش زنان محمد دو برابر بقیه مردم باشد. زن پیامبر هستند که باشند. چرا نباید عدالت در مورد آنها رعایت شود بعد هم این مزایا که الله به زنان محمد داده است آیا به نفع امت مسلمان بوده است یا اینکه منافع محمد در آنها در نظر گرفته شده است.

سوره ۴۳: الزخرف

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُم مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُم بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ (۳۲)

آیا آنانند که رحمت الله را تقسیم می‌کنند ما [وسایل] معاش آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم و برخی از آنان را از [نظر] درجات بالاتر از بعضی [دیگر] قرار داده‌ایم تا بعضی از آنها بعضی [دیگر] را در خدمت گیرند و رحمت الله تو از آنچه آنان می‌اندوزند بهتر است (۳۲)

در آیه بالا هم الله به استثمار طبقه محروم توسط طبقه مرفع مشروعیت بخشیده است و گفته است ما بعضی را بیشتر از بعضی رزق و روزی دادیم تا تنگدستان به خدمت پولدارها در آیند آیا این عدالت است آیا این سخنان می تواند حرف آفریدگار دانا باشد که به هر کس به اندازه سعی و تلاش او روزی داده است. این خود کامگی و خود خواهی که در آیات قرآن آمده است که حتی از یک انسان واقعی بعید است می تواند سخن آفریدگار هستی باشد.

الله مهربان

سوره ۲: البقرة

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُواْ إِلَى بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُواْ أَنفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِندَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۵۴)

و چون موسی به قوم خود گفت ای قوم من شما با [به پرستش] گرفتن گوساله برخود ستم کردید پس به درگاه آفریننده خود توبه کنید و [خطاکاران] خودتان را به قتل برسانید که این [کار] نزد الله برای شما بهتر است پس [الله] توبه شما را پذیرفت که او توبه‌پذیر مهربان است (۵۴)

در آیه بالا الله از قوم موسی خواسته که خودشان را بکشند اگر با توجه به کلمه ای که مترجم اضافه کرده است آنها خطا کار باشند باز هم آدم کشی کار شایسته ای نیست و از الله که ادعای مهربان بودن دارد چنین درخواستی بعید است اینکه انسانها همدیگر را بکشند قلبهایشان پر از نفرت می شود و تعادل روانی آنها به هم میریزد بهتر نبود اگر الله میخواست آنها بمیرند خودش آنها را بوسیله عزرائیل که در درگاه الله کارش همین است بکشد این کار را آفریدگاری که من می شناسم هیچگاه درخواست نمی کند. آیا شایسته مقامی مانند پروردگار است کسانی را که غیر او را پرستیده اند به قتل برساند آیا این مهربانی است آیا یک پدر اگر پسرش از روی نادانی او را پدر نخواند دستور قتل او را صادر می کند حال اینکه یک پدر انسان است و به قولی خطاکار و هیچگاه به مهربانی پروردگار نیست

سوره ۳: آل عمران

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُواْ بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ ازْدَادُواْ كُفْرًا لَّن تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُوْلَئِكَ هُمُ الضَّآلُّونَ (۹۰)

کسانی که پس از ایمان خود کافر شدند سپس بر کفر [خود] افزودند هرگز توبه آنان پذیرفته نخواهد شد و آنان خود گمراهانند (۹۰)

وَلاَ يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُواْ أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُواْ إِثْمًا وَلَهْمُ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۱۷۸)

و البته نباید کسانی که کافر شده‌اند تصور کنند اینکه به ایشان مهلت می‌دهیم برای آنان نیکوست ما فقط به ایشان مهلت می‌دهیم تا بر گناه [خود] بیفزایند و [آنگاه] عذابی خفت‌آور خواهند داشت (۱۷۸)

در آیه ۹۰ آل عمران حرفی از آن بخشش الله نیست گفته شده است توبه پذیرفته نمی شود آیا این از الله که ادعای مهربان بودن دارد به دور نیست

و در آیه ۱۷۸ آل عمران می گوید ما به کفار مهلت می دهیم تا بر گناه خود بیافزایند و آنگاه عذابی خفت آور خواهند داشت آیا این گونه رفتار در خور الله است آیا در خور الله است که کسی را مهلت بدهد تا اینکه او را بیشتر عذاب کند این رفتار جای بسیار فکر کردن دارد شما به یک روانشناس مراجعه کنید بگویید من می گذارم فرزندم وقتی خطایی مرد آنرا بازهم تکرار کند و ناگهان بر سر او خراب می شوم و بابت تمام تکرارها او را تنبیه می کنم ببینید روانشناس در مورد شما چه قضاوتی میکند من که این رفتار را در خور پروردگار خود نمیبینم.

سوره ۵: المائدة

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُواْ أَيْدِيَهُمَا جَزَاء بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِّنَ اللّهِ وَاللّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۳۸)

و مرد و زن دزد را به سزای آنچه کرده‌اند دستشان را به عنوان کیفری از جانب الله ببرید و الله توانا و حکیم است (۳۸)

این هم یک حکم از طرف الله که در هر دادگاه انسانی محکوم است یک نفر دزدی می کند و بعد حاکم شرع بر اساس این آیه دست او را قطع می کند آیا این انسان دیگر می تواند در جامعه زندگی کند این داغ ننگی است که تا آخر عمر بر پیشانی او می ماند حال شاید آن دزد از روی احتیاج این کار را کرده باشد و بعد از آن هم اگر بخواهد توبه کند در کجای دنیا می تواند کار کند یک اینکه از نظر بدنی معلول است دو اینکه از نظر روانی انسانی که یک عمر با تنی سالم زندگی کرده و بعد در اثر یک اشتباه معلول شده است نمیتواند خود را در جامعه جا بیاندازد سه اینکه اگر از شهر خود که هیچ از کشور خود هم بیرون برود این علامت دزد بودن همیشه با اوست و نمیتواند این علامت را از خود دور کند آیا این حکم میتواند از سوی آفریدگار جهان باشد خواهش میکنم تعصب خود را به کنار بگذارید و خوب فکر کنید این حکم در خور انسان هم نیست چه برسد به اینکه در خور آفریدگار دانا باشد.

سوره ۶: الأنعام

وَلَقَدْ أَرْسَلنَآ إِلَى أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاء وَالضَّرَّاء لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ (۴۲)

و به یقین ما به سوی امتهایی که پیش از تو بودند [پیامبرانی] فرستادیم و آنان را به تنگی معیشت و بیماری دچار ساختیم تا به زاری و خاکساری درآیند (۴۲)

فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُواْ بِمَا أُوتُواْ أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُم مُّبْلِسُونَ (۴۴)

پس چون آنچه را که بدان پند داده شده بودند فراموش کردند درهای هر چیزی [از نعمتها] را بر آنان گشودیم تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند شاد گردیدند ناگهان [گریبان] آنان را گرفتیم و یکباره نومید شدند (۴۴)

آیات بالا را خودتان خوب بخوانید چند بار مرور کنید آفریدگار خود را در ذهنتان تداعی کنید البته آن آریدگاری را که محمد برای شما ترسیم کرده نه بلکه آنگونه که خودتان در مورد آفریدگار فکر می کنید آیا این کارها که در بالا با افتخار شرح داده شده است در خور آفریدگار است. اگر منصفانه فکر کنید و تعصب را به کنار بگذارید نمیتواند این اعمال از سوی آفریدگار باشد پس میتوان گفت قرآن از سوی آفریدگار نیست.

سوره ۷: الأعراف

وَإِذْ أَنجَيْنَاكُم مِّنْ آلِ فِرْعَونَ يَسُومُونَكُمْ سُوَءَ الْعَذَابِ يُقَتِّلُونَ أَبْنَاءكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءكُمْ وَفِي ذَلِكُم بَلاء مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ (۱۴۱)

و [یاد کن] هنگامى را كه شما را از فرعونيان نجات داديم كه شما را سخت‌شكنجه مى‌كردند پسرانتان را مى‌كشتند و زنانتان را زنده باقى مى‌گذاشتند و در اين براى شما آزمايش بزرگى از جانب الله بود (۱۴۱)

من هم میگویم ای ایرانیان یاد کنید هزار و چهارصد سال پیش را هنگامی که اعراب مردانتان را می کشتند پسران جوان و زنانتان را زنده باقی می گذاشتند و به بازارهای برده داری عربستان می بردند و می فروختند تا خریدار هر عملی را با آنها انجام بدهد و از آنها به عنوان کنیز و برده استفاده کنند و در این آزمایشی از جانب پروردگارتان نبود بلکه بد بختی ای بود که اعراب بر سر شما آوردند چرا که پروردگار ما را با این سنگدلی آزمایش نمیکند.

سوره ۸: الأنفال

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلآئِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُواْ الَّذِينَ آمَنُواْ سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُواْ الرَّعْبَ فَاضْرِبُواْ فَوْقَ الأَعْنَاقِ وَاضْرِبُواْ مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ (۱۲)

هنگامى كه الله به فرشتگان وحى مى‌كرد كه من با شما هستم پس كسانى را كه ايمان آورده‌اند ثابت‌قدم بداريد به زودى در دل كافران وحشت‌خواهم افكند پس فراز گردنها را بزنيد و همه سرانگشتانشان را قلم كنيد (۱۲)

واقعا شما اگر فکر می کنید این احکام در مورد کافران از طرف پروردگار است سخت در مورد پروردگار بد فکر کرده اید و بروید از پروردگار عذر خواهی بکنید آیا آفریدگار به این سنگدلی است که چنین احکامی صادر کند خودتان آیه بالا را با دقت بخوانید کافران جرمشان چه بوده است که باید چنین وحشیانه مجازات شوند آیا الله که خود را آفریدگار معرفی کرده است نمیتواند خود جواب نافرمانی بندگان خود را بدهد که اینگونه انسانها را تحریک به قتل و خونریزی و بریدن دست و پای همنوعان خود میکند مگر در قرآن حرف از بهشت و جهنم نیامده است پس چرا الله کافران را در جهنم عذاب نمیکند به دست انسانها میخواهد عذابشان کند آنهم به جرم اینکه به محمد و الله ایمان نیاورده اند و آفریدگار دیگری برای خود فرض کرده اند

سوره ۹: التوبة

قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ اللّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ (۱۴)

با آنان بجنگيد الله آنان را به دست‌شما عذاب و رسوايشان مى‌كند و شما را بر ايشان پيروزى مى‌بخشد و دلهاى گروه مؤمنان را خنك مى‌گرداند (۱۴)

فَلاَ تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلاَ أَوْلاَدُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللّهُ لِيُعَذِّبَهُم بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ (۵۵)

اموال و فرزندانشان تو را به شگفت نياورد جز اين نيست كه الله مى‌خواهد در زندگى دنيا به وسيله اينها عذابشان كند و جانشان در حال كفر بيرون رود (۵۵)

در آیه ۱۴ هم که گفته شده کافران را به دست شما عذاب و رسوایشان می کنم نکند الله خود هم به جهنم خود اعتقادی نداشته است و سیلی نقد را به حلوای نسیه ترجیح داده است (ضرب المثل ایرانی)

در آیه ۵۵ هم اموال و فرزندان را برای کافران وسیله عذاب قرار داده است جناب الله پس مارهای جهنم توچه کاره هستند

سوره ۱۷: الإسراء

وَإِن مَّن قَرْيَةٍ إِلاَّ نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِك فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا (۵۸)

و هیچ شهری نیست مگر اینکه ما آن را پیش از روز رستاخیز به هلاکت می‌رسانیم یا آن را سخت عذاب می‌کنیم این [عقوبت] در کتاب [الهی] به قلم رفته است (۵۸)

الله مهربان به ما در آیه بالا مژده آبادانی داده است بله گفته است هیچ شهری نیست مگر اینکه قبل از رستاخیز آنها را سخت عذاب کنیم و مردم آنرا هلاک کنیم به نظر شما این الله همان آفریدگار است من که در الله مهربانی ندیدم شاید کسی بگوید من فقط به آیات عذاب مراجعه کرده ام بله همینطور است زیرا از کسی که ادعا دارد آفریدگار مهربان جهانیان است نامهربانی و سنگدلی به دور است اگر مهربانی کند که هنری نیست بعد هم به اندازه کافی فکر میکنم آخوندها از مهربانی الله تعریف کنند پس بگذارید کسی هم شما را به نگاهی دیگر برساند.

سوره ۱۸: الكهف

وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَى مَا أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا (۴۲)

[تا به او رسید آنچه را باید برسد] و [آفت آسمانی] میوه‌هایش را فرو گرفت پس برای [از كف دادن] آنچه در آن [باغ] هزینه کرده بود دستهایش را بر هم می‌زد در حالی که داربستهای آن فرو ریخته بود و [به حسرت] می‌گفت ای کاش هیچ کس را شریك الله نمی‌ساختم (۴۲)

در آیه بالا شخصی که کسی را شریک پروردگار کرده بود تمام میوه های باغش آفت آسمانی میگیرد آیا این از بین بردن حاصل یکسال زحمت یک کشاورز و از بین بردن روزی خانواده او در خور یک شخص که ادعای انسان بودن می کند است چه رسد به آنکه در خور آفریدگار باشد من که مهربانی در الله نمی بینم و به نظر من قرآن را از طرف آفریدگار دانستن اهانتی از به عقل و شعور انسانها و اهانتی بزرگتر به آفریدگار است.

سوره ۱۹: مريم

وَإِن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا (۷۱) ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوا وَّنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا (۷۲)

و هیچ کس از شما نیست مگر [اینکه] در آن (جهنم) وارد می‌گردد این [امر] همواره بر الله حکمی قطعی است (۷۱) آنگاه کسانی را که پرهیزگار بوده‌اند می‌رهانیم و ستمگران را به زانو درافتاده در [دوزخ] رها می‌کنیم (۷۲)

این هم چشمه دیگر از مهربانی الله همه را ابتدا به جهنم می برد سپس ستمکاران را در آن رها می کند و پرهیزکاران را از آن می رهاند من نمیدانم دیگر چرا پرهیزکاران باید طعم جهنم را بچشند آیا این کار سنگدلی است یا مهربانی.

سوره ۳۲: السجدة

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاس أَجْمَعِينَ (۱۳)

و اگر می‌خواستیم حتما به هر کسی هدایتش را می‌دادیم لیکن سخن من محقق گردیده که هر آینه جهنم را از همه جنیان و آدمیان خواهم آکند (۱۳)

در آیه بالا که سرشار از مهربانی الله است الله می فرماید که تصمیم گرفته جهنم را از انسان و جن پر کنم اگر نه هر کس را هدایت می کردیم پس مشکل اصلی زیر سر الله است و او می خواهد که ما به جهنم برویم این هم از مهربانی بی پایان اوست نه دوستان این الله آن آفریدگار نمی تواند باشد یا حداقل این سخنان از آفریدگار ما نیست.

سوره ۳۳: الأحزاب

لَئِن لَّمْ يَنتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا (۶۰) مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِّلُوا تَقْتِيلًا (۶۱)

اگر منافقان و کسانی که در دلهایشان مرضی هست و شایعه‌افکنان در مدینه [از کارشان] باز نایستند تو را سخت بر آنان مسلط می‌کنیم تا جز [مدتی] اندك در همسایگی تو نپایند (۶۰) از رحمت‌الله دور گردیده و هر کجا یافته شوند گرفته و سخت کشته خواهند شد (۶۱)

باز هم از الله مهربان احکام قتل و کشتار صادر می شود

سوره ۴۳: الزخرف

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (۷۴) لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ (۷۵)

بی‌گمان مجرمان در عذاب جهنم ماندگارند (۷۴) عذاب] از آنان تخفیف نمی‌یابد و آنها در آنجا نومیدند (۷۵)

وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُم مَّاكِثُونَ (۷۷)

و فریاد کشند ای مالك [بگو] الله جان ما را بستاند پاسخ دهد شما ماندگارید (۷۷)

خودتان مهربانی و بخشش الله را در آیه های بالا ملاحظه بفرمایید یک نفر انسان دست بالا صد سال عمر میکند و اگر هم در تمام لحظات عمر خود گناه کند به اندازه صد سال گناه کرده است و درخور صد سال عذاب است حال اینکه به روایاتهای مختلف هرلحظه عذاب در جهنم برابر صدها سال است پس چرا باید یک انسان در جهنم تا ابد ماندگار باشد و عذابش تخفیف نداشته باشد آیا به نظر شما الله مهربان است

سوره ۴۵: الجاثية

وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۸)

و هر امتی را به زانو در آمده می‌بینی هر امتی به سوی کارنامه خود فراخوانده می‌شود [و بدیشان می‌گویند] آنچه را می‌کردید امروز پاداش می‌یابید (۲۸)

خواننده عزیز مهربانی الله را نگاه کنید هر امت را به زانو در آمده می بینی این مهربانی است یا قدرت به رخ کشیدن

سوره ۴۷: محمد

فَإِذا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَثْخَنتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاء حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاء اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِن لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُم بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ (۴)

پس چون با کسانی که کفر ورزیده‌اند برخورد کنید گردنها[یشان] را بزنید تا چون آنان را [در کشتار] از پای درآوردید پس [اسیران را] استوار در بند کشید سپس یا [بر آنان] منت نهید [و آزادشان کنید] و یا فدیه [و عوض از ایشان بگیرید] تا در جنگ اسلحه بر زمین گذاشته شود این است [دستور الله] و اگر الله می‌خواست از ایشان انتقام می‌کشید ولی [فرمان پیکار داد] تا برخی از شما را به وسیله برخی [دیگر] بیازماید و کسانی که در راه الله کشته شده‌اند هرگز کارهایشان را ضایع نمی‌کند (۴)

اول ببینیم کافر چه کسی است؟ اگر علما گرامی بعد از خواندن این نوشته نظرشان عوض نشود طبق آن چیزی که من شنیده ام اگر کسی به الله یا محمد ایمان نیاورد کافر شمرده می شود و مشرک کسی است که برای الله شریک بیاورد

حال کسی که به الله ایمان نیاورده است الله دستور قتل آنها را به بدترین وجه داده است و بعد هم اسیر کردن آنها را دستور داده و گفته اگر آنها را خواستید منت بگذارید و آزاد کنید هم بابت آنها فدیه (پول) بگیرید. آیا شما در آیه بالا مهربانی از الله می بینید دستور قتل آفریده ای به دست یک آفریده دیگر رواج قتل و خونریزی آیا مهربانی الله را می رساند. آیا الله ادعا نکرده است که من آفریدگارم و آیا کافران آفریده او نیستند پس چرا اینقدر سنگدلی در مورد آنها به خرج می دهد

سوره ۵۱: الذاريات

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (۵۶)

و جن و انس را نيافريدم جز براى آنكه مرا بپرستند (۵۶)

ببينيد الله كه ادعا بی نياز بودن و مهربان بودن دارد می گويد من جن و انس را نيافريدم مگر برای پرستش خود آيا اين الله مهربان است آيا اين الله بی نياز است. به نظر من كه الله همان آفريدگار نيست بلكه خود آفريده دست محمد است.

سوره ۶۹: الحاقة

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ (۳۵) وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ (۳۶)

پس امروز او را در اينجا حمايتگرى نيست (۳۵) و خوراكى جز چركابه ندارد (۳۶)

الله مهربان در آن دنيا به كافران چركابه می خوراند آيا اين كار با اصل مهربانی در تناقض نيست آيا شما كه انسانيد حاضر هستيد به بدترين دشمنان خود چركابه بخورانيد.

سوره ۷۶: الإنسان

إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا (۱۰)

ما از الله از روز عبوسی سخت هراسناكيم (۱۰)

آيا الله كه روزی عبوس يعنی خشمناک می شود می تواند آفريدگار دانا و بی نياز همان مهربان بی همتا باشد

سوره ۹۰: البلد

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي كَبَدٍ (۴)

براستى كه انسان را در رنج آفريده‌ايم (۴)

الله مهربانی نهايت مهربانی را در اين آيه فاش كرده است بله او ادعا كرده كه ما را در رنج آفريده است

حال شايد بعضی از خوانندگان بگويند خوب گمراهان و گناه كاران حقشان است كه الله اين كارها را با آنها انجام دهد يک اينكه ما بحثمان در بالا مهربانی بود ما كه عدالت الله را ثابت كرده ايم دوم اينكه بخشنده و مهربان نبايد آفريده ها را به جان يكديگر بياندازد و اگر می خواهد تنبيه هم بكند بايد خود او اينكار را انجام دهد مانند اينكه ما دولت بگويد از اين به بعد هر كس جايی ديد گرانفروشی می شود گرانفروش را صد ضربه تازيانه بزند آيا اين قانون چيزی به جز هرج و مرج به بار می آورد.

اکنون که قرار است کافران و گنهکاران تنبیه شوند ببینیم از دید الله چرا آنها گمراه شده اند

الله گمراه کننده

سوره ۲: البقرة

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُواْ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لاَ يُؤْمِنُونَ (۶)خَتَمَ اللّهُ عَلَى قُلُوبِهمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عظِيمٌ (۷)

در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند چه بیمشان دهی چه بیمشان ندهی بر ایشان یکسان است [آنها] نخواهند گروید (۶)الله بر دلهای آنان و بر شنوایی ایشان مهر نهاده و بر دیدگانشان پرده‌ای است و آنان را عذابی دردناك است (۷)

در این آیه به وضوح گفته شده است که الله بر دلهای آنان و... مهر نهاده پس آنها گناهی ندارند که گمراه شده اند مثل این است که ما از یک نابینا انتظار داشته باشیم که رنگهای یک جعبه مداد رنگی را برای ما جدا کند چون نمیبیند نمیتواند و ماهم حق بازخواست از او را نداریم

فِي قُلُوبِهم مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللّهُ مَرَضاً وَلَهُم عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (۱۰)

در دلهایشان مرضی است و الله بر مرضشان افزود و به [سزای] آنچه به دروغ می گفتند عذابی دردناك [در پیش] خواهند داشت (۱۰)

همانطور که میبینید الله با تمام مهربانی خود بر مرض یا گناه کفار می افزاید

سوره ۴: النساء

فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِئَتَيْنِ وَاللّهُ أَرْكَسَهُم بِمَا كَسَبُواْ أَتُرِيدُونَ أَن تَهْدُواْ مَنْ أَضَلَّ اللّهُ وَمَن يُضْلِلِ اللّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ سَبِيلاً (۸۸)

شما را چه شده است که در باره منافقان دو دسته شده‌اید با اینکه الله آنان را به [سزای] آنچه انجام داده‌اند سرنگون کرده است آیا می‌خواهید کسی را که الله گمراهش کرده است به راه آورید و حال آنکه هر که را الله گمراه کند هرگز راهی برای [هدایت] او نخواهی یافت (۸۸)

در آیه بالا هم به وضوح میبینید که الله گفته است من منافقان را گمراه کرده ام و تازه دیگران را از راهنمایی آنها منع کرده و گفته کسی را که الله گمراه کند کسی نمیتواند راهنمایی کند همانند آنکه ما کسی را که باید از تهران به سمت مشهد برود به سمتی دیگر گمراه کنیم و بعد او را بازخواست کنیم که چرا مشهد نرفتی.

سوره ۵: المائدة

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لاَ يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُواْ آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هِادُواْ سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِن بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِن لَّمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُواْ وَمَن يُرِدِ اللّهُ فِتْنَتَهُ فَلَن تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللّهِ شَيْئًا أُوْلَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللّهُ أَن يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۴۱)

ای پیامبر کسانی که در کفر شتاب می‌ورزند تو را غمگین نسازند [چه] از آنانکه با زبان خود گفتند ایمان آوردیم و حال آنکه دلهایشان ایمان نیاورده بود و [چه] از یهودیان [آنان] که [به سخنان تو] گوش می‌سپارند [تا بهانه‌ای] برای تکذیب [تو بیابند] و برای گروهی دیگر که [خود] نزد تو نیامده‌اند خبرچینی [=جاسوسی] می‌کنند کلمات را از جاهای خود دگرگون می‌کنند [و] می‌گویند اگر این [حکم] به شما داده شد آن را بپذیرید و اگر آن به شما داده نشد پس دوری کنید و هر که را الله بخواهد به فتنه درافکند هرگز در برابر الله برای او از دست تو چیزی بر نمی‌آید اینانند که الله نخواسته دلهایشان را پاك گرداند در دنیا برای آنان رسوایی و در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود (۴۱)

در آیه بالا الله می گوید من نخواسته ام دلهای آنان پاک گردد و بعد هم آنها را وعده عذاب میدهد پس میتوان نتیجه گرفت یک اینکه الله در حق آفریده هایش مهربان نیست چرا که آنها را گمراه میکند دو اینکه عدالت ندارد زیرا کسانی را خودش گمراه می کند و بعد عذاب میدهد و سه اینکه الله گمراه کننده است

سوره ۶: الأنعام

وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِن يَرَوْاْ كُلَّ آيَةٍ لاَّ يُؤْمِنُواْ بِهَا حَتَّى إِذَا جَآؤُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُواْ إِنْ هَذَآ إِلاَّ أَسَاطِيرُ الأَوَّلِينَ (۲۵)

و برخی از آنان به تو گوش فرا می‌دهند و[لی] ما بر دلهایشان پرده‌ها افکنده‌ایم تا آن را نفهمند و در گوشهایشان سنگینی [قرار داده‌ایم] و اگر هر معجزه‌ای را ببینند به آن ایمان نمی‌آورند تا آنجا که وقتی نزد تو می‌آیند و با تو جدال می‌کنند کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند این [کتاب] چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست (۲۵)

در آیه بالا باز هم الله باعث شده است تا کافران راهنمایی نشوند پس بر آنها نمیتواند گناهی ثبت کند.

وَإِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَن تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاء فَتَأْتِيَهُم بِآيَةٍ وَلَوْ شَاء اللّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلاَ تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ (۳۵)

و اگر اعراض کردن آنان [از قرآن] بر تو گران است اگر می‌توانی نقبی در زمین یا نردبانی در آسمان بجویی تا معجزه‌ای [دیگر] برایشان بیاوری [پس چنین کن] و اگر الله می‌خواست قطعا آنان را بر هدایت گرد می‌آورد پس زنهار از نادانان مباش (۳۵)

باز هم در هدایت آفریدگان خواست الله شرط است و آنها اختیاری از خود ندارند پس همان الله است که از هدایت آنها جلوگیری کرده است و گمراه کننده آنها پس چرا باید آنها را به خاطر اعمالشان عذاب کند

وَالَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَن يَشَإِ اللّهُ يُضْلِلْهُ وَمَن يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۳۹)

و کسانی که آیات ما را دروغ پنداشتند در تاریکیها[ی کفر] کر و لالند هر که را الله بخواهد گمراهش می‌گذارد و هر که را بخواهد بر راه راست قرارش می‌دهد (۳۹)

در آیه بالا هم گفته شده است هر که را الله بخواهد هدایت میکند و هر که را بخواهد گمراه میکند.

وَلاَ تَسُبُّواْ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللّهِ فَيَسُبُّواْ اللّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِم مَّرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ (۱۰۸)

و آنهایی را که جز الله می‌خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی [و] به نادانی الله را دشنام خواهند داد این گونه برای هر امتی کردارشان را آراستیم آنگاه بازگشت آنان به سوی الله خواهد بود و ایشان را از آنچه انجام می‌دادند آگاه خواهد ساخت (۱۰۸)

ببنید در آیه بالا آمده است که الله برای گمراهان اعمالشان را خوب جلوه میدهد تا همچنان در گمراهی بمانند پس باز هم میتوان نتیجه گرفت که الله گمراه کننده است.

فَمَن يُرِدِ اللّهُ أَن يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلإِسْلاَمِ وَمَن يُرِدْ أَن يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاء كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ (۱۲۵)

پس کسی را که الله بخواهد هدایت نماید دلش را به پذیرش اسلام می‌گشاید و هر که را بخواهد گمراه کند دلش را سخت تنگ می‌گرداند چنانکه گویی به زحمت در آسمان بالا می‌رود این گونه الله پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد (۱۲۵)

این آیه هم گفته الله هر که را بخواهد گمراه کند دلش را سخت تنگ می کند

قُلْ فَلِلّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاء لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ (۱۴۹)

بگو برهان رسا ویژه الله است و اگر [الله] می‌خواست قطعا همه شما را هدایت می‌کرد (۱۴۹)

از این آیه هم میتوان فهمید اگر کسی گمراه است الله نخواسته او را هدایت کند

سوره ۷: الأعراف

مَن يُضْلِلِ اللّهُ فَلاَ هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۸۶)

هر که را الله گمراه کند برای او هیچ رهبری نیست و آنان را در طغیانشان سرگردان وا می‌گذارد (۱۸۶)

باز هم سخن از گمراه کنندگی الله در این آیه آمده است

سوره ۱۴: إبراهيم

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلاَّ بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللّهُ مَن يَشَاء وَيَهْدِي مَن يَشَاء وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۴)

و ما هيچ پيامبرى را جز به زبان قومش نفرستاديم تا [حقايق را] براى آنان بيان كند پس الله هر كه را بخواهد بى‌راه مى‌گذارد و هر كه را بخواهد هدايت مى‌كند و اوست ارجمند حكيم (۴)

ببنید در کلیه آیه ها شرط هدایت انسانها خواست الله است و انسان هیچ اراده ای از خود ندارد و الله است که گمراه کننده و هدایت کننده است

سوره ۱۶: النحل

وَلَوْ شَاء اللّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِن يُضِلُّ مَن يَشَاء وَيَهْدِي مَن يَشَاء وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۹۳)

و اگر الله مى‌خواست قطعا شما را امتى واحد قرار مى‌داد ولى هر كه را بخواهد بيراه و هر كه را بخواهد هدايت مى‌كند و از آنچه انجام مى‌داديد حتما سؤال خواهيد شد (۹۳)

باز هم همان ....

سوره ۲۸: القصص

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاء وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۵۶)

در حقيقت تو هر كه را دوست دارى نمى‌توانى راهنمايى كنى ليكن الله است كه هر كه را بخواهد راهنمايى مى‌كند و او به راه‌يافتگان داناتر است (۵۶)

این آیه هم که خطاب به محمد است میگوید تو نمیتوانی هر که را دوست داری هدایت کنی ولی الله هر که را بخواهد راهنمایی میکند چه کسی گفته است که اسلام دین اختیار است این آیات را بخواند و ببیند در این دین الله به کسی اجازه تصمیم گیری نداده است و هر چه او بخواهد انجام میگیرد.

سوره ۳۹: الزمر

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِن دُونِهِ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۳۶)

آيا الله كفايت‌كننده بنده‌اش نيست و [كافران] تو را از آنها كه غير اويند مى‌ترسانند و هر كه را الله گمراه گرداند برايش راهبرى نيست (۳۶)

ببینید در آیه بالا هم الله نقش شیطان را اجرا میکند

سوره ۴۵: الجاثية

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَن يَهْدِيهِ مِن بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۲۳)

پس آيا ديدى كسى را كه هوس خويش را معبود خود قرار داده و الله او را دانسته گمراه گردانيده و بر گوش او و دلش مهر زده و بر ديده‌اش پرده نهاده است آيا پس از الله چه كسى او را هدايت‌خواهد كرد آيا پند نمى‌گيريد (۲۳)

بله در آیه بالا هم الله گمراه کننده است و اوست که پرده بر دلها میزند تا راه هدایت را پیدا نکنند

سوره ۷۴: المدثر

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزْدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ (۳۱)

و ما موكلان آتش را جز فرشتگان نگردانيديم و شماره آنها را جز آزمايشى براى كسانى كه كافر شده‌اند قرار نداديم تا آنان كه اهل كتابند يقين به هم رسانند و ايمان كسانى كه ايمان آورده‌اند افزون گردد و آنان كه كتاب به ايشان داده شده و [نيز] مؤمنان به شك نيفتند و تا كسانى كه در دلهايشان بيمارى است و كافران بگويند الله از اين وصف‌كردن چه چيزى را اراده كرده است اين گونه الله هر كه را بخواهد بيراه مى‌گذارد و هر كه را بخواهد هدايت مى كند و [شماره] سپاهيان الله را جز او نمى‌داند و اين [آيات] جز تذكارى براى بشر نيست (۳۱)

خدا ما را از الله و اهریمــــــــــن رها سازد	یقیــــــن اهریمن و الله همدستند حافظ جان
همان اهریمنست الله در این شـــــــک ندارم من	گواهــــــم ایزد و ایرانیان هستند حافظ جان
خدا کی جان و نان با شرط ایمان می دهد کس را	چـــــــرا الهایان این را ندانستند حافظ جان
	مهدی اخوان ثالث

پس بر اساس آیات قرآن الله خود گمراه میکند و خود هدایت میکند و ماهیچ اختیاری نداریم بنابراین هیچ مهربانی در دل ندارد و کسانی را که خود گمراه کرده عذاب میکند این نشانه سنگدلی اوست و من که میگویم الله نمیتواند همان آفریدگار دانا باشد.

الله و جنگ و خونریزی

سوره ۳: آل عمران

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الأَمْرِ وَعَصَيْتُم مِّن بَعْدِ مَا أَرَاكُم مَّا تُحِبُّونَ مِنكُم مَّن يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنكُم مَّن يُرِيدُ الآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنكُمْ وَاللّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (۱۵۲)

و [در نبرد احد] قطعا الله وعده خود را با شما راست گردانید آنگاه که به فرمان او آنان را می‌کشتید تا آنکه سست‌شدید و در کار [جنگ و بر سر تقسیم غنایم] با یکدیگر به نزاع پرداختید و پس از آنکه آنچه را دوست داشتید [یعنی غنایم را] به شما نشان داد نافرمانی نمودید برخی از شما دنیا را و برخی از شما آخرت را می‌خواهد سپس برای آنکه شما را بیازماید از [تعقیب] آنان منصرفتان کرد و از شما درگذشت و الله نسبت به مؤمنان با تفضل است (۱۵۲)

در آیه بالا به خیلی روشن گفته شده که فرمان الله می کشتید پس الله دستور کشتن را صادر کرده است کاری به این ندارم که چه کسانی باید کشته شوند فقط الان بحث من دستور کشتن است که الله همانی که در اول تمام سوره ها خود را مهربان و بخشنده نامیده دستور کشتن صادر می کند مگر نمیگوید جان همه انسانها در دست اوست چرا خودش نمیکشد و دستور کشتن میدهد.

سوره ۴: النساء

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ خُذُواْ حِذْرَكُمْ فَانفِرُواْ ثُبَاتٍ أَوِ انفِرُواْ جَمِيعًا (۷۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید [در برابر دشمن] آماده باشید [=اسلحه خود را برگیرید] و گروه گروه [به جهاد] بیرون روید یا به طور جمعی روانه شوید (۷۱)

در آیه بالا هم الله دستور آماده شده برای جنگ داده است دقت بفرمایید حرفی از دفاع از خود نیست بلکه حرف از حمله به دیگری است

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالآخِرَةِ وَمَن يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللّهِ فَيُقْتَلْ أَو يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (۷۴)

پس باید کسانی که زندگی دنیا را به آخرت سودا می‌کنند در راه الله بجنگند و هر کس در راه الله بجنگد و کشته یا پیروز شود به زودی پاداشی بزرگ به او خواهیم داد (۷۴)

این هم یک نمونه از وعده های الله به کسانی که میخواهند بجنگند وعده بهشت که آنرا هم در بخشهای بعدی مورد بررسی قرار خواهم داد. ولی در کل همانطور که در آیه بالا مشخص است با وعده مسلمانان را تشویق به جنگ کرده است

وَدُّواْ لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُواْ فَتَكُونُونَ سَوَاء فَلاَ تَتَّخِذُواْ مِنْهُمْ أَوْلِيَاء حَتَّىَ يُهَاجِرُواْ فِي سَبِيلِ اللّهِ فَإِن تَوَلَّوْاْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدتَّمُوهُمْ وَلاَ تَتَّخِذُواْ مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلاَ نَصِيرًا (۸۹)

همان گونه که خودشان کافر شده‌اند آرزو دارند [که شما نیز] کافر شوید تا با هم برابر باشید پس زنهار از میان ایشان برای خود دوستانی اختیار مکنید تا آنکه در راه الله هجرت کنند پس اگر روی برتافتند هر کجا آنان را یافتید به اسارت بگیرید و بکشیدشان و از ایشان یار و یاوری برای خود مگیرید (۸۹)

بازهم در آیه بالا به علت اینکه کافران حرف مسلمانان را گوش نمی دهند (روی برتافتند) باید مسلمانان هر کجا آنها را یافتند (دقت کنید صحبت از در جنگ نیست) آنها را به اسارت بگیرند و بکشند البته اسارت آن زمان هم با اسارت حالا زمین تا آسمان فرق دارد

سَتَجِدُونَ آخَرِينَ يُرِيدُونَ أَن يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُواْ قَوْمَهُمْ كُلَّ مَا رُدُّوَاْ إِلَى الْفِتْنِةِ أُرْكِسُواْ فِيِهَا فَإِن لَّمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُواْ إِلَيْكُمُ السَّلَمَ وَيَكُفُّوَاْ أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثِقِفْتُمُوهُمْ وَأُوْلَئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا (۹۱)

به زودی گروهی دیگر را خواهید یافت که می‌خواهند از شما آسوده خاطر و از قوم خود [نیز] ایمن باشند هر بار که به فتنه بازگردانده شوند سر در آن فرو می‌برند پس اگر از شما کناره‌گیری نکردند و به شما پیشنهاد صلح نکردند و از شما دست برنداشتند هر کجا آنان را یافتید به اسارت بگیرید و بکشیدشان آنانند که ما برای شما علیه ایشان تسلطی آشکار قرار داده‌ایم (۹۱)

آیه بالا هم دلیل اسارت و کشتن را مطالعه بفرمایید در ضمن عدالت الله را هم ببینید مسلمانان را بر بقیه تسلط داده است انگار نه انگار که ادعای آفریدن همه را دارد. در ضمن بازهم صحبت از کشتن و اسیر کردن در جنگ نیست بلکه گفته هر کجا یافتید این آیه دعوت به ترور است.

سوره ۸: الأنفال

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلآئِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُواْ الَّذِينَ آمَنُواْ سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُواْ الرَّعْبَ فَاضْرِبُواْ فَوْقَ الأَعْنَاقِ وَاضْرِبُواْ مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ (۱۲)

هنگامی که الله به فرشتگان وحی می‌کرد که من با شما هستم پس کسانی را که ایمان آورده‌اند ثابت‌قدم بدارید به زودی در دل کافران وحشت‌خواهم افکند پس فراز گردنها را بزنید و همه سرانگشتانشان را قلم کنید (۱۲)

میتوانید دعوت به وحشیگری را در آیه بالا ببینید از فراز گردن زدن و سر انگشت قلم کردن برای کافران دور از انسانیت است شاید آنها کافر باشند ولی ظلمی در حق کسی نکرده باشند آیا همه مسلمانان از همه کافران بهتر هستند بعد هم بحث کشتن که خود عمل وحشیانه ای است جدا بحث شکنجه در این آیه آمده است بله سر انگشت قطع کردن شکنجه است.

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لاَ تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِله فَإِنِ انتَهَوْاْ فَإِنَّ اللّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۳۹)

و با آنان بجنگيد تا فتنه‌اى بر جاى نماند و دين يكسره از آن الله گردد پس اگر [از كفر] بازايستند قطعا الله به آنچه انجام مى‌دهند بيناست (۳۹)

بازهم در آيه بالا دعوت به جنگ تا هيچ غير مسلمانی بر جای نماند آيا كسی را بايد به خاطر اعتقادش بايد كشت.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِن يَكُن مِّنكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُواْ مِئَتَيْنِ وَإِن يَكُن مِّنكُم مِّئَةٌ يَغْلِبُواْ أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُواْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لاَّ يَفْقَهُونَ (۶۵)

اى پيامبر مؤمنان را به جهاد برانگيز اگر از [ميان] شما بيست تن شكيبا باشند بر دويست تن چيره مى‌شوند و اگر از شما يكصد تن باشند بر هزار تن از كافران پيروز مى‌گردند چرا كه آنان قومى‌اند كه نمى‌فهمند (۶۵)

اين آيه هم نمونه بارزی از وعده های الله جهت تشويق به جنگ مسلمانان است. و برابری قومی را هم در بالا مشاهده می كنيد آری اسلام دين برابری و برادری صلح و دوستی است به جمله آنها قومی اند كه نمی فهمند دقت كنيد

سوره ۹: التوبة

فَإِذَا انسَلَخَ الأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُواْ الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدتُّمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُواْ لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِن تَابُواْ وَأَقَامُواْ الصَّلاَةَ وَآتَوُاْ الزَّكَاةَ فَخَلُّواْ سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۵)

پس چون ماه‌هاى حرام سپرى شد مشركان را هر كجا يافتيد بكشيد و آنان را دستگير كنيد و به محاصره درآوريد و در هر كمينگاهى به كمين آنان بنشينيد پس اگر توبه كردند و نماز برپا داشتند و زكات دادند راه برايشان گشاده گردانيد زيرا الله آمرزنده مهربان است (۵)

دستور به كشتن آنهم در جنگ نه به صورت ترور در اين آيه ديده می شود دليل آن هم اين است كه مشرک هستند خوب از نظر مسلمانان همه مسيحيان هم مشرک هستند من كه نمی توانم فكر اين را بكنم كه اين دستور به ترور و كشتن و شكنجه دادن از طرف آفريدگار مهربان من باشد.

قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ اللّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ (۱۴)

با آنان بجنگيد الله آنان را به دست‌شما عذاب و رسوايشان مى‌كند و شما را بر ايشان پيروزى مى‌بخشد و دلهاى گروه مؤمنان را خنك مى‌گرداند (۱۴)

در آيه بالا هم الله با دستور به كشتن و مجاز شمردن آنها می خواهد دلهای مومنان را خنک كند مگر مومنان او آدم كش هستند كه از كشتن دلشان خنک شود من كه نسبت دادن اين قرآن را به آفريدگار اهانت به او می دانم خودتان فكر كنيد اگر می خواهيد مسلمان باشيد ولی اين كتاب را به آفريدگار مهربان و دانا نسبت ندهيد

قَاتِلُواْ الَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَلاَ بِالْيَوْمِ الآخِرِ وَلاَ يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللّهُ وَرَسُولُهُ وَلاَ يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُواْ الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُواْ الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ (۲۹)

کسانی از اهل کتاب که به الله و روز بازپسین ایمان نمی‌آورند و آنچه را الله و فرستاده‌اش حرام گردانیده‌اند حرام نمی‌دارند و متدین به دین حق نمی‌گردند کارزار کنید تا با [کمال] خواری به دست‌خود جزیه دهند (۲۹)

این هم حکم الله در مورد کسانی که اهل کتاب (مسیحی یهودی و در جایی از قرآن زرتشتی) هستند با آنها گفته کارزار (جنگ) کنید. تا به دست خود با کمال خواری جزیه (پول همان باج) دهند ببینید الله که خیلی مهربان است در این آیه دیگر به دین اسلام در آمدن مطرح نیست بلکه این مهم است که کسی که می خواهد عقیده ای بر خلاف قوم برگزیده اش (مسلمانان) دارد به آنها باج بدهد و جیب آنها را پر کند. این الله هم حسابی پول دوست است من که نمیتوانم فکر این را بکنم که پروردگارم به علت عقیده دستور دهد کسی را بکشند و با او جنگ کنند ولی وقتی باج داد از او در گذرند.

إِنَّ اللّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاةِ وَالإِنجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللّهِ فَاسْتَبْشِرُواْ بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُم بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۱۱)

در حقیقت‌الله از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است همان کسانی که در راه الله می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند [این] به عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست و چه کسی از الله به عهد خویش وفادارتر است پس به این معامله‌ای که با او کرده‌اید شادمان باشید و این همان کامیابی بزرگ است (۱۱۱)

باز هم وعده بهشت و فرستادن مسلمانان به جنگ باز هم گرفتن پول انسانها و فروختن بهشت به آنها

سوره ۳۳: الأحزاب

لَئِن لَّمْ يَنتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا (۶۰)مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِّلُوا تَقْتِيلًا (۶۱)

اگر منافقان و کسانی که در دلهایشان مرضی هست و شایعه‌افکنان در مدینه [از کارشان] باز نایستند تو را سخت بر آنان مسلط می‌کنیم تا جز [مدتی] اندك در همسایگی تو نپایند (۶۰) از رحمت‌الله دور گردیده و هر کجا یافته شوند گرفته و سخت کشته خواهند شد (۶۱)

باز هم دستور به کشتن آنهم نه در جنگ بلکه هر کجا یافته شدند از حقیقت دوری نکنید بله این حکم ترور است که در قرآن آمده است.

سوره ۶۶: التحریم

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۹)

ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت گیر [که] جای ایشان در جهنم خواهد بود و چه بد سرانجامی است (۹)

جهنم

حالا که فهمیدیم همین الله مهربان است که گمراه می کند ببینیم گمراه ها را که حالا دست بالا صد سال گمراه بودند و گناه از دید الله کردند چند سال با عدالتی که وصف اونم گفتم و با چه مهربانی خاصی تنبیه می کند

سوره ۲: البقرة

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُواْ وَلَن تَفْعَلُواْ فَاتَّقُواْ النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (۲۴)

پس اگر نکردید و هرگز نمی‌توانید کرد از آن آتشی که سوختش مردمان و سنگها هستند و برای کافران آماده شده بپرهیزید (۲۴)

این هم از مهربانی الله است که سوخت جهنمش از مردمان است فکر کنم کوره آدم سوزی را هیلتر طبق آیات قرآن ساخته باشد در می دانید که هیتلر یهودی ها را در آن می سوزاند و این هم از نظر اسلامیون جای تشویق دارد و باید مسلمانان برای روح هیتلر فاتحه بخوانند.

سوره ۹ :التوبة

يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لأَنفُسِكُمْ فَذُوقُواْ مَا كُنتُمْ تَكْنِزُونَ (۳۵)

روزی که آن [گنجینه]ها را در آتش دوزخ بگدازند و پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آنها داغ کنند [و گویند] این است آنچه برای خود اندوختید پس [کیفر] آنچه را می‌اندوختید بچشید (۳۵)

این هم شرحی از شکنجه هایی که در جهنم انجام می شود راستی مگر الله شکنجه گر است که اینگونه وصف شده است

سوره ۱۴ :إبراهيم

مِّن وَرَآئِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِن مَّاء صَدِيدٍ (۱۶)

آن کس که] دوزخ پیش روی اوست و به او آبی چرکین نوشانده می‌شود (۱۶)

استاد شکنجه الله به شکنجه شوندگان آب چرکین می نوشاند آیا ما که انسان هستیم و به بزرگواری آفریدگار هم نمی توانیم باشیم در زندانهای بدترین نقاط جهان حتی آب چرکین به زندانیان می نوشانیم و اگر در زندانی این کار انجام شود چه نسبتی به اداره کننده آن زندان می دهید من که حتی نمی توانم یک لحظه این فکر را بکنم که قرآن از طرف آفریدگار باشد و این سخنان از جانب آفریدگار باشد

سوره ۱۷ :الإسراء

وَمَن يَهْدِ اللّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاء مِن دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَّأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا (۹۷)

و هر که را الله هدایت کند او ره یافته است و هر که را گمراه سازد در برابر او برای آنان هرگز دوستانی نیابی و روز قیامت آنها را کور و لال و کر به روی چهره‌شان درافتاده برخواهیم انگیخت جایگاهشان دوزخ است هر بار که آتش آن فرو نشیند شراره‌ای [تازه] برایشان می‌افزاییم (۹۷)

در آیات بالا هم که گفته شده است خود الله گمراه می کند و بعد هم به جهنم می فرستد آیا این عدالت است مانند این است ما مسابقه دو بگذاریم هرکس به خط پایان نرسد تنبیه شود و هرکس برسد پاداش بگیرد بعد خودمان عده ای را گمراه کنیم و بعضی را به سمت خط پایان هدایت کنیم بعد هم آنها را که به خط پایان نرسیدند تنبیه کنیم.

سوره ۳۹ :الزمر

قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (۷۲)

و گفته شود از درهای دوزخ درآیید جاودانه در آن بمانید وه چه بد [جایی] است جای سرکشان (۷۲)

بیایید خودتان به قضاوت بنشینید کسی هست که صد سال در این دنیا گمراه بوده است و گناه کرده است آیا درســـــت است که تا ابد در جهنـــــم بماند حالا صد سال عذاب هم نه هزار سال عذاب بشود تا ابد ماندن که بی عدالتی است.

سوره ۵۰ :ق

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِن مَّزِيدٍ (۳۰)

آن روز که [ما] به دوزخ می‌گوییم آیا پر شدی و می‌گوید آیا باز هم هست (۳۰)

این هم هدف الله که قبلا هم گفته شده است هدف او پر کردن جهنم است به نظر شما این الله مهربان است



بهشت

خواندن برای زیر ۱۸ سال توصیه نمی شود

حالا که از جهنم گفتم چون بی عدالتی نشود کمی هم از بهشتی که الله وعده داده است می گویم

سوره ۲: البقرة

وَبَشِّرِ الَّذِين آمَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُواْ مِنْهَا مِن ثَمَرَةٍ رِّزْقاً قَالُواْ هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِن قَبْلُ وَأُتُواْ بِهِ مُتَشَابِهاً وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۵)

و کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند مژده ده که ایشان را باغهایی خواهد بود که از زیر [درختان] آنها جویها روان است هر گاه میوه‌ای از آن روزی ایشان شود می‌گویند این همان است که پیش از این [نیز] روزی ما بوده و مانند آن [نعمتها] به ایشان داده شود و در آنجا همسرانی پاکیزه خواهند داشت و در آنجا جاودانه بمانند (۲۵)

دقت کنید فقط در مورد لذتهای مادی در بهشت وعده داده شده است لذت خوردن میوه همانگونه که قبل هم در زمین بوده است و لذت جنسی از همسران پاکیزه که تمام این موارد همانی است که در زمین است آیا شما در این دنیا لذت را فقط در موارد جنسی و خوراکی می دانید اگر همین که در زمین است در بهشت هم قرار است نصیب بشود چه فایده ای دارد در ضمن این باغها و آب روان چیزی است که در عربستان کمبود آن بوده است ولی در ایران فراوان یافت می شود. همانطور که در بخشهای قبل گفتم وقتی اعراب به ایران حمله کردند گفتند این همان بهشتی است که محمد به ما وعده داده بود بله زنان پاکیزه ایرانی و باغهای پر میوه ایرانی همان بهشت برای آنها است

سوره ۵۲: الطور

مُتَّكِئِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ (۲۰)

بر تختهایی ردیف هم تکیه زده‌اند و حوران درشت‌چشم را همسر آنان گردانده‌ایم (۲۰)

اگر به دقت خودتان به قرآن مراجعه کنید و وصف بهشت را بخوانید مورد خاصی برای زنان نمی یابید آن غلامان پسرهم که خیلی زیبا هستند و همواره جوان در خدمت مردان است و وعده خیلی زیادی در مورد لذت جنسی در آنجا داده شده است آیا این شما را سیر می کند چقدر لذت جنسی؟ چقدر خوردن؟ آیا خسته کننده نیست آیا تفریح فقط همین است دائم در قرآن وصف حوریان بهشتی , سفیدی آنها و چشمان درشت آنها آمده است که از یک کتاب چه از طرف آفریدگار و چه از طرف انسان به دور است اینقدر از سکس آن هم یک طرفه و فقط برای آقایان حرف بزند.

يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَّا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ (۲۳) وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ (۲۴)

در آنجاجامی از دست هم می‌ربایند [و بر سرش همچشمی می‌کنند] که در آن نه یاوه گویی است و نه گناه (۲۳) و برای آنان پسرانی است که بر گردشان همی‌گردند انگاری آنها مرواریدی‌اند که [در صدف] نهفته است (۲۴)

در آیات بالا می بینید که اول گفته شده است که در بهشت گناهی وجود ندارد پـــــس هر کاری آزاد است و می بینید که در پس آن از پسران خیلی قشنگ تعریف کرده است آیا این مژده به آزادی لواط در بهشت نیست در ضمن مخاطب این آیات نیز مردان هستند.

سوره ۵۵: الرحمن

فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ (۵۶)

در آن [باغها دلبرانی] فروهشته‌نگاهند که دست هیچ انس و جنی پیش از ایشان به آنها نرسیده است (۵۶)

باز هم مژده سکس با زنان خیلی قشنگ که دست نخورده هستند و این دست نخورده بودن که در آن مژده داده شده است نشانی از جنون سکس است چون دست نخورده بودن با دست خورده بودن فقط برای کسی فایده دارد که از نظر روانی مشکل داشته باشد

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ (۷۰)...... (۷۱)حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ (۷۲)...... (۷۳) لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ (۷۴)...... (۷۵) مُتَّكِئِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ (۷۶)

در آنجا [زنانی] نکوخوی و نکورویند (۷۰) ...... (۷۱)حورانی پرده‌نشین در [دل] خیمه‌ها (۷۲)...... (۷۳) دست هیچ انس و جنی پیش از ایشان به آنها نرسیده است (۷۴) ...... (۷۵) بر بالش سبز و فرش نیکو تکیه زده‌اند (۷۶)

در آیات بالا جای نقطه چین و کدامین نعمت پروردگارتان را به جای خواهید آورد است که تکرار شده است و خودتان به وضوح می بینید که وصف حوریان آنهم از نوع شهوت بر انگیز است که در آیاتی که به پروردگار نسبت داده شده است آمده است و این خیلی زشت است

سوره ۵۶: الواقعة

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ (۱۷)

بر گردشان پسرانی جاودان [به خدمت] می‌گردند (۱۷)

وَحُورٌ عِينٌ (۲۲) كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُون (۲۳)

و حوران چشم‌درشت (۲۲) مثل لؤلؤ نهان میان صدف (۲۳)

فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا (۳۶)عُرُبًا أَتْرَابًا (۳۷)

و ایشان را باکره گردانیده‌ایم (۳۶) شوی دوست همسال (۳۷)

باز هم موارد سکسی و بحث باکره بودن که می دانید از باکره بودن زن فقط یک مرد روانی لذت می برد.

سوره ۷۶: الإنسان

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنثُورًا (۱۹)

و بر گرد آنان پسرانی جاودانی می‌گردند چون آنها را ببینی گویی که مرواریدهایی پراکنده‌اند (۱۹)

شاید بعضی از علما عزیز بفرمایند این پسران فقط برای خدمت گمارده شده اند یک اینکه اگر برای خدمت هستند چرا در سوره الطور آیه ۲۳ ابتدا بر گناه نبودن در بهشت سخن می گوید و سپس از پسران زیبا روی دوم اینکه چرا اینقدر از زیبایی کسی که فقط برای خدمت گمارده شده است سخن گفته می شود بازهم شاید کسی بگوید خوب زیبایی که بد نیست سوم اینکه آری زیبایی بد نیست ولی چرا از جوان بودن آنها سخن گفته میشود آیا جوان بودن آنها هم لزومی داشته است.

عَالِيَهُمْ ثِيَابُ سُندُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِن فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا (۲۱)

[بهشتیان را] جامه‌های ابریشمی سبز و دیبای ستبر در بر است و پیرایه آنان دستبندهای سیمین است و الله باده‌ای پاك به آنان می‌نوشاند (۲۱)

در آیه بالا اشاره به باده شده است البته از نوع پاک آن که الله وقتی حکم حـــرام بودن آنرا بردارد حتما پاک می شود وقتی باده که در این دنیا حرام شده است در بهشت حلال شده است

سوره ۷۸: النبأ

حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا (۳۲)وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا (۳۳)وَكَأْسًا دِهَاقًا (۳۴)

باغچه‌ها و تاکستانها (۳۲) و دخترانی همسال با سینه‌های برجسته (۳۳) وپیاله‌های لبالب (۳۴)

این هم وصف باغ وصف سکس با تعاریف سکسی و پیاله لبالب حرامها اینگونه حلال می شوند اگر می خواهند همه موارد سکسی را سانسور کند باید ابتدا از قرآن شروع کند

اسلام چیزی نو یا چیزی کهنه

سوره ۷: الأعراف

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللّهِ الَّتِيَ أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالْطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِي لِلَّذِينَ آمَنُواْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۳۲)

[ای پیامبر] بگو زیورهایی را که الله برای بندگانش پدید آورده و [نیز] روزیهای پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده بگو این [نعمتها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان می‌باشد این گونه آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کنیم (۳۲)

در آیه بالا می بینید که حرام و حلال کردن سنتی بوده است رایج در آن زمان که هر کس به دلخواه خود چیزی را حلال و یا حرام می کرده است و آیه بالا نکوهش از این عمل است.

لأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلاَفٍ ثُمَّ لأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ (۱۲۴)

(فرعون خطاب به جادوگران) دستها و پاهایتان را یکی از چپ و یکی از راست خواهم برید سپس همه شما را به دار خواهم آویخت (۱۲۴)

در آیه بالا می بینید دست و پا قطع کردن به طور مخالف که در قرآن هم برای کافران در نظر گرفته شده است ربط به زمان فرعون داده شده است.

سوره ۸: الأنفال

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُواْ قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاء لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلاَّ أَسَاطِيرُ الأوَّلِينَ (۳۱)

و چون آیات ما بر آنان خوانده شود می‌گویند به خوبی شنیدیم اگر می‌خواستیم قطعا ما نیز همانند این را می‌گفتیم این جز افسانه‌های پیشینیان نیست (۳۱)

در آیه بالا مشاهده می کنید که اهل مکه گفته ند این جز افسانه پیشینیان نیست پس تمام داستانهای آن را شنیده بوده اند که چنین ادعایی کرده اند و چیزی غیبی در کار نبوده است البته این نتیجه را با خواندن تورات هم که ما چندین صدسال پیش از قرآن آمده است گرفت.

وَمَا كَانَ صَلاَتُهُمْ عِندَ الْبَيْتِ إِلاَّ مُكَاء وَتَصْدِيَةً فَذُوقُواْ الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (۳۵)

و نمازشان در خانه [الله] جز سوت کشیدن و کف زدن نبود پس به سزای آنکه کفر می‌ورزیدید این عذاب را بچشید (۳۵)

می بینید که اهل مکه قبل از اسلام هم نماز می خوانده اند پس نماز خواندن هم چیز جدیدی برای آن زمان نبوده است و یک رسم بین اهل مکه بوده است.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُواْ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّواْ عَن سَبِيلِ اللّهِ فَسَيُنفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُواْ إِلَى جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ (۳۶)

بی‌گمان کسانی که کفر ورزیدند اموال خود را انفاق می‌کنند تا [مردم را] از راه الله بازدارند پس به زودی [همه] آن را انفاق می‌کنند و آنگاه حسرتی بر آنان خواهد گشت‌سپس مغلوب می‌شوند و کسانی که کفر ورزیدند به سوی دوزخ گردآورده خواهند شد (۳۶)

این هم از رسم انفاق کردن که قبل از اسلام بین اهل مکه بوده است. و توصیه جدیدی از اسلام به آنها نبوده است.

سوره ۹: التوبة

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَن يَعْمُرُواْ مَسَاجِدَ الله شَاهِدِينَ عَلَى أَنفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُوْلَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ (۱۷)

مشرکان را نرسد که مساجد الله را آباد کنند در حالی که به کفر خویش شهادت می‌دهند آنانند که اعمالشان به هدر رفته و خود در آتش جاودانند (۱۷)

از آیه بالا می توان نتیجه گرفت که مسجد و مسجد سازی هم چیز جدید از سوی اسلام و محمد نبوده است.

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللّهِ لاَ يَسْتَوُونَ عِندَ اللّهِ وَاللّهُ لاَ يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۹)

آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند [کار] کسی پنداشته‌اید که به الله و روز بازپسین ایمان آورده و در راه الله جهاد می‌کند [نه این دو] نزد الله یکسان نیستند و الله بیدادگران را هدایت نخواهد کرد (۱۹)

و آیه بالا نشانگر این است که حج و حاجی بودن و در ضمن سقایی حاجیان رسمی بوده است از دوران پیش از اسلام بین اعراب.

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِندَ اللّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلاَ تَظْلِمُواْ فِيهِنَّ أَنفُسَكُمْ وَقَاتِلُواْ الْمُشْرِكِينَ كَآفَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَآفَّةً وَاعْلَمُواْ أَنَّ اللّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (۳۶)

در حقیقت‌شماره ماه‌ها نزد الله از روزى كه آسمانها و زمين را آفريده در كتاب [علم] الله دوازده ماه است از اين [دوازده ماه] چهار ماه [ماه] حرام است اين است آيين استوار پس در اين [چهار ماه] بر خود ستم مكنيد و همگى با مشركان بجنگيد چنانكه آنان همگى با شما مى‌جنگند و بدانيد كه الله با پرهيزگاران است (۳۶)

این آیه خیلی جالبتر از آیات قبلی است گفته شمار ماهها نزد الله دوازده است که جواب آن این است که از ابتدا بنابر عقایدی یونانیها و ایرانیها عدد دوازده را خوش یمن می دانستند و بیشتر تقسیمات خود را بر دوازده قرار می دادند و از عدد سیزده نیز دوری می کردند و مثال آن این است که سال دوازده ماه است روز به دو تا دوازده ساعت تقسیم شده است سال را ۳۶۰ روز به علاوه پنج می دانسته اند که ۳۶۰ به دوازده قابل تقسیم است تقسیم دایره را نیز ۳۶۰ درجه قرار داده اند که باز رابطه بالا بر قرار است و چیزی هم نبوده که در آن زمان پیامبری از طرف الله به آنها گفته باشد و نکته خیلی جالبتر اینکه چهار ماه را حرام دانسته است حال چرا الله به دیگر پیامبرانش راجع به این چهار ماه حرام چیزی نگفته است و فقط به محمد این را گفته است شاید پاسخ دهید چون او آخرین پیامبر بوده است خوب قبول ولی چرا چیزی را که الله می خواسته فقط به آخرین پیامبرش بگوید قبل از او بین اعراب عربستان شایع بوده است و آنها که بت پرست بوده اند از این چهار ماه حرام خبر داشتند آیا این چهار ماه حرام که وارد اسلام شده است همان چهار ماهی نیست که اعراب جهت انجام معاملات جنگ و خونریزی را در آن حرام کردند تا چهار ماه از سال را استراحت و کاسبی کنند و هشت ماه دیگر را باز هم به جان یکدیگر بیافتند. و قول محمد جهاد کنند.

سوره ۱۰: یونس

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللّهِ مَا لاَ يَضُرُّهُمْ وَلاَ يَنفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلاء شُفَعَاؤُنَا عِندَ اللّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللّهَ بِمَا لاَ يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلاَ فِي الأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۱۸)

و به جاى الله چيزهايى را مى‌پرستند كه نه به آنان زيان مى‌رساند و نه به آنان سود مى‌دهد و مى‌گويند اينها نزد الله شفاعتگران ما هستند بگو آيا الله را به چيزى كه در آسمانها و در زمين نمى‌داند آگاه مى‌گردانيد او پاك و برتر است از آنچه [با وى] شريك مى‌سازند (۱۸)

در آیه بالا به وضوح می بنید که اعراب عربستان هم الله را قبول داشته اند و بتها را نزد او برای خود شفاعت کننده می دانسته اند و محمد آنها را از این کار منع کرده است یعنی شفاعت خواستن از کسی غیر از الله حال آنکه شیعیان هنوز هم همان کار اعراب را انجام می دهند البته به نحوی دیگر آنها از امامان و امامزادگان شفاعت می خواهند پس خیلی زیاد هم از اعراب جاهلیت دور نیستند.

قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاء وَالأَرْضِ أَمَّن يَمْلِكُ السَّمْعَ والأَبْصَارَ وَمَن يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيَّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَن يُدَبِّرُ الأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللّهُ فَقُلْ أَفَلاَ تَتَّقُونَ (۳۱)

بگو كيست كه از آسمان و زمين به شما روزى مى‌بخشد يا كيست كه حاكم بر گوشها و ديدگان است و كيست كه زنده را از مرده بيرون مى‌آورد و مرده را از زنده خارج مى‌سازد و كيست كه كارها را تدبير مى‌كند خواهند گفت‌الله پس بگو آيا پروا نمى‌كنيد (۳۱)

باز هم اشاره به اینکه اعراب عربستان الله را کاملا می شناخته اند.

سوره ۱۱: هود

قَالُواْ يَا شُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلاَ رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ (۹۱)

گفتند ای شعیب بسیاری از آنچه را که می‌گویی نمی‌فهمیم و واقعا تو را در میان خود ضعیف می‌بینیم و اگر عشیره تو نبود قطعا سنگسارت می‌کردیم و تو بر ما پیروز نیستی (۹۱)

این رسم عزیز و گرامی سنگسار که در آیه بالا می بینیم در زمان شعیب این رسم بوده است و سپس به اسلام انتقال پیدا کرده است و حال هم به بالاترین فرهنگ دنیا این رسم وحشیانه از راه اسلام وارد شده است و حاکمان ظالم ایران این کار را انجام می دهند.

سوره ۱۸: الکهف

سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِم مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاء ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِم مِّنْهُمْ أَحَدًا (۲۲)

به زودی خواهند گفت‌سه تن بودند [و] چهارمین آنها سگشان بود و می‌گویند پنج تن بودند [و] ششمین آنها سگشان بود تیر در تاریکی می‌اندازند و [عده‌ای] می‌گویند هفت تن بودند و هشتمین آنها سگشان بود بگو الله به شماره آنها آگاه‌تر است جز اندکی [کسی شماره] آنها را نمی‌داند پس در باره ایشان جز به صورت ظاهر جدال مکن و در مورد آنها از هیچ کس جویا مشو (۲۲)

این هم نمونه دیگر که ثابت می کند داستان اصحاب کهف داستانی بوده است که در زمان اعراب جاهلیت نیز بر سر آن بحث می شده است و محمد گوینده این داستان نبوده است.

سوره ۲: البقرة

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَآئِرِ اللّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلاَ جُنَاحَ عَلَيْهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ(۱۵۸)

«صفا» و «مروه» از شعائر (و نشانه‌های) الله است! بنابراین، کسانی که حج خانه الله و یا عمره انجام می‌دهند، مانعی نیست که بر آن دو طواف کنند؛ (و سعیِ صفا و مروه انجام دهند. و هرگز اعمال بی‌رویّه مشرکان، که بتهایی بر این دو کوه نصب کرده بودند، از موقعیّت این دو مکان مقدّس نمی‌کاهد!) و کسی که فرمان الله را در انجام کارهای نیک اطاعت کند، الله (در برابر عمل او) شکرگزار، و (از افعال وی) آگاه است.

این هم نمونه دیگر از اداب آن دوره که وارد اسلام شده است و آنهم سعی بین صفا و مروه است که در آن زمان اعراب عربستان که حج می رفتند این کار را هم انجام می دادند و وقتی محمد حج را که یک رسم کاملا عربی بود وارد اسلام می کند سعی بین صفا و مروه را هم در آن قرار می دهد تا تغییر زیادی در اداب اجدادیش ایجاد نگردد.

اسلام و فرهنگ و هنر

سوره ۲۶: الشعراء

وَالشُّعَرَاء يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ (۲۲۴)

و شاعران را گمراهان پیروی می‌کنند (۲۲۴)

این از نظر اسلام در مورد شاعران پس کلمه شعر اسلامی نباید به کار برود

در مورد موسیقی و ترانه هم که همه نظر اسلام را می دانید و اسلام آن را حرام می داند مخصوصا اگر شاد باشد زیرا مسلمانان محکومند که غمناک باشند

در مورد رقص هم که نگو نه تنها آنرا اسلام هنر نمی داند بلکه حرام هم هست

در مورد نقاشی مخصوصا نقاشی چهره همانطور که شاید بدانید نقاشی در اسلام حرام است

در مورد مجسمه سازی هم که آن نیز در اسلام حرام است حال باز هم بگویید هنر اسلامی

دانش اسلامی هم که اگر قرآن را مرجع آن بدانیم بهتر است بگوییم بی دانشی اسلامی

طب اسلامی را اگر بگویم از خنده اشک در چشمانتان جاری می شود فقط بگویم کتابهاي طب اسلامي را بخوانید تا به عمق طب در اسلام پی ببرید. بدانید دلیل لال شدن بچه دلبل دیوانه شدن بچه و فلج شدن و غیره کامل از نظر اسلام در این کتابها آمده است. بهتر است خودتان بخوانید تا بهتر درك کنید.

به عنوان مثال خنده آور مي توانید کتاب زیر را خریداري کنید و بخوانید

ریحانه بهشتی، یا، فرزند صالح نوشتهٔ سیما میخبر نشر: نور الزهرا (۲۷ آذر، ۱۳۸۶)

نمونه اي از بیانات این کتاب

مکروهات حین آمیزش

نگاه کردن به فرج زن که سبب کوری فرزند می شود . سخن گفتن غیر از ذکر خدا که سبب لال شدن بچه می شود. خضاب کردن که موجب می شود فرزند مخنث شود.به همراه داشتن انگشتری که در آن ذکر خدا یا چیزی از قرآن باشد. آمیزش با همسر خود اما با شهوت زنی دیگر که موجب دیوانگی فرزند می شود.

قرآن کتابی بی مانند

ببخشید در این بخش بیشتر من از خودم می نویسم خودتان بخوانید و قضاوت کنید آیا قرآن کتابی بی مانند است

۱- از این نظر که هیچ کس نمی تواند مانند آن را بیاورد می توان گفت این ادعا را هر نویسنده یا شاعر می تواند بکند. آیا کسی می تواند مانند شاهنامه فردوسی , دیوان حافظ , گلستان سعدی یا امثال آنها کتابی بیاورد. نه که نمی تواند. وهمانگونه که در زمان محمد کسانی (ندربن حارث) ادعا کردند که بهتر از محمد و حتی جدیدتر از او هم می توانند داستان تعریف کنند. اگر کسی ادعا کند می تواند مانند فلان کتاب را بیاورد و بیاورد هم می توان با هزاران دلیل از او نپذیرفت که این کتاب مانند آن کتاب است.

سوره ۸: الأنفال

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُواْ قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاء لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلاَّ أَسَاطِيرُ الأوَّلِينَ (۳۱)

و چون آيات ما بر آنان خوانده شود مى‌گويند به خوبى شنيديم اگر مى‌خواستيم قطعا ما نيز همانند اين را مى‌گفتيم اين جز افسانه‌هاى پيشينيان نيست (۳۱)

۲- چه کتابی بهترین کتاب است تا آنجایی که سواد ما قد می دهد بهترین متن یک متن جامع و مانع است یعنی اینکه کمی نداشته باشد و اضافه هم نداشته باشد یعنی تکرار در آن نباشد کمبود هم در مورد موضوع مورد بحثش نداشته باشد اول می رویم در مورد تکرار صحبت کنیم خودتان بهتر می دانید که قرآن پر است از مطالب تکرار شده و حتی پر است از آیاتی که دقیقا تکرار شده اند خودتان ببینید چند بار داستان موسی چند بار داستان نوح چند بار ابراهیم وآیات سوره الرحمن یک در میان تکرار شده است و یا سوره النجم که پر است از تکرار بعد در مورد کامل بودن که اصلا نباید حرفش را زد کل اختلافات مسلمانان از همین جا سر چشمه می گیرد حتی ملسلمانان در مورد یک موضوع کوچک مانند وضو هم اختلاف دارند چون چیز کاملی در مورد آن در قرآن نیست که به آن استناد کنند در مورد اوقات نماز هم در ضمن اینکه شما داستانهای قرآن را بخوانید ببنید چقدر پراکنده و ناقص هستند

۳- از نظر تعاریف علمی در قرآن هم که نگو اگر همه دنیا می خواستند از روی قرآن علم را بیاموزند الان فکر می کردند که شهاب سنگها تیرهایی است که به طرف شیاطین شلیک می شود آسمان هفت طبقه است قابل لمس کردن است ستاره ها چراغهایی هستند در آسمان اول که جهت زیور آسمان و راهنمایی مسافران در شب آفریده شده اند البته آن زمان به فکر الله نرسیده بود که به جای این چراغها

قطب نما بیافریند . آسمان می تواند مانند طومار لوله شود تگرگ از کوه های موجود در آسمان می بارد زنبور عسل شهد گلها را می خورد و سپس از درون شکمش عسل را برای ما در می آورد کوهها مانند میخ در زمین فرو رفته اند و زمین را نگه داشته اند مثلا در قاره استرالیا که میخ یا همان کوه خیلی کم است هر لحظه امکان دارد زمین بیافتد سبب باریک و کلفت شدن ماه این است که اوقات حج و معامله را بدانیم و اصلا سایه زمین بر ماه نمی افتد.

۴- از نظر تعاریف تاریخی هم که اینکه مریم مادر عیسی را خواهر هارون معرفی کرده است که کاملا اشتباه می باشد زیرا مریم برادری به نام هارون نداشته است وهارون برادر موسی خواهری به نام ماریام داشته که هیچ ربطی به مریم مادر عیسی ندارد یکی دیگر اینکه هامان را وزیر فرعون معرفی کرده است در حالی که هامان وزیر خشایار شاه بوده است

۵- از نظر نوشتاری هم که در کل سوره های مکی با سوره های مدنی از زمین تا آسمان تفاوت دارند و این تضاد در نوشتار در یک نوشتار کامل نباید به چشم بخورد آیات مکی کوتاه و زیبا هستند دارای آهنگ و آیات مدنی بلند و خسته کننده و بدون آهنگ مناسب می باشد بعد هم پرش از یک شاخه به شاخه دیگر در آن زیاد به چشم می خورد به صورتی که از یک داستان به داستان دیگر و هنوز یک موضوع تمام نشده به موضوع دیگر می پردازد و در کل خواننده را خسته و سر درگم می کند خودتان می توانید متن فارسی آن را بخوانید تا به این موضوع پی ببرید

۶- زباني كه قرآن به آن نو شته شده است شايع است كه زباني كامل مي باشد ولي درباره آن بدانيد كه:

آيا زبان تازي زبان كاملي است ؟

در باره ی رواني و سادگي زبان پارسي در برابر زبان تازي، چند چيز گفتنيست .

نخستين و مهمترين برتري آن ، نداشتن " حرف تعريف" ("article") و جنس نامهاست. در تازي الف و لام "ال" گفتار را يك سيلاب يا يك بخش به ازاي هر نام، دراز ميكند. جنس هر نام را هم بايستي دانست، تابه تازي سخن درست توان گفت..براي نمونه ، در زبان آلماني سه حرف تعريف براي نامهاي مردانه، زنانه و خنثي و در زبان فرانسه دو حرف تعريف براي نامهاي مردانه و زنانه هست كه هر نام را بايستي با جنس آن ياد بگيريم.

دو ديگر اينكه براي پيوند دو نام يا نام و صفت تنها از آواي "اِ" (e) سود ميبريم. در انگليسي of، در فرانسه de " دُ" و در تازي "آل" را بايستي بكار برد مانند: بختِ بلند، دستِ سرنوشت، جامِ مِي، شهرِ تهران و ... در برخي جا ها براي پيوند نام و صفت به آن آواي "اِ" هم نياز نيست. مانند: بزرگ مرد، خندان لب ..

سه ديگر اينكه در پارسي گلودَرد و خستگي زبان نداريم! زيرا از به زبان آوردن "ع" ،"ح"، "ط" ، "ض" ، "ص" ، "ظ" ، رهائي مييابيم.

چهارم اينكه همزه نداريم تا در ميان سخن و واژه وادار به ايست بشويم. مانند: مأمون از خلفائي بود كه متأسّفانه تأمّل و تأنّي ميكرد! در اين نمونه بايستي پنج بار براي همزه ايست ميكرديم.

پنجم اينكه ما يك نوع جمع نامها بيشتر نداريم و در تازي جمع دوتايي و جمع چندتايي است.

ششم آنكه دستور جمع نامها در زبان پارسي ساده است و با "ان" و "ها" جمع بسته ميشود و در تازي با فراگرفتن هر واژه بايستي انواع جمع هاي آنرا هم ياد گرفت. مانند: قُرباء، اقارب، مقرّبان،...كه همه بمعني

نزديكان هستند. يا نمونه هاي زير كه همه بر وزن فاعل هستند و جمعشان بايستي از يك دستور پيروي كند، امّا هركدام به روشي جمع بسته ميشوند.

ناصر، انصار عالم، عُلماء عامل، عَمَلِه

يا جمع هاي خنده داري مانند:

افاغنه،ارامنه، اكراد،الوار!، شواهين (جمع شاهين كه از پارسي گرفته شده)، طوالش، اتراك،..

هفتم اينكه تازي چون "پ"، "چ"، "ژ"، "گ" ندارد و از گفتن بسياري از نامهاي روا در جهان ناتوان است:

چند نمونه براي لبخند:

چين = صين ژاپن = اليابان پپسي كولا = بيبسي كولا پلاتون = افلاطون ! هيپُكرات = بُقراط سِزار = قِيصَر دِژپُل = دزفول گندي شاپوُر = جندي شابور = نيشابور تپورستان = طبرستان آذرپادگان = آذربايجان كُنستانتينوپول = قسطنطنيّه ! اسپهان يا سپاهان = اصفهان فرنگي = افرنجي اسلاو = صُقلاب !

هشتم آنكه ، زبان تازي پذيراي پسوند و پيشوند يا با تركيب دو واژه نيست،

(زبان تازي در اوزان خود گرفتار و منجمد است) اما در فارسي با يك ريشه كارريشه هاي ديگري ميتوان ساخت كه تازي براي هر كدام آنها يك مصدر جداگانه بايستي بكار ببرد. مانند:

آوردن برآوردن بازآوردن درآوردن همآوردن فرآوردن ..

هركدام از واژه هاي زير هم كه با واژه "دانش" كه خود از ريشه "دان" است، با پسوند و پيشوند يا با تركيب دو واژه درست شده:

دانشمند، بي دانش ، دانشي، دانشور، دانش آموز، دانشجو ، دانش پژوه ، دانشگاه

واپسين آنكه ما خوشبختانه مانند تازيان اوزان گوناگون نداريم و بدون شكستن ريشه ، اسم فاعل و مفعول و .. را ميسازيم كه يادگيري زبان فارسي را آسان ميكند.

مانند ريشه "پوي": پوينده و پوييده و ديگر با واژه هايي چون :

عالم،معلوم، عليم، علّامه !، تعليم،تعلم، معلم، تعاليم، استعلام، علوم، متعلم ،علماء، اعلم،.... سروكار نداريم، كه زبان اموز بدبخت را ،كه شايد ميخواهد ديداري توريستي از مصر داشته باشد، به مرز نوميدي ميكشاند.

اگر زبان كامل اين زبان تازيست كه بايد بروز زبانهاي "ناقص" ديگر گريست. اما اگر بخواهيم پيچيدگي هاي دستوري و شمار استثنا ها و دشواريها و سختگيري هاي بيهوده ، بهمراه واژه هاي ناهمگون، گلو و گوشخراش و اوزان بيشمار و گيج كننده، كه به انگيزه آن طلبه ها سالهاي دراز بايستي اين زبان را فراگيرند

(و دست آخر هم كم سواد باقي ميمانند) ، را نشانه كامل بودن يك زبان بدانيم ، پس به راستي عربي حتي بالاتر از چيني، كاملترين زبان دنيا است!

زبان زيبا، زبان كامل، زبانيست آسان براي آموختن، آسان براي ادا كردن، زباني ساده و آهنگين است.

با تشكر از نويسنده گمنام

امامان و سيدها

در اين بخش مي خواهم توضيح كوتاهي در مورد امامها و سيدها بدهم

يك ما مي دانيم كه هر فرزند هم اخلاق و رفتارش به پدر خود ممكن است. شبيه شود. و هم به مـــــادر خود و نمي توان گفت يك فرزند فقط به پدر يا مادر خود شبيه است.

دو ما مي دانيم ممكن است همسر پيامبران هم ناصالح باشند مانند همسر لوط كه در قرآن هم آمده است و همسر نوح كه در آيه ديگري از قرآن آمده است يا مانند همسر محمد عايشه كه بر عليه علي به جنگ برخواست. در مورد امامان هم امام حسن را مي توان نام برد

سه ما مي دانيم فرزند پيامبران هم مي توانند ناصالح باشند مثل پسر نوح يا پسران يعقوب كه برادر خود را به چاه انداختند آنها هم پسر پيامبر بودند.

چهار همه اين مثالها در مورد نسل اول از يك پيامبر است حال ببينيد نسلهاي بعدي چه خواهند شد

حال ما به كساني كه ادعا دارند چندين و چند نسل بعد از يك امام بوده اند بي جهت احترام مي گذاريم و يك پنجم از اموالمان را كه با زحمت به دست آورده ايم و پس اندازه كرده ايم دو دستي تقديم آنها مي كنيم و اگر تقديم نكنيم از نظر الله كه خيلي هم عادل است اموال ما آغشته به مال حرام هستند البته تمام عزيزان ايراني قابل احترام هستند و منظور من كساني است كه از نام سيد سو استفاده مي كنند براي امامزادگان كه اكثر آنها جزو سرداران عربي بوده اند كه ايران عزيز ما سرزمين مادري ما را مورد تازش قرار داده اند بارگاه مي سازيم و پول خود را درون بارگاه آنها جهت استفاده آخوندها مي ريزيم. براي امام حسين كه جزو سرداران جنگي بود كه به ايران حمله كردند و در جنگ طبرستان گردن ايراني ها را زد و همسرش نيز يك اسير ايراني بود كه به كنيزي گرفته شده بود شصت روز عزاداري مي كنيم ولي براي ابومسلم خراساني كه براي آزادي ايران و

سربلندي ايراني جنگيد عزاداري نمي كنيم براي بابك خرمدين مبارز ايراني نمي گرييم براي حتي ميرزا كوچك خان جنگلي هم غمناك نمي شويم البته آنها هم راضي نيستند ايرانيان شاد نباشند و بگريند حال جالب اينكه براي محمد كه پيامبر اين دين است يك روز عزا داري مي كنيم و براي امام حسين كه رهبري پس از او بوده است شصت روز عزاداري مي كنيم شاديهاي خود را باطل مي كنيم به حديث زير از امام حسين نگاه كنيد.

فامنت بالعجم بهذه فضيلة العجم مع مرغوب عن عمرو بن عبد الملك قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول نحن قريش وشيعتنا العرب وعدونا العجم بان اى العرب الممدوح من كان محبا والعجم المذموم من كان عدونا وان كل عربيا خير من ... سؤراى الثانى فى الاعاجم قبل آن وسبى الفرس الى المدينة ارادا الثلوان بيع النساء وان يجعل الرجال عبيد العرب وعزم على ان يحمل العليل والضعيف والشيخ الكبير فى الطواف

ما از تبار قريش هستيم و هواخواهان ما عرب و دشمنان ما ايراني‌ها هستند. روشن است كه هر عربي از هر ايراني بهتر و بالاتر و هر ايراني از دشمنان ما هم بدتر است. ايرانيها را بايد دستگير كرد و به‌مدينه آورد، زنانشان را بفروش رسانيد و مردانشان را به‌بردگي و غلامي اعراب گماشت.

حسين بن علي، امام سوم شيعيان، سفينة‌البحار و مدينة‌الاحكام و الآثار، نوشتهٔ حاج شيخ عبّاس قمي، صفحهٔ ١٦٤.

بعضي از آخوندها اينگونه در مورد حديث بالا جبهه گرفته اند.

يك مي گويند عجم به تمام افراد غير عرب گفته مي شده است

نخست من هم قبول دارم ولي حتي اگر اينگونه باشد هم اين حرف از يك انسان عادي هم كمال ظلم و ضد انسان بودن او را مي رساند دوم عجم به افراد غير عرب گفته مي شده است كه ايرانيان هم غير عرب بوده اند و شامل اين زير مجموعه مي شوند بنابراين شما مي توانيد به جاي واژه ايرانيان كلمه غير عربها را بگذاريد و دوباره جمله را بخوانيد همان معني قبل را مي رساند سوم اينكه عجم به غير عرب گفته مي شده است و به خصوص براي ايرانيان به كار مي رفته است چهارم اينكه در آن زمان اعراب با بزرگترين قدرتي كه در گير بوده اند ايران بوده است و مي توان فهميد روي اين سخن كامل با ايرانيان بوده است

دو اينكه مي گويند شايد اين حديث جعلي باشد

كه اين سخن هم نشانه كم آوردن آنها در اين موضوع است زيرا حاج شيخ عباس قمي يكي ار نويسنده ها و بزرگان اسلام است و كتاب مفاتيح الجنان هم از او مي باشد و همه آخوندها او را قبول دارند اگر اينگونه كه آنها مي گويند باشد پس زحمت بكشند كليه كتابهاي او را از جمله مفاتيح الجنان را جمع آوري كنند و به آتش بكشند زيرا به امامشان دروغ بسته است پس چرا در ايام ماه رمضان هميشه كتاب مفاتيح الجنان او در دست شما مي چرخد

بر بزرگـــان جمت اشکـــــي نميريزي ولي	در عــزاي تازيانت عيش عاشــوراستي
بر ابومســـلم نميگريي که خنـــــداندت ولي	در غم طفلان مسلم شيونت برپـــــاستي
سد هزاران لاله از ايران زمين شــــد داغدار	تو هنـوزت شيون از داغ دل ليـــلاستي
اينهمه سردار ملي غوطه زد در خــاك و خون	باز چـشمت اشگريز اصغر و صغراستي
گريه بر خواري خود کن گر سر زاريت هست	خنده بـر شادي خود کن گرت استـغناستي
گريه کن بر انقـــراض دولت ساسانيـــــان	کاين مـذلتها همه برخـــــاسته زآنجاستي
قرنها سعي تو در بيگاري بيگـــــــانه رفت	بر سـرت بيگانه زآنرو سـرور و آقاستي

خوب است کمي هم در مورد حضرت علي بدانيد يك اينکه مي گويند حکومت عدل علي ولـي خودتان خوب فکر کنيد کل زمان حکومت او پنج سال بود که کل اين پنج سال را در جنـگ بـود دو اينکه آنقدر در زمان علي بي عدالتي همه جا را فرا گرفته بود که سه تن با هم عهد کردند مسبب هاي اين ناعدالتي ها را بکشند و ابن مجلم مامور کشتن علي شد که يکي از ناعادلان آن زمان بود سه اينکه علـي جزو اولين کساني بـود کـه بـا خلفاي سه گانه بيعت کرد و حتي در حفظ جان آنها مشاوره جهت جنگ و حمله به ايران نيز شرکت داشت.

قبل از آوردن نمونه هايي ار نهج البلاغه بدانيد که نهج البلاغه توسط يك ايراني به سيد رضـي در چند صد سال پيش نوشته شده است و او تـا توانسته موارد خوب بـه آن اضـافه و موارد بد را از آن حذف نموده است و در ضمن در حال حاضر نيز آخوندها از پا ننشسته اند و در ترجمه آن سعي کامل خود را مي کنند تا نکات منفي را مثبت جلوه دهند.

خطبه ۱۵۰ نهج البلاغه

تا آنجا که اراده الهی به پایان دوران جاهلیت موافق شد، شمشیرها در راه خـدا کـشیدند، و عقیـده هـای خـود را بـر شمشیر حمل کردند

از نظر علي مسلمانان بايد عقيده خود را بر شمشيرهايشان حمل کنند

خطبه ۷۹ نهج البلاغه

همانا زنان در مقایسه با مردان، در ایمان، و بهره‌وری از اموال، و عقل متفاوتند، اما تفاوت ایمان بانوان، برکنار بـودن از نماز و روزه در ایام عادت حیض آنان است، و اما تفاوت عقلشان با مردان بدان جهت که شهادت دو زن برابـر شـهادت یک مرد است، و علت تفاوت در بهره‌وری از اموال، آنکه ارث بانوان نصف ارث مردان است. مدیریت خانوادگی پـس، از زنان بد، بپرهیزید و مراقب نیکانشان باشید، در خواسته‌های نیکو، همواره فرمانبردارشان نباشید تا در انجـام منکـرات طمع ورزند.

حکمت ۱۰۲

آینده و مسخ ارزش‌ها

روزگاری بر مردم خواهد آمد که محترم نشمارند جز سخن چین را، و خوشـشان نیایـد جـز از بـدکار هـرزه، و نـاتوان نگردد جز عادل. در آن روزگار کمک به نیازمندان خسارت، و پیوند با خویشاوندان منّت گذاری، و عبادت نوعی برتری طلبی بر مردم است، در آن زمان حکومت با مشورت زنان، و فرماندهی خردسالان، و برتری خواجگان اداره می‌گردد.

حکمت ۱۲۴

روانشناسی زن و مرد

غیرت زن، کفر آور، و غیرت مرد نشانه ایمان اوست.

حکمت ۲۳۸

مشکلات تشکیل خانواده

زن و زندگی، همه‌اش زحمت و دردسر است و زحمت بارتر اینکه چاره‌ای جز بودن با او نیست«».

حکمت ۲۶۰

تا می‌توانید از زنان دوری کنید